

الله اعلم

ۖ

مناسک عمره مفرد

مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بیشتر قلیس

با حواشی مراجع معظم تقلید

شناسنامه از فایل «شناسنامه»

فهرست

٧	مقدمة
١١	■ عمرة مفردة
١٧	■ اعمال عمرة مفردة
١٧	محل احرام
٢٨	استفتئات ميقات
٣٤	نيت
٣٦	تلبيه
٤٠	پوشیدن لباس احرام
٤٨	استفتئات احرام
٥١	مستحبات احرام
٥٣	مكرهات احرام
١١٢	استفتئات محرمات احرام
١٢٣	مستحبات دخول حرم
١٢٤	مستحبات دخول مكة معظمها
١٢٤	آداب دخول مسجد الحرام

١٢٩	طواف ■
١٣١	واجبات طواف
١٧٩	استفتاءات طواف
٢١٢	آداب و مستحبات طواف
٢١٥	نماز طواف ■
٢٢٣	استفتاءات نماز طواف
٢٢٩	مستحبات نماز طواف
٢٣١	سعی ■
٢٣٩	استفتاءات سعی
٢٤٩	مستحبات سعی
٢٥٣	قصیر یا حلق ■
٢٥٤	استفتاءات قصیر
٢٥٩	طواف نساء و نماز آن ■
٢٦٠	استفتاءات طواف نساء
٢٦٣	محصور و مصدود ■
٢٦٩	طواف وداع ■
٢٧١	مسائل متفرقہ ■
٢٧٨	استفتاءات مسائل متفرقہ

مقدمه

از نیازهای مهم و جدی روحانیان محترم کاروانهای عمره و حج، آگاهی از مسائل و فروع مناسک و نیز اختلاف فتاوی مراجع عظام تقلید است و از آنجاکه زائران بیت الله الحرام، از مراجع مختلف تقلید می‌کنند، بر روحانی کاروان است که با آرای فقهی مراجع معظم آشنا شده، زائران را به آن راهنمایی کنند تا زائران بتوانند اعمال عمره و حج را بدون اضطراب و دغدغه خاطر به جا آورند.

برای پاسخگویی به این نیاز، چندین سال پیش فتاوی سایر مراجع نیز بر مناسک امام خمینی ره افزوده شد و با حواشی مراجع معظم تقلید گذشته و حال، منتشر گردید. این مناسک نیاز فقهی روحانیان را در حد زیادی پاسخ گفت و مورد استقبال آن عزیزان قرار گرفت.

به دنبال این اقدام، در مورد اصلاح ساختار مناسک عمره مفرده نیز این احساس پدید آمد و ما را بر آن داشت تا با انتخاب مسائل عمره و بازنگری جدید، این مهم را به انجام رسانیم که به لطف

خداؤند این تلاش نیز سامان یافت و آماده چاپ گردید.

اکنون یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. متن این نوشه برگرفته از مناسک حج حضرت امام خمینی ره و مطابق با فتاویٰ معظم له است که به جهت حفظ امانت، تغیری در مسائل و حتی عبارت‌ها داده نشده، جز حذف مواردی که مربوط به حج بوده یا تغییراتی که احکام عمره، آن را اقتضا می‌کرد.

۲. برای اطمینان بیشتر و امکان مراجعته به مأخذ و منبع اصلی، شماره مسائل مناسک محسنی نیز در پایان هر مسأله آمد.

۳. نظر مراجع معظم تقليد که در پاورقی آمده، برگرفته از مناسک حج محسنی است.

۴. مراجعی که حاشیه آنان در پاورقی نیامده، به این دلیل است که نظر ایشان با آنچه در متن آمده موافق است.

۵. از آنجا که مجموعه حاضر اوّلین مناسک محسنی عمره است، لذا برای کمال بخشیدن به آن پذیرای نظرات و پیشنهادهای شما عزیزان هستیم.

۶. هرچند این مناسک بارها به چاپ رسیده، لیکن با توجه به تغییراتی که در بعضی فتاویٰ مراجع تقليد پیش آمده و نیز نظرات اصلاحی و تكميلي روحانيون معظم به دستمان رسیده، بار دیگر اين مناسک مورد بازخوانی و تصحیح قرار گرفت که به شکل حاضر تقدیم می‌شود.

در پایان از تمام دوستان فاضل که زحمت فراهم آوردن این

مجموعه را متقبّل شده‌اند و همچنین افرادی که با سعی و افر و مطالعه دقیق و عالمانه خود، کنترل و بازخوانی نهایی آن را انجام داده‌اند، صمیمانه تشکّر و سپاسگزاری می‌نماییم.

امید آن که صاحب نظران با ارائه پیشنهادهای خود ما را یاری فرمایند.

والسلام على من اتّبع الهدى

عمره مفرّد

[۱] م - اشخاصی که منزل آنها از مکه شانزده فرسنگ^۱ شرعی دور باشد اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست. مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورند.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۷۹)

[۲] م - واجب است برکسی که می‌خواهد داخل مکه شود^۳ با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.^۴ (مناسک محسنی، م ۱۷۳)

۱. آیة الله بهجت، آیة الله سیستانی: بیش از شانزده فرسخ (مناسک، مسأله ۱۳۹).

آیة الله خویی، آیة الله تبریزی: از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

۲. آیة الله مکارم: این احتیاط واجب است.

۳. آیات عظام سیستانی، گلپایگانی، صافی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست (مناسک، مسأله ۱۴۱).

۴. آیات عظام خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی و مکارم: همچنین در مورد کسانی که در همان ماه که عمره را به جا آورده‌اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل ←

[۳] م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه به‌قصد رجاء به‌جا آورده شود.^۱ (مناسک محسنی، م ۱۷۳)

→ می‌شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.
آیة الله سیستانی: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفردہ از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند.

آیة الله بهجت: و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفردہ از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنانیں شخصی می‌تواند پیش از گذشتن یک ماه بدون احرام وارد مکه شود. (مناسک، مسأله ۱۳۸).

۱. آیة الله اراکی: و احوط آن است که در کمتر از ۱۰ روز به‌قصد رجاء آورد.
آیة الله بهجت: فاصله بین دو عمره لازم نیست. بنابر اظہر اگرچه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد، یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به‌جا آورد فاصله یک ماه لازم نیست، و همچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد، همچنانکه فاصله بین عمره تمتع و عمره مفردہ وبالعکس لازم نیست. (مناسک، م ۱۳۴).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد. مثلاً یک عمره در آخر ماه ربیع و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسأله خواهد آمد.
آیة الله خامنه‌ای: فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به‌جا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است.

آیة الله گلپایگانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفردہ لازم نیست. بلکه می‌توان در یک روز چندین عمره مفردہ به‌جا آورد، اگرچه انجام دو عمره در فاصله کمتر از ده روز مکروه است.

اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفردہ نظر آیات عظام چنین است:

[۴] م - کسی که به احرام عمره مفردہ وارد مکه شد اگر احرامش در ماههای حج بوده^۱ جایز است^۲ که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می‌شود. (مناسک محسنی، م ۱۸۲)

[۵] س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد فرموده‌اید باید عمره دوم را به قصد رجاء به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفردہ از خود شخص و بین دو عمره مفردہ‌ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۱۸۶)

ج - فرق نمی‌کند.^۳

آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی، فاضل: کسی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع عمره مفردہ به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.

آیة الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفردہ اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفردہ بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود.

۱. آیة الله تبریزی: و تا وقت حج در مکه باقی ماند.

۲. آیة الله بهجت: جواز عدول به عمره تمتع محل تأمل و احتیاط است مگر اینکه ممکن از انجام عمره تمتع نباشد.

آیة الله سیستانی: اگر عمره مفردہ را در ماههای حج انجام دهد و در مکه تا روز هشتم ذی الحجه بماند و قصد حج کند عمره او عمره تمتع به حساب می‌آید.

۳. آیة الله اراکی: اگر عمره به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست.

آیة الله بهجت: نظر ایشان در ذیل مسأله ۳ آمده است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: در یک ماه قمری نمی‌تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره یکی ←



[۶] س - اینکه حضرت عالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجاءاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج - میزان یک ماه است^۱، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند. (مناسک محشی، م ۱۸۷)

[۷] س - اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر، و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفردہ واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - لازم است احتیاط مراعات شود^۲، و چنانچه با تذکر به اجیر کننده

→ برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

آیة الله خامنه‌ای: نظر ایشان ذیل مسأله ۳ آمده است.

آیة الله گلپایگانی: فاصله بین دو عمره شرط نیست.

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی، صافی و مکارم: چنان‌که گذشت در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد پس اگر یک عمره رادر اوخر ماه انجام دهد و عمره دیگر را در اوّل ماه بعد مانعی ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: نظر ایشان ذیل مسأله ۳ آمده است.

آیة الله فاضل: میزان عنوان ماه است.

۲. آیة الله اراکی: لازم است در دو عمره مفردہ، اگر برای خودش انجام می‌دهد فاصله ده روز رعایت شود.

آیة الله خامنه‌ای: نظر ایشان ذیل مسأله ۳ آمده است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اجرت گرفتن مانعی ندارد. به حاشیه مسأله ۵ مراجعه شود.



اجرت بگیرد اشکال ندارد.^۱ (مناسک محسنی، م ۱۸۸)

[۸] س - انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمنع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه؟

ج - مانع ندارد، و فرق نمی‌کند.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۹۱)

[۹] س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عنز جایز است؟
ج - باید مبادرت نماید عرفًا علی الا هوط وتأخير نشود.^۳ (مناسک محسنی،

م ۱۹۲)

[۱۰] س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمنع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمنع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می‌فرمایید، یا باید رجاءً انجام شود؟
ج - به قصد رجاء انجام شود.^۴ (مناسک محسنی، م ۱۹۴)

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: نیابت مانعی ندارد و نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد و کفایت از منوب عنه می‌کند.

آیة الله فاضل: کفایت از منوب عنه می‌کند و اجرت گرفتن اشکال ندارد.
آیة الله مکارم: و کفایت کردن آن محل اشکال است.

۲. آیة الله سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.
آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد. (آداب و احکام ص ۳۹۲، مسئله ۱۰۱۴).

۳. آیة الله تبریزی: گرچه اقوی عدم و جوب مبادرت است.

آیة الله سیستانی: وجوب آن فوری است مانند وجوب حج.

۴. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: بین عمره تمنع و عمره مفرده فاصله لازم نیست چه قبل باشد چه بعد و فاصله ده روز بین دو عمره مفرده معتبر است.
آیة الله تبریزی: به حاشیه مسئله ۳ مراجعه شود.



[۱۱] س- کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفردہ به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفردہ را به جا آورده کافی و مجزی است یا نه؟

ج- احوط^۱ آن است که تا عمره مفردہ را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر محرم نشود هرچند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۹۷)

→ آیة الله خامنه‌ای: قصد رجاء لازم نیست. (مناسک محسنی معظام له، م ۱۹۴)
آیة الله خویی: بعد از فراغ از اعمال حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.
(مناسک، مسأله ۱۳۷).

آیة الله سیستانی: انجام عمره مفردہ بین عمره تمتع و اعمال حج موجب بطلان عمره تمتع است و پس از اعمال حج هم اگر در همان ماه ذی حجه عمره تمتع به جا آورد، استحباب عمره مفردہ به نیت همان کسی که عمره تمتع برای او به جا آورده اشکال دارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: قصد رجاء لازم نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۰۶)

آیة الله فاضل: در فرض مزبور فاصله و قصد رجاء لازم نیست لکن بین عمره تمتع و حج تمتع نمی توان عمره مفردہ انجام داد. (عمره مفردہ ص ۱۴).

۱. آیة الله بهشت، آیة الله خویی: مانع ندارد. (مناسک، مسأله ۱۵۸).
آیة الله تبریزی: احتیاط مستحب آن است....

آیة الله سیستانی: وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است.

آیة الله مکارم: باید توجه داشت که عمره مفردہ واجب را در هر ماه از سال می توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تأخیر نیندازد.

۲. آیة الله مکارم: احتیاط واجب در ترك این کار است.

اعمال عمره مفرد

[۱۲] م - اعمال عمره مفرد عبارت است از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، حلق یا تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء که تفصیل هر یک در مسائل آینده خواهد آمد.

احرام

محل احرام

[۱۳] م - محل احرام بستن برای عمره، ادنی الحل است^۱ و جایز است از یکی از مواقيت پنجگانه محرم شود که عبارت است از:

۱. آية الله بهجت: اگر در حرم باشد و میقات است در صورت مرور به آن کتاب حج افراد ص ۶ م ۱۷۶

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام بستن برای عمره مفرد باید از همان مواقيت پنجگانه عمره تمتع باشد، و اگر مکلف در مکه باشد، و بخواهد عمره مفرد بهجا آورد جایز است از حرم خارج شده و احرام بیندد و واجب نیست به یکی از مواقيت عمره تمتع برود و بهتر است که احرامش از یکی از این سه محل باشد: حدیبیه، جعرانه، و تنعیم.

- اول - مسجد شجره است که آن را ذوالحیفه می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند. (مناسک محسنی، م ۲۰۰)
- [۱۴] م - جایز است در صورت ضرورت ^۱ احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.^۲ (مناسک محسنی، م ۲۰۱)
- [۱۵] م - احتیاط واجب^۳ آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن^۴، هر چند نزدیک به آن باشد. (مناسک محسنی، م ۲۰۲)

۱. آیة الله خامنه‌ای: از قبیل بیماری و ضعف و عذرهای دیگر. (مناسک حج، م ۷۸)
۲. آیة الله بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد یا فعل مضطراً لیه فداء است محل تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۹)
۳. آیة الله بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست و چپ باشد احرام بسته شود و اختیاراً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود. (مناسک، ص ۶۴).
- آیة الله تبریزی: جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت إمکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.
- آیة الله خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می کنند کفایت نمی کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.
- آیة الله خوبی: احرام از منطقه ذو الحلیفه، مانع ندارد. (تعلیقه العروة ج ۲ ص ۳۴۲)

- آیة الله گلپایگانی، آیة الله مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت می کند هر چند از داخل مسجد مستحب است.
۴. آیة الله تبریزی: شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می شود و تجدید تلبیه در جحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانع ندارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.



[۱۶] م- احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد محروم شود اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.^۱ (مناسک محسنی، م ۲۰۲)

[۱۷] م- شخص جنب و حائض می‌توانند^۲ در حال عبور از مسجد محروم شوند^۳، و نباید در مسجد توقف کنند.^۴ (مناسک محسنی، م ۲۰۳)

[۱۸] م- اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام بیندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیم کند و داخل مسجد شود و احرام بیندد.^۵ (مناسک محسنی، م ۲۰۴)

۱. آیة الله بهجت: احتیاطاً احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطلاع توسعه از یمین و یسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود و در صورت عدم امکان دخول به قسمت قدیمی از محاذی آنجا محروم شوند. (استفتاءات، س ۳۳).

آیة الله تبریزی: احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبیندد. آیة الله خامنه‌ای: حکم آن در مسأله ۱۵ گذشت.

۲. آیة الله خویی: این مسأله و دو مسأله بعد مبنی بر لزوم احتیاط است و در مسأله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

۳. آیة الله سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است. آیة الله مکارم: می‌توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محروم شوند.

۴. آیة الله بهجت: و در صورت توقف احرام او صحیح است هر چند معصیت کراه است.

۵. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: و چنین است حائض که از حیض پاک شده است. آیة الله بهجت: بنابر احتیاط، در خارج مسجد محروم شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام کند (استفتاءات، س ۲۵).

آیة الله فاضل: حائضی که از حیض پاک شده و نفساء نیز همین حکم را دارد. نظریه سایر آیات عظام در این مسأله از ذیل مسأله ۱۵ و ۱۷ به دست می‌آید.



[۱۹] م- اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفة» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.^۱
 (مناسک محسنی، م ۲۰۵)

دوم - وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلسل» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند^۲ که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند. (مناسک محسنی، م ۲۰۵)

سوم - قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.^۳

۱. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: اگر بواسطه زیادی جمعیت از عبور از مسجد هم عاجز باشد احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.

آیة الله بهجت: اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می‌شود و از جحفة یا محاذی آن تجدید احرام می‌کند بنابر احتیاط. (مناسک، س ۳۴)
 آیة الله خامنه‌ای: زنانی که عذر دارند اگر بخاطر ازدحام و امثال آن نتوانند در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند واجب است که از جحفة یا محاذی آن محرم شوند کما اینکه می‌توانند با نذر شرعی از منزل خود در مدینه احرام بینند.
 آیة الله سیستانی: هر کس می‌تواند در کنار مسجد محرم شود.

آیات عظام صافی، فاضل و گلپایگانی: اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام از جحفة ندارد. و همین طور است حکم زنی که در حال نفاس باشد.

آیة الله مکارم: می‌تواند بیرون مسجد محرم شود.
 نظر سایر آیات از مسأله ۱۵ تا ۱۷ بدست می‌آید.

۲. آیة الله خامنه‌ای: و احرام بستن از همه قسمت‌های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۸)

۳. آیة الله خامنه‌ای: و محرم شدن از قرن المنازل خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر موضع قرن المنازل کافی است.



چهارم - یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.^۱

پنجم - جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند.^۲

[۲۰] م- اگر بیان شرعیه قائم شد یعنی دو شاهد عادل^۳ شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بیان ممکن نشود می‌تواند اکتفا کند به ظن حاصل^۴ از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند. (مناسک محسنی، م ۲۰۶)

[۲۱] م- هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبور ش نیفتد باید از

۱. آیة الله خامنه‌ای: و احرام بستان از همه قسمت‌های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۵)

۲. آیة الله سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هرچند بدون عذر.

۳. آیة الله سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

آیة الله مکارم: رسیدن به میقات با حداقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می‌شود، ولی در زمان ما میقات‌ها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

۴. آیة الله اراکی: احوط و اقوى لزوم تحصیل علم به این اماکن می‌باشد.

آیة الله تبریزی: بر مکلف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام بیندد و یا حجت شرعیه داشته باشد، و افرادی که آنجا زندگی می‌کنند، گفته آنها حجت شرعیه محسوب می‌شود، بلکه شهادت یک نفر ثقه کافی است، اگر بدانیم مستند او سوال از عرف محل است.

آیة الله خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست بلی اگر ثقه خبره از محل خبر بددهد کافی است. (المسائل الشرعیة ج ۱ ص ۳۲۰)

آیة الله سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است.

آیة الله فاضل: تحصیل اطمینان لازم است.



محاذات میقات احرام بینند.^۱ (مناسک محسنی، م ۲۰۷)

[۲۲] م- شخصی که می‌خواهد از محاذی میقات محرم شود اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکان‌ها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود^۲، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۱۱)

[۲۳] م- مراد از محاذات آن است که کسی که می‌رود به طرف مکه به جایی بر سرده که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.^۴ (مناسک محسنی، م ۲۱۳)

۱. آیة الله بهجت: باید از محاذات اولین میقات نزدیک به خود محرم شود. (مناسک، ص ۶۶)

آیة الله خویی: کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر رامتعارف مدینه تامکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان جامیقات خواهد بود و از همان جا احرام می‌بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

آیة الله فاضل: یا از ادنی الحل محرم شوند.

۲. آیة الله مکارم: بنابر احتیاط.

۳. آیة الله بهجت: اگر در طریق او محاذات علمیه یا خلفیه نباشد احوط رفتن به سوی میقات یا محاذات آن است و محتمل است جواز احرام از اول احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیقت به مکه. (مناسک شیخ، ص ۱۰ و ۱۱)

۴. آیة الله سیستانی: اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائم‌های را تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع محل محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.



[۲۴] م-محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکان‌ها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر گمان حاصل شد^۱ ظاهراً کافی است. (مناسک محشی، م ۳۱۴)

[۲۵] م-جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام بینند صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام بینند جایز است^۳، و باید از همانجا محرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر^۴ آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید

۱. آیة الله فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.

۲. آیة الله تبریزی: محاذات با میقات به علم و اطمینان ثابت می شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند اما گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کند، اعتباری ندارد.

آیة الله سیستانی: معیار در تشخیص محاذات در حاشیه مسأله قبل گذشت و باید علم یا اطمینان یا حجت شرعی بر آن قائم شود.

آیة الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است ولی احتیاط آن است که در این محل تجدید احرام کند و در هر دو صورت کفاره استظلال را باید بدهد.

۳. آیة الله سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می‌شود مانند استظلال انعقاد نذر مورد اشکال است.

۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند (مسأله ۳۰۰ آداب و احکام حج).

آیة الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست.



احرام را تجدید کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۲۱۷)

[۲۶] م - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط^۲

واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد. (مناسک محسنی، م ۲۱۸)

[۲۷] م - اگر از میقات بدون احرام^۳ عبور کرد واجب است در صورت

امکان برگردد واز آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب^۴ برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم

۱. آیة الله بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می‌تواند از راهی به مکّه برود که بر میقات نگذرد. (مناسک، مسئله ۱۶۴).

آیة الله خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به تجدید احرام در میقات یا محاذی آن یافت نشد.

۲. آیة الله خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به این احتیاط یافت نشد.

آیة الله سیستانی: و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد مگر با احرام، اگرچه بعيد نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد. (مناسک، مسئله ۱۶۷).

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: بلکه واجب است.

۳. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: و بدون عذر.

آیة الله بهجت: در حال اختیار.

۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی: در صورت امکان باید برگردد.

آیة الله سیستانی: و هرگاه بدون احرام از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنابر اظهرا برایش کافی است که از جحفه احرام بیندد، اگر چه گناهکار است. (مناسک، مسئله ۱۶۷).

آیة الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

شود. (مناسک محسنی، م ۲۱۹)

[۲۸] م - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد^۱ پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات واجب است برگردد و از میقات^۲ احرام بیند، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن^۳ نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده^۴ از همانجا احرام بیند، و احتیاط مستحب^۵ آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا حرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می‌تواند و به اعمال

۱. آیة الله فاضل: چنین کسی می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفردہ محروم شود و اعمال عمره مفردہ را انجام دهد. (عمره مفردہ ص ۱۹).

۲. آیة الله سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هرچند عمدی باشد می‌تواند از جحفة محروم شود، گرچه گناه کرده است.

آیة الله مکارم: می‌تواند از همانجا محروم شود.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند از میقات بعدی محروم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محروم شود.

۴. آیة الله بهجت: در این صورت لازم است تا مقدار ممکن از حرم به طرف میقات دور شود و از همانجا محروم شود و در صورتی که داخل حرم شده است احتیاط واجب این است که هرچه می‌تواند از حرم دور شود و احرام بیند.

۵. آیة الله بهجت، آیة الله گلپایگانی: و هر مقدار که می‌تواند باید بطرف میقات برگردد و از آنجا محروم شود. و اگر نمی‌تواند از جای خود محروم شود. آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محروم شود. آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.



عمره می رسد از حرم خارج شود^۱ و محرم گردد، و اگر نمی تواند بنحوی که گفته شد همانجا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود. (مناسک محشی، م ۲۱۵)

[۲۹] م - کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقيت مثل جحفه^۲ بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اينکه قصد عمره تمنع یا مفرده داشته باشند نیست^۳ و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.^۴ (مناسک محشی، م ۲۲۳)

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود و لاآز ادنی الحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود (آداب و احکام، مسأله ۲۹۳).

آیة الله مکارم: هرچند به تنعیم رود.

۲. آیة الله بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن. (مناسک، مسأله ۱۷۳) ذیل مسأله از «و در این حکم فرقی بین... تا آخر» در مناسک ایشان نیامده است.

آیة الله سیستانی: می تواند از جده با اندر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

۳. آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفايت می کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است. (مناسک عربی، ص ۸۴).

۴. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده است می تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود.

آیة الله سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می خواهد وارد حرم شود همان میقات های معروف است ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می تواند از ادنی الحل محرم شود.



[۳۰] م- کسانی که میقات^۱ برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنمای (بلد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلاں محل میقات است محروم شوند مگر از گفته او اطمینان پیداکنند^۲ و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۲۳)

[۳۱] م- در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.^۴ (مناسک محسنی، م ۲۲۴)

[۳۲] م- میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمنع و عمره مفرده^۵ همان مواقيت معروفة است، و نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل

۱. آیة الله خامنه‌ای: یا محاذات آن.

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: و یا اینکه آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر ظن از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه‌ای که احتمال محاذات با یکی از مواقيت رامی دهد رجاءً محروم شود، و تلبیه بگوید و بعد در هر جاکه احتمال محاذات می‌دهد تجدید نیت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.

نظر سایر آیات در مسأله ۲۱ گذشت.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابع با نذر صحیح است باعتبار اینکه رابع قبل از جحفه است.

۵. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۳۰ گذشت.

آیة الله خامنه‌ای: اگر چه بعيد نیست جواز احرام از جده با نذر برای عمره مفرده ولی احتیاط در احرام از مواقيت است.

آیة الله خویی: اگر حدود سه سال در جده می‌ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکند می‌تواند از جده محروم شود. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۰).

آیة الله سیستانی: می‌توانند از جده با نذر محروم شوند. و کسی که منزلش از میقات به مکه نزدیک‌تر باشد می‌تواند از منزل احرام بیندد.



مُحَرَّم شوند^۱، و اگر از روی جهل^۲ به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود چنانچه در صورت علم و عدم هم حُکْم همین است هرچند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده‌اند عمل آنان صحیح است.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۲۸)

استفتائات میقات

[۳۳] س - کسانی که^۴ به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره مُحَرَّم شوند باید در خارج آن مُحَرَّم شوند و در مُحاذی جُحْفه تجدید احرام نمایند^۵، با توجه به اینکه محاذاي جحفه نقطه مشخصی نیست وظیفه چیست؟ ج - می‌توانند به جُحْفه بروند و در آنجا تجدید احرام کنند^۶ و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حدّ، با بقاء نیت، تلبیه را

→ آیة الله مکارم: برای عمره مفردہ می‌توانند مانند سایرین از حدیبیه که در ۵۰ کیلومتری مکه است محرم شوند.

۱. آیة الله فاضل: احرام از ادنی الحل برای عمره مفردہ صحیح است.
۲. آیة الله خامنه‌ای: صورت جهل به مسأله را متعرض نشده‌اند.
۳. آیة الله بهجت، آیة الله سیستانی: عمل آنان خالی از اشکال نیست و احتیاطاً در صورت امکان عمره را اعاده نمایند و این احتیاط نباید ترک شود.
- آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: صحت عمره محل اشکال است.
۴. آیة الله تبریزی: می‌توانند در ذوالحلیفه محرم شوند و احتیاط واجب این است که از طرف راست یا چپ یا جلوی مسجد قدیم محرم شوند.
۵. آیة الله خویی: احرام در منطقه ذو الحلیفه کافی است (تعليق عروه، ج ۲، ص ۳۴۲).
۶. آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: تجدید احرام لازم نیست.



تکرار کنند کفایت می‌کند. (مناسک محشی، م ۲۳۰) [۳۴] س - در مناسک مرقوم است که زن‌های حائض باید عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی‌توانند، در خارج مُحرم شوند و در مُحاذی جُحْفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و مُحاذی جُحْفه معلوم نیست آیا حضرت عالی اجازه می‌فرماید که این‌گونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج - چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن‌های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می‌توانند در مدینه با نذر برای عمره مُحرم شوند.^۱ و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد. (مناسک محشی، م ۲۳۲)

[۳۵] س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند مُحرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطهٔ حیاط مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور مُحرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله

۱. آیات عظام خوبی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: چون احرام در خارج مسجد شجره جایز است از همان جا مُحرم می‌شوند.

۲. آیات عظام بهجت، خوبی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست.

آیة الله تبریزی: چنان‌که گذشت احرام در خارج مسجد شجره هم جایز است و تجدید تلبیه در جُحْفه لزومی ندارد و لی اگر بخواهند با نذر قبل از میقات مُحرم شوند چنانچه احرام قبل از میقات منافی با حق شوهر نباشد مانع ندارد و إلَّا باید باذن شوهر باشد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر شوهر حضور دارد بنابر احتیاط نذر زن باید با اجازه او باشد.



گرفت و با نذر محرم شد، آیا کفايت می‌کند یا خیر؟

ج - اگر احراراًز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.^۱

(مناسک محشی، م ۲۳۳)

[۳۶] س - زن در حال حیض به خیال اینکه می‌تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام بینند وارد مسجد شد و بلا فاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می‌خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی‌شد عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج - صحیح است.^۲ (مناسک محشی، م ۲۳۴)

[۳۷] س - یک نفر از حجاج به کلی شنوازی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود هرچند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات برسد باید در خارج حرم محرم شود^۳، و اگر نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین^۴، احوط آن است

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: با آنکه می‌تواند از پشت دیوار مسجد هم محرم شود نذر لازم نیست.

به مسأله ۳۴ مراجعه شود.

۲. آیة الله تبریزی: صحّت احرامش محل اشکال است.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: به حاشیه ۲۹ مراجعه شود.

۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: ترجمه‌اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف او به طور صحیح تلبیه را بگوید.



که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.^۱ (مناسک
محشی، ۲۳۳)

[۳۸] س - نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا مُعتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟
ج - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند، و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحل صحیح است^۲ هرچند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد. (مناسک محشی، م ۲۳۶)

[۳۹] س - کسی که عمره مفردہ انجام داده است، آیا می‌تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

۱. آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، مکارم: احوط این است در این صورت نایب هم بگیرد.

آیة الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنابه نیز هست. و نیز اخرس (گنگ ولال) کافی است با اشاره تلبیه بگوید گرچه احوط استنابه نیز هست. (تعليقۀ عروه، ج ۲، ص ۳۶۱ و مناسک، مسئله ۱۷۹ و ۱۸۰).

آیة الله سیستانی: اگر تلقین میسور نبود کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید اگر عرفًا تلبیه صدق کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی آن را و هم ترجمۀ آن را بگوید و هم نایب بگیرد.

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

۲. آیة الله مکارم: ادنی الحل میقات عمره مفردہ است.



ج - احتیاط آن است که به قصد رجاء^۱ برای عمره مفردة دیگر محروم شود و بدون احرام تجاوز نکند. ^۲ (مناسک محسنی، م ۲۴۲)

[۴۰] س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می‌کند، آیا لازم است محرمًا وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد. (مناسک محسنی، م ۲۴۳)

[۴۱] س - زن حائضی که نمی‌توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محروم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - در صورت امکان^۳ باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محروم شود

۱. آیة الله تبریزی: احرام در خارج مسجد شجره صحیح است و نذر لزوم ندارد. اگر در همان ماه که محرم شد مراجعت کند تجدید احرام لازم نیست.

آیة الله خامنه‌ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است، اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماه دیگر باشد، پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنابر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجددًا وارد مکه شود باید احرام بیندد و رعایت این احتیاط در ماههای دیگر هم خوب است. (استفتاء معظم له)

آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره اول را انجام داده است لازم نیست محرم شود اگر عمره اول از جانب خودش باشد و اگر نیابت باشد به احتیاط واجب باید محرم شود.

آیة الله مکارم در صورتی که در همان ماه قمری به مکه برود احرام مجدد لازم نیست. ۲. به مسئله ۲ مراجعه شود.

۳. آیة الله فاضل: تجدید احرام برای او لازم نیست زیرا احرام از خارج مسجد و نزدیک آن صحیح است و باید اعمال دیگر عمره مفرده را نجام دهد. «عمره مفرده ص ۱۸۱».



علی الاحوط^۱، واگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا احرام بیندد.^۲ (مناسک محسنی، م ۲۴۴)

[۴۲] س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد. (مناسک محسنی، م ۲۴۷)

[۴۳] س - هرگاه حائض یا جنب عصیانًا وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و محرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۴۸)

واجبات احرام

[۴۴] م - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱. نیت؛

۲. پوشیدن لباس احرام؛

۳. تلبیه.

۱. آیة الله خامنه‌ای: واجب است. (مناسک حج، م ۸۰)

۲. رجوع شود به س ۳۳.

آیة الله بهجهت: در صورتی که نتواند به میقات برگرد همان احرام کفایت می‌کند. (پرسش‌های جدید حج، س ۲۶).

۳. آیة الله بهجهت: اگر چه در توقف معصیت کرده است. (پرسش‌های جدید حج، س ۲۹).

آیة الله تبریزی: صحّت احرام او محل اشکال است. و باید تلبیه را بهقصد احرام تجدید کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متممی شود احرام صحیح است.

آیة الله مکارم: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

نیت

[۴۵] م- نیت^۱، یعنی انسان در حالی که می خواهد حرم شود به احرام عمره

۱. آیة الله بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امثال فرموده خداوند عالم.

(مناسک شیخ، ص ۱۲)

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: در نیت چند چیز معتبر است:

(۱) قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

(۲) هم‌مان بودن با شروع در احرام.

(۳) تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین حج که تمتع است یا

قران یا افراد، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری، و تعیین این که

حجش حجۃ الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج

نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی است که به سبب فاسد بودن

حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هریک از اینها که باشد

باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین، نیت احرام نمود، احرامش باطل

خواهد بود.

آیة الله خامنه‌ای: اول - نیت، که شرایط و کیفیت آن به شرح ذیل است:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که می خواهد برای عمره تمتع

حرم شود. باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد. (مناسک حج، ۹۵م)

ب) قصد قربة الی الله و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و

حج و همه اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرّب و نزدیکی به

خداوند تبارک و تعالیٰ بهجا آورده شوند.

ج) کسی که می خواهد حرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند

یعنی معین کند که آیا قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا

حج تمتع است یا افراد یا قران، حج را برای خود بهجا می آورد یا به نیابت از

دیگری، حجۃ الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب. (مناسک حج، ۹۷م)

- نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلی کفايت نمی کند مگر آنکه

تا زمان احرام استمرار داشته باشد. (مناسک حج، م ۱۰۰)

مفردہ، نیت کند عمره مفردہ را و لازم نیست^۱ قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود^۲، بلکه کسی که به قصد عمره مفردہ لیک های واجب را گفت، محرم می شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرمات را مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح^۳ است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را. (مناسک محسنی، م ۲۵۱)

[۴۶] م- آنچه ذکر شد که لازم نیست^۴ قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می کند. مثل اکثر محرمات، و اما آنچه

→ آیة الله سیستانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قرآن یا افراد، و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر ننماید و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد، و لزومی ندارد قصد کند حجی که انجام می دهد - مثلاً - حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجی که انجام می دهد حجۃ الاسلام باشد، کفایت می کند که حجۃ الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست. (مناسک، م ۱۷۶).

۱. آیات عظام اراکی، بهجت، صافی، گلپایگانی: لازم است قصد کند ترک کارهایی که بر محرم حرام است.

آیة الله مکارم: نیت احرام این است که قصد می کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

۲. آیة الله خامنه‌ای: لکن باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می کند نداشته باشد.

۳. آیة الله مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

۴. چنانچه گذشت آیات عظام اراکی، بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: قصد ترک جمیع محرمات را لازم می دانند.



عمره را باطل می‌کند مثل نزدیکی بازن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد^۱ ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.^۲ (مناسک محسنی، م ۲۵۲)

[۴۷] م - عمره و حج و اجزاء^۳ آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت^۴ خداوند تعالیٰ به جا آورد. (مناسک محسنی، م ۲۵۳)

تلبیه

[۴۸] م - تلبیه، یعنی لیک گفتن، و صورت آن بنابر اصح آن است که بگوید:

«لَبِيَّكَ اللَّهُمَّ لَبِيَّكَ لَبِيَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبِيَّكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط

۱. آیة الله تبریزی: در صحّت احرام عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام معتبر نیست.

آیة الله خویی: بنابر قول مشهور (نسبت به جماع قبل از سعی در عمره مفردہ، فتوافت).

آیة الله سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفردہ اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند، یا تردید دارد که این کار را بکند یانه، ظاهر این است که احرامش باطل است، و بنابر احتیاط حکم استمناء هم همین است. (مناسک، م ۱۷۸).

۲. آیة الله خامنه‌ای: زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست، بلکه با قصد احرام منافات دارد. (مناسک حج، م ۹۷۳)

۳. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: و همچنین احرام.

۴. آیة الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

مستحب^۱ آن است که پس از آنکه چهار «لیک» را به صورتی که گفته شد گفت
بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْكَ».

و اگر بخواهد احتیاط^۲ بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:
«لَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْكَ لَيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
لَيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْكَ، لَيْكَ داعِيَاً إِلَى دارِ السَّلَامِ لَيْكَ، لَيْكَ غَافِرَ
الذُّنُوبِ لَيْكَ، لَيْكَ أهْلَ الْتَّلِيَّةِ لَيْكَ، لَيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ لَيْكَ، لَيْكَ
تُبْدِئُ وَ تُعَادُ إِلَيْكَ لَيْكَ، لَيْكَ تَسْتَغْنِيُ وَ يُعْتَقَرُ إِلَيْكَ لَيْكَ، لَيْكَ مَرْهُوباً وَ
مَرْغُوباً إِلَيْكَ لَيْكَ، لَيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْكَ، لَيْكَ ذَا النِّعَمِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ
الْجَمِيلِ لَيْكَ، لَيْكَ كَشَافَ الْكُرُبِ الْعِظَامِ لَيْكَ، لَيْكَ عَبْدُكَ وَ أَبْنُ عَبْدِكَ
لَيْكَ، لَيْكَ يَا كَرِيمُ لَيْكَ». (مناسک محسنی، م ۲۵۹)

[۴۹] م - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لیک را که گذشت، همان
طور که صحیح گفتن تکیرةالاحرام در نماز واجب است. (مناسک محسنی، م ۲۶۰)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله بهجت: احتیاط واجب این است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: صورت تلبیه واجب که بوسیله آن احرام واقع
می شود این است: «لَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْكَ لَيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْكَ» احتیاط در این است
این جمله اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

آیة الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزء این احتیاط استحبابی نیست.

آیة الله مکارم: احتیاط واجب است که بگوید: اما لتبیک پنجم را نگوید.

۲. آیة الله بهجت: وجوب کسر همزه آن متوجه است. (مناسک، ص ۷۴).

۳. آیة الله سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان نیست.



[۵۰] م - اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام بیندد دنبال او به طور صحیح بگوید. (مناسک محسنی، م ۲۶۱)

[۵۱] م - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط^۱ آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید، و ترجمه‌اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب^۲ هم بگیرد. (مناسک محسنی، م ۲۶۲)

۱. آیة الله فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب هم بگیرد.

آیة الله نوری: باید به هر نحو که می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را هم بگوید و ترجمه‌اش این است: «دعوت تو را اجابت می‌کنم، اجابت پی در پی پروردگارا اجابت می‌کنم اجابت پی در پی اجابت می‌کنم، اجابت پی در پی، شریکی برای تو نیست اجابت می‌کنم اجابت پی در پی.

۲. آیات عظام ارakkی، بهجهت، تبریزی، مکارم: احوط این است نایب هم بگیرد. آیة الله خامنه‌ای: باید به هر نحو که می‌تواند بگوید و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد. آیة الله خویی: فتوای ایشان در مسأله ۳۸ گذشت.

آیة الله سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفًا صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی و هم ترجمة آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف او به طور صحیح بخواند. (مناسک فارسی، ص ۲۹). آیة الله نوری: نایب گرفتن لازم نیست.



[۵۲] م - اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت^۱، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام بیند و لبیک بگوید و اما اگر نتواند برگردد همانجا^۲ بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و احرام بیند و لبیک بگوید، و اگر ممکن نیست همانجا محرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد بعد نیست صحت عمل.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۶۳)

[۵۳] م - اگر کسی لبیک واجب رانگفت چه بواسطه عذری و چه بدون عذر چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند. (مناسک محسنی، م ۲۶۴)

۱. آیة الله فاضل: در عمره مفردہ می‌تواند در میقات بعدی یا ادنی الحل به نیت عمره مفردہ به طور صحیح تلبیه بگوید و محرم شود.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: احرام بیند و لبیک بگوید.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

۳. آیة الله بهجهت: محل تأمل است.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست. به مسئله ۲۸ نیز مراجعه شود.

آیة الله سیستانی: اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

آیة الله فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است ولی اگر بعد از عمره تمتع یا عمره مفردہ یادش آمد عمره باطل است.

آیة الله مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش باید عمل او صحیح است.

[۵۴] م - جایز نیست^۱ لیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۲۸ ذکر شد، عمل کند. (مناسک محسنی، م ۲۶۶)

[۵۵] م - واجب در لیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هرچه می‌تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است^۲ بگوید «لیک اللهم لیک» یا تکرار کند «لیک» را فقط. (مناسک محسنی، م ۲۶۷)

پوشیدن لباس احرام

[۵۶] م - پوشیدن دو جامه احرام برای مردان^۳ که یکی «لنگ» است و

۱. آیة الله اراکی بنابر احتیاط جایز نیست.

آیة الله خویی: کسی که می‌خواهد از راه مدینه به حج برود بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

۲. آیة الله مکارم: به قصد رجاء.

۳. آیة الله صافی: احتیاط مستحب آنست که زن‌ها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیة الله فاضل: دو جامه‌ای که باید محرم بپوشد، مخصوص به مرد است. ولی زن احتیاط مستحب آن است که در حال نیت و تلبیه فقط دو لباس احرام را بپوشد.

آیة الله کلپایکانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشند اگرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را دربرداشته باشند. (مناسک فارسی ص ۲۸)



دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب^۱ آن است که^۲ این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن پوشید و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط^۳ آن است که لبیک را دوباره بگویید. (مناسک محسنی، م ۲۶۹)

[۵۷] م - لازم نیست^۴ که لنگ، ناف و زانو را پوشاند، و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را پوشاند. (مناسک محسنی، م ۲۷۰)

[۵۸] م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی^۵ پوشید مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را پوشند.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: لباسهای دوخته را بکند، و این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن و بعد از کندن جامه دوخته بپوشد.

۳. آیة الله خامنه‌ای، آیة الله فاضل: احتیاط مستحب است.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است. (مناسک، م ۱۸۹).

۴. آیات عظام اراکی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب لازم است.

آیة الله بهجت: إزار از ناف تا زانو را باید بپوشاند (ولی استحباب پوشاندن ناف و زانو را متعرض نشده‌اند). (مناسک، م ۱۸۹).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

۵. آیة الله بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه احرام که یکی از آنها ستر کند مابین ناف و زانوا را که آن را ازار گویند و دیگری که ردا باشد که بپوشاند دو شانه را به نحوی که ردا و تردی به آن صادق باشد. (مناسک شیخ، ص ۱۴)

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.



کیفیتی که می‌خواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد، و احتیاط مستحب^۱ آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند.^۲ (مناسک محسنی، م ۲۷۱)

[۵۹] م - احتیاط واجب^۳ آن است که در حال اختیار اکتفا نکند^۴ به یک جامه بلند که مقداری از آن را النگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند. (مناسک محسنی، م ۲۷۲)

[۶۰] م - در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند^۵ و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دو خته هم نیت و قصد اطاعت کند. (مناسک محسنی، م ۲۷۳)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.
آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: باید رداء بقدرتی باشد که شانه‌ها را بپوشاند.

آیة الله خامنه‌ای: اگر به کیفیت متعارف باشد کفایت می‌کند.
آیة الله سیستانی: احتیاط واجب این است که رداء به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجهی از کمر را بپوشاند. (مناسک، م ۱۸۹).

۲. آیة الله فاضل: احتیاط واجب آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند بلکه علاوه بر آن قسمتی را بپوشاند بگونه‌ای که صدق رداء کند. «عمره مفردہ ص ۲۷».

۳. آیة الله بهجت، آیة الله خامنه‌ای: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است.
(مناسک، م ۱۸۸).

۴. آیة الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.
آیة الله بهجت: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است.

آیة الله سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.
آیة الله نوری: جامه احرام را با نیت بپوشد، به این معنا که قصد اطاعت امر الهی کند.



[۶۱] م - شرط است^۱ در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول^۲ و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد. (مناسک محسنی، م ۲۷۴)

[۶۲] م - لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب^۳ آن است که رداء هم بدن نما نباشد.^۴ (مناسک محسنی، م ۲۷۵)

[۶۳] م - احتیاط واجب^۵ آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد. (مناسک محسنی، م ۲۷۶)

[۶۴] م - دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محروم پوشید مخصوص به مرد

۱. آیة الله بهجت: بنابر احتیاط موانع نماز خواندن در لباس. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

۲. آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان.

۳. آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، خوبی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیة الله سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمی از إزار بدن نما نباشد، ولی این شرط در رداء معتبر نیست. (مناسک، مسئله ۱۹۳).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: معظم له در مناسک فارسی احتیاط وجوبی و در مناسک عربی فتوا می‌دهند به اینکه بدن نما نباشد.

۴. آیة الله خامنه‌ای: بدن نما بودن رداء مانع ندارد. مشروط بر اینکه رداء بر آن صدق کند.

۵. آیة الله بهجت: اما زنان بنابر اقوی جایز است در جامه حریر احرام بینندن، گرچه احتیاط در ترک آن است. (مناسک، مسئله ۱۹۶).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خوبی، صافی، گلپایگانی، نوری: باید از حریر خالص نباشد.



است^۱، ولی زن می تواند در لباس خودش به هر نحو هست محروم شود چه دو خته باشد یا نباشد^۲ ولی حریر محض نباشد^۳ چنانچه گذشت.

[۶۵] م - احتیاط واجب^۴ آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط^۵ مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود. (مناسک محشی، م ۲۷۸)

[۶۶] م - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.^۶ (مناسک محشی، م ۲۷۹)

۱. نظر آیات عظام صافی، فاضل و گلپایگانی در سوم از واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

۲. آیة الله مکارم: و به هر رنگ باشد.

۳. آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: زنان می توانند در لباس های عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام بینندند.

۴. آیة الله سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر. آیة الله صافی: احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند. (مناسک فارسی، ص ۴۴، م ۳۵)

آیة الله گلپایگانی: از مناسک فارسی ص ۲۷، مسئله ۳۵ - مطابق متن احتیاط وجوی استفاده می شود ولکن در مناسک عربی ص ۷۷ - احتیاط استحبایی فرموده اند.

آیة الله مکارم: این حکم واجب نیست.

۵. آیة الله بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محروم بودن واجب نیست بنابر اظہر (مناسک، مسئله ۱۹۷).

آیة الله سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست. آیة الله فاضل: احتیاط استحبایی است.

۶. آیة الله فاضل: و احرام او هم باطل نمی شود.

- [۶۷] م- احتیاط آن است که^۱ جامه احرام از پوست^۲ نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۲۸۰)
- [۶۸] م- لازم نیست^۳ که جامه احرام منسوج^۴ و بافتی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود^۵ مانع ندارد. (مناسک محشی، م ۲۸۱)
- [۶۹] م- افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است پوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است. (مناسک محشی، م ۲۸۲)
- [۷۰] م- اگر محرم اضطرار پیداکند پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: بنابر احتیاط، بافتی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.
- آیة الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.
۲. آیة الله بھجت: اقوی جواز احرام است. در لباس‌هایی که می‌تواند در نماز بپوشد هرچند پوست یا غیر بافتی باشد. (مناسک، مسئله ۱۹۴)
- آیة الله خامنه‌ای: چنانچه جامه احرام از پوست یاناپلیون و مانند آن باشد اگر عرفًا به آن جامه گفته می‌شود و متعارف است مانع ندارد.
- آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد. (مناسک، مسئله ۱۹۴)
۳. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط لازم است منسوج باشد و نمد کافی نیست. آیة الله مکارم: احتیاط در آن ترک نشود.
۴. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احوط در دو جامه احرام این است که بافتی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.
- آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: به احتیاط واجب جامه احرام بافتی باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد. (مناسک فارسی، ص ۲۸، مسئله ۳۷).
۵. آیة الله خامنه‌ای: و پوشیدن آن متعارف باشد.



غیر آن^۱ می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و بدوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط^۲ آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر بپوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۷۳)

[۷۱] م - لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند بلکه جایز است برای حاجت^۴ هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود. (مناسک محسنی، م ۲۸۴)

[۷۲] م - شخص محروم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.^۵ (مناسک محسنی، م ۲۸۵)
[۷۳] م - اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محروم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر

۱. آیة الله فاضل: مثل نیافتن رداء و ازار.
۲. آیة الله سیستانی: واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد اما بالا و پایین کردن آن در مناسک ایشان نیامده است.
- آیة الله فاضل: احتیاط استحبابی است؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.
۳. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: و بنابر احتیاط کفاره هم بدهد.
آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: ولی باید برای آن کفاره بدهد.
آیة الله مکارم: یعنی به طور معمولی بپوشد.
۴. آیة الله بهجت: و برداشتن رداء از روی دوش برای ضرورت یا غیر آن عیبی ندارد. (مناسک، مسأله ۱۹۸)
- آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: و غیر حاجت.
۵. آیة الله فاضل: لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

نمی‌رساند^۱ و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است. (مناسک محسنی، م ۲۸۶)

[۷۴] م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد^۲ ولی احتیاط واجب^۳ آن است

۱. آیة الله اراکی: و اگر در حال عقد احرام، لباس دوخته را عمدًا بیرون نیاورد، احرام او اشکال دارد و اگر از روی عذر باشد معصیت نکرده.

آیة الله خامنه‌ای: اگر در حین احرام از روی علم و عمد لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد صحت احرامش خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن نیت و تلبیه را تکرار کند. (مناسک حج، م ۱۱۸)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود تا قطع به صحت احرام نماید. (مجموع المسائل ۴۵۸/۱ مسئله ۶).

آیة الله مکارم: در صورت عدم خالی از اشکال نیست.

۲. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط واجب اشکال دارد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خوبیش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام، و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

۳. آیة الله خامنه‌ای: گره زدن لنگ به گردن جایز نیست، ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعض آن به بعض مانع ندارد مدامی که از صدق عنوان ازار خارج نشود و همچنین در رداء گره زدن آن با گیره یا گذاشتن سترگریزه در دو طرف آن بستن آن با ناخ به نحو متعارف تازمانی که عنوان رداء بر آن صدق کند جایز است. (مناسک حج، م ۱۱۱)



که آن را که لنگ قرار داده بگردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و بانخ بستن نیز جایز^۱ است. (مناسک محشی، م ۲۸۷)

[۷۵] م - شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفسماء مستحب است. (مناسک محشی، م ۲۸۸)

استفتائات احرام

[۷۶] س - کسی در وقت احرام این طور قصد می‌کند: محرم می‌شوم، یا احرام می‌بندم، برای عمره تمنع یا غیر آن، با توجه به این مسئله که فرموده‌اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟
ج - به احرام ضرر نمی‌زند هرچند قصد احرام لازم نیست^۲، و احرام امر قصده نیست^۳، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم

۱. آیة الله اراکی: جایز نیست بنابر احتیاط.

آیة الله گلپایگانی: اگر بدون گره باشد مانع ندارد، بشرط آنکه دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گربیان شود.

۲. آیات عظام اراکی، بهجهت، گلپایگانی و مکارم: لازم است. و تفصیل این مسئله در ذیل بحث نیت در واجبات احرام گذشت.

آیة الله تبریزی و آیة الله خویی: همین که به قصد عمره و یا حج تمنع تلبیه واجب را گفت، محرم می‌شود و قصد احرام، همین است.

۳. آیة الله نوری: قصد احرام به این استکه قصد احرام حج یا عمره کند و لازم است که احرام را به این قصد انجام دهد.



می شود هرچند قصد احرام نکند. (مناسک محسنی، م ۲۹۱)

[۷۷] س - مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشد اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد. (مناسک محسنی، م ۲۹۳)

[۷۸] س - آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج - آخرس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد^۲، و نایب گرفتن کافی نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۲۹۴)

۱. آیة الله مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نایب هم بگیرد رجاء که از طرف او بهطور صحیح بگوید.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد. آیة الله بهجت: شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد، و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که بهجای او تلبیه بگوید. (مناسک، مسئله ۱۸۰).

آیة الله خامنه‌ای: احوط آنست که نائب هم بگیرد.

آیة الله سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می داند، به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطرار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کرمادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.



[۷۹] س - ترجمة تلبیه (لیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک) چیست؟
ج - ترجمة جملة مذکور چنین است:^۱ اجابت می کنم دعوت تو را خدایا
اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر
تو را، اجابت می کنم دعوت تو را و اگر کلمة دعوت را هم نگوید کفايت
می کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید. (مناسک محسنی، م ۲۹۸)

[۸۰] س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می کند و خودش فراموش
کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟
ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محروم نشده است و باید در
صورت امکان به میقات برگرد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و
مجدداً محروم شود.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۰۰)

[۸۱] س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟
ج - مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانع ندارد.

[۸۲] س - زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل
مسجد الحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفردة مستحبی مُحرم شود و اگر
خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، وهمچنین مریض اگر احتمال می دهد
نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه
نماید. (مناسک محسنی، م ۱۹۳)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: باکمال میل و شوق اجابت می کنم دعوت تو را خدایا
باکمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم دعوت تو را باکمال میل و شوق،
شریکی نیست مر تو را، باکمال میل و شوق اجابت می کنم، اجابت می کنم تو را.
۲. تفصیل این مسأله ذیل مسأله ۲۹ گذشت.



مستحبات احرام

[۸۳] م - مستحبات احرام چند چیز است^۱ :

۱. آنکه قبلًا بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.
۲. کسی که قصد انجام عمره مفرده را دارد پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.^۲
۳. آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید^۳ و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است^۴ و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر

۱. آیة الله سیستانی: پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که در اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعدة تسامح است پس باید رعایت آنها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیة الله مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به قصد رجایه جا می‌آورد.

۲. آیة الله مکارم: بعضی از فقهاء به وجوب آن قایل شده‌اند و این قول اگر چه ضعیف است ولی احوط است.

۳. آیة الله خامنه‌ای: مستحب است که پیش از محرم شدن در میقات یا پیش از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و گفته شده که احوط آن است که این غسل را ترک نکند. (مناسک حج، م ۱۲۳)

۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد رجاءً بدل از غسل تیمّم نماید. (ص ۴۱۰ آداب).



بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.^۱

۴. آنکه دو جامه احرام از پنجه باشد.^۲

۵. آنکه احرام را به ترتیب ذیل بینند در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر^۳، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

۶. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوْارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوْدِي فِيهِ فَرْضِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهِي فِيهِ إِلٰى مَا أَمْرَنِي، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغْنِي وَ أَرْدَتُهُ فَأَعْانَنِي وَ قَبِلَنِي وَ لَمْ يُقْطَعْ بِي وَ وَجْهُهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي

۱. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط.

آیة الله بهجت: در انتقاد غسل سابق به غیر نوم تأمل است و اظهار در نوم، عدم انتقاد است و آنکه اعاده شبیه به مستحب است. (مناسک شیخ، ص ۶)

۲. آیة الله خامنه‌ای: در مناسک معظم له یافت نشد.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام بلکه نیت‌کندن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

۳. آیات عظام اراکی، بهجت، فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود.

آیة الله خامنه‌ای: مستحب است که بعد از نماز ظهر یا بعد از نماز واجب دیگر و یا بعد از دورکعت نماز مستحبی محرم شود و در برخی احادیث آمده است که پیش از احرام شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد. (مناسک حج،

وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَادِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَائِي وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي
وَ رَحَائِي».

۷. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف) وقت برخاستن از خواب.

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج) وقت رسیدن به سواره.

د) هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و) آخر شب.^۱

ز) اوقات سحر.

زن حائض و نفساء^۲ نیز این تلبیه‌ها را بگویند. (مناسک محسنی، م ۳۰۲)

مکروهات احرام

[۸۴] م - مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه^۳، و أفضل احرام در جامه سفید است.

۲. خوابیدن محرم بر رخت^۴ و بالش زرد رنگ.

۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن

۱. آیة الله بهجت: آخر شب در مناسک ایشان نیامده است.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: ... و جنب.

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: بلکه احتیاط مستحب ترک آن است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بلکه اوی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده

است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثناء شده است.

۴. آیة الله بهجت: بر بالش سیاه رنگ.



است که مکلف مدامی که در حال احرام است آن را نشوید.^۱

^۲. احرام بستن در جامه راه راه.

۳. استعمال حنا^۳ پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۴. حمام رفتن^۴ و اولی آن است که محرم بدن خود را باکیسه و مثل آن نساید.

۵. لیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صداناً ماید.^۵ (مناسک محسنی، م ۳۰۳)

مُحَرّمات احرام

اول - شکار صحراوی که وحشی باشد^۶، مگر در صورتی که ترس داشته

۱. آیة الله مکارم: ولی می تواند آنها را تبدیل به احرامی تمییز کند.

۲. آیة الله بهجت: این مورد در مناسک ایشان نیامده است.

آیة الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

۳. آیة الله بهجت: اظہر جواز استعمال آن است قبل از احرام هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام. (مناسک شیخ، ص ۸)

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیة الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست.

۴. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را باکیسه و مثل آن نساید.

آیة الله خامنه‌ای: رفتن به حمام و شستن بدن باکیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است. (مناسک حج، م ۱۲۵)

آیة الله مکارم: کراحت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را باکیسه و مثل آن نمالد.

۵. آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: بلکه احتیاط مستحب ترك آن است.

۶. آیة الله سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد هر چند بالعرض اهلی شده ←



باشد از آزار آن.^۱

[۸۵] م- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۰۷)

[۸۶] م- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد. (مناسک محسنی، م ۳۰۸)

[۸۷] م- پرنده‌گان، جزء شکار صحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.^۳ (مناسک محسنی، م ۳۰۹)

[۸۸] م- احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته^۴ باشد. (مناسک محسنی، م ۳۱۰)

در شکار، احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان

→ باشد و فرق نمی‌کند که حلال گوشت باشد یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هرگونه ایداء آن حرام است.

۱. آیة الله خامنه‌ای: به جهت عدم ابتلاء صید، معظم له متعرض آن نشده‌اند.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیة الله بهجت: متذکر این معناکه ملاک حیوان دریایی چیست نشده‌اند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیة الله فاضل: و یا زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

آیة الله مکارم: و زندگی در دریا کند بنابر احتیاط واجب.

۳. آیة الله بهجت: حکم شکار پرنده‌گان را متعرض نشده‌اند ولی الحاق ملخ را فرموده‌اند. (مناسک، مسائله ۲۰۱)

۴. آیة الله بهجت، آیة الله تبریزی: متعرض حکم کشتن زنبور نشده‌اند و آیة الله خویی، در کفارات، کفاره کشتن زنبور را ذکر کرده‌اند.



آنها خودداری شد.^۱

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن^۲، و نگاه^۳ به شهوت، بلکه، هر نحو لذت و تمتعی بردن.^۴

[۸۹] م - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر^۵ است،

۱. آیة الله سیستانی: کشتن همه حیوانات حرام است به جز ۱ - حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند ۲ - مرغی که پرواز نمی کند مانند مرغ خانگی ۳ - حیوانی که از آن بر خود می ترسد یا قصد زدن یا گزیدن انسان را دارد ۴ - پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند ۵ - مار و عقرب و موش. و همچنین تیراندازی و سنگ زدن به کلاغ و لاشخور جایز است.

۲. آیة الله سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت. آیة الله فاضل: مرد با زوجة خودش.

۳. آیة الله سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

۴. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: از زن.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: محروم می تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه از عیال خود لذت برد بنابر اظهر (مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او) گرچه احوط ترک استمتع است مطلقاً. (مناسک، ۲۳۱، م).

آیة الله سیستانی: محروم می تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد. ولی احتیاط مستحب ترک استمتع است مطلقاً.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند.

آیة الله فاضل: مرد نسبت به زوجة خودش.

آیة الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانع ندارد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

۵. آیة الله بهجت: اگر او را از روی شهوت ببوسد بنابر احتیاط یک شتر کفاره بدهد ←

و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند^۱ است. و احتیاط مستحب

→ چه منی خارج شود و چه نشود. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیة الله تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بددهد و اگر منی خارج نشود و یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بددهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیة الله خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بددهد و اگر منی از او خارج نشود بنابر احتیاط یک شتر باید بددهد. (مناسک، م ۲۲۶).

آیة الله سیستانی: اگر مرد محروم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بددهد ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد. و اگر مردی که محروم نیست همسر محروم خود را ببوسد به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بددهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیة الله فاضل: و اگر منی خارج نشود کفاره آن یک گوسفند است و بوسیدن بدون شهوت کناره ندارد چون حرام نیست و زن هم در این مسأله حکم مرد را دارد.

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۱. آیات عظام اراکی، صافی، نوری: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بددهد.

آیة الله خامنه‌ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد یک شتر است و اگر بدون شهوت باشد یک گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد. (استفتاء دستخط معظم له، ش ۴۴)

آیة الله سیستانی: در این صورت بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بددهد. (مناسک، مسأله ۲۲۶).

آیة الله فاضل: از جهت احرام حرمتی ندارد اگر چه در بعضی از صور حرمت ذاتی وجود دارد ولی در هیچ یک از صور مذکور کفاره ثابت نیست.

آیة الله گلپایگانی: در این صورت خالی از قوت نیست که یک شتر کفاره بددهد.

آیة الله مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند. و اگر ببوسد یک گوسفند کفاره بددهد.

آن^۱ است که یک شتر کفاره بدهد. (مناسک محسنی، م ۳۱۹)

[۹۰] م - اگر عمدانگاه کند بغیر زن خود و انزالش شود احوط^۲ آن است که اگر می تواند یک شتر کفاره بدهد، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک محسنی، م ۳۲۰)

[۹۱] م - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود بنابر مشهور^۳ کفاره آن یک شتر است، ولی اگر از روی شهوت نباشد^۴

۱. آیة الله بهجت: متعرض استحباب کفاره شتر نشده‌اند.

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفاره‌اش یک شتر است در صورت دارای بدن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند اگر فقیر باشد.

آیة الله سیستانی: اگر محرم به غیر همسر خود نگاه حرام کند اگر منی خارج نشود کفاره ندارد و اگر خارج شود کفاره واجب است و احتیاط واجب آن است که اگر وضع مالی او خوب است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو کفاره بدهد و نسبت به فقیر یک گوسفند کافی است.

آیة الله فاضل: اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد. و در صورت عدم انزال مرتکب معصیت شده است ولی کفاره ندارد.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: باید یک شتر کفاره بدهد.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و اما اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به اونگاه کرد و منی بیرون آمد، کفاره واجب نیست. (مناسک، م ۲۲۹).

آیة الله فاضل: بنابر اقوی یک شتر کفاره بدهد.

۴. آیة الله بهجت: ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون باید کفاره ندارد. (مناسک، مسئله ۲۲۹).

آیة الله تبریزی: و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود....

آیة الله خامنه‌ای: نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر اگر از روی شهوت و التذاد نباشد جایز است. (مناسک حج، م ۲۲۶)



کفاره ندارد. (مناسک محسنی، م ۳۲۱)

[۹۲] م- اگر کسی با زن دست^۱ بازی کند بشهوت و انزالش نشود یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزالش شود احتیاط^۲ آن است که یک شتر کفاره بدهد اگرچه کفاایت گوسفند، خالی از قوت نیست. (مناسک محسنی، م ۳۲۲)

[۹۳] م- هریک از این امور^۳ که موجب کفاره است اگر با جهل به مسئله یا از

۱. آیة الله بهجت: اگر با شهوت همسر خود را لمس نماید یک گوسفند باید بدهد و اگر با او ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره بدهد و احوط قضای حج است. در موردي که این عدد با انزال و امثال آن به نحو حرام بر غیر محرم صورت بگیرد مثل این که با اجنبيه باشد و در ملاعبه بدون انزال یک گوسفند است. آیة الله تبريزی، آیة الله خویی: اگر محرم زن خود را با شهوت لمس کند باید یک گوسفند کفاره دهد و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود لازم است یک شتر کفاره دهد. آیة الله سیستانی: اگر زن خود را با شهوت لمس نماید یا بلند کند یا در آغوش بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد، چه انزال شود و چه نشود و اگر بدون شهوت باشد کفاره ندارد. و اگر با زن خود ملاعبه نماید و انزال شود باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند، یک گوسفند بدهد. (مناسک، مسئله ۲۲۸ و ۲۲۹).

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: این فرع در مناسک ذکر نشده.

۲. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

آیة الله خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به امناء در حال احرام یک شتر است.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: واجب است یک شتر کفاره بدهد (آداب و احکام حج، مسئله ۳۹۱).

آیة الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۳. اموری که در دوّمین عمل حرام از محرمات احرام که بعد از مسئله ۸۹ آمده است و مراد تمام محرمات احرام نمی‌باشد.

آیة الله تبريزی، آیة الله خویی: اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر از روی جهل به حکم با عیال خود نزدیکی کند باید کفاره بدهد.

آیة الله فاضل: «غیر از صید».



روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست. (مناسک محسنی، م ۳۲۳)

[۹۴] م - اگر مردی بازن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند برقن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد^۱، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهنده گذشت. (مناسک محسنی، م ۳۲۴)

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نسبته باشد و محل باشد. (مناسک محسنی، م ۳۲۵)

[۹۵] م - جایز نیست^۲ شخص محرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد. (مناسک محسنی، م ۳۲۵)

[۹۶] م - اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط^۳ در ترک است. (مناسک محسنی، م ۳۲۷)

[۹۷] م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد. (مناسک محسنی، م ۳۲۸)

۱. آیة الله سیستانی: اگر مرد زنش را مجبور به جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.

۲. آیات عظام اراکی، مکارم، نوری: احتیاط واجب.

آیة الله بهجهت: حاضر شدن در مجلس عقد و گواهی دادن بر آن بر محرم حرام است. (مناسک، مسئله ۲۳۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد بنابر قول مشهور بر محرم حرام است، و این قول موافق احتیاط است.

۳. آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.

[۹۸] م- اگر زنی رادر حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی^۱ می شود. (مناسک محسنی، م ۳۲۹)

[۹۹] م- ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد. (مناسک محسنی، م ۳۳۱)

چهارم - استمناء.

[۱۰۰] م- استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر بهر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است^۲، و احتیاط واجب آن است که در جایی

۱. آیة الله بهجت: اقوی حرمت ابدیه است. (مناسک، مسأله ۲۳۳).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: متعرّض حرمت ابدیه نشده‌اند و فرموده‌اند که عقد او باطل است.

۲. آیة الله بهجت: وبدان که انزال منی بالاستمناء، بعضی او رامفسد حج دانسته‌اند مثل جماع کردن و این قول احوط است و در استمناء به مثل عبث با آلت خود و مانند آن از محروم بر غیر محروم پس ترک نشود احتیاط به قضاء حج. (مناسک، م ۲۳۲).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر محروم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گذشت. و اگر بدون بازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می شود و بنابر اظهار حج و عمره‌اش فاسد نخواهد شد. هر چند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیة الله خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدده قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به حکم می باشد و اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره بهجا آورد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم این گونه عمل کند.

آیة الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی چه با دست و غیر آن مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفردہ به ←



که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد^۱ به نحوی که در جماع گفته شد. (مناسک محسنی، م ۳۳۴)

پنجم - استعمال عطریات، از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق^۲ عطر هر قسم که باشد.

→ احتیاط واجب و استمناء بوسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاعبه و نگاه حکم‌ش در مسائل قبل گذشت. و استمناء بوسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا بوسیله تصویرات او در خیال و مانند آن بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست. (مناسک، مسأله ۲۳۲)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

۱. آیة الله فاضل: ظاهر استمناء موجب بطلان نمی‌شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت و ظاهرًا زن نیز همین حکم را دارد. (مناسک محسنی، چاپ ۸۴، م ۱۷۱)

۲. آیة الله بهجت: حرمت در غیر طیب مسلم الحرمہ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس معلوم نیست، بلکه حواز آن شماً و استحالاً خالی از وجه نیست اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است. (مناسک محسنی، چاپ ۸۴، ص ۱۷۱)

آیة الله تبریزی: این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیة الله خامنه‌ای: و نیز استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۶۸۲)

آیة الله خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.

آیة الله سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبوکردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می‌شود چه استعمال به بوبیدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب شود.



[۱۰۱] م- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد اگرچه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد.^۱ (مناسک محسنی، م ۳۳۵)

[۱۰۲] م- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جایز نیست. (مناسک محسنی، م ۳۳۶)

[۱۰۳] م- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطرار پیدا کند باید^۲ دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.^۳ (مناسک محسنی، م ۳۳۷)

[۱۰۴] م- از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می دهد باید^۴ اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرایی است، مثل «بومادران» و

۱. آیة الله مکارم: یا پراکندن در فضا بوسیله اسپری و مانند آن.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خوبی: بنابر احتیاط لازم.

۳. آیة الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد.

۴. آیات عظام اراکی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گل‌ها اجتناب کند.

آیة الله تبریزی: چنان‌که گذشت حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و ورس و مشک، مبنی بر احتیاط مستحب است.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب باید محروم از بوییدن هر چند معطر اجتناب کند هر چند به آن عطر اطلاق نشود مانند گل‌ها و سبزیجات و میوه‌های خوشبو. (مناسک حج، م ۸۶۹)

نظر آیة الله خوبی، آیة الله بهجت این است: که باید بنابر احتیاط لازم از هر بوی خوشی اجتناب کند. ولی آیة الله بهجت موارد استثناء را ذکر نکرده‌اند.

آیة الله سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می‌شود چه از آن عطر گرفته شود چه نشود.



«درمنه» و «خزامی» که می‌گویند از خوشبوترین گل‌ها است. (مناسک محسنی،

(۳۳۸ م

[۱۰۵] م - احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است.^۱

[۱۰۶] م - از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به احتیاط^۲ آن است که بوییدن را ترک کند.

(مناسک محسنی، م (۳۴۰

[۱۰۷] م - اقوی^۳ حرمت گرفتن دماغ است از بُوی بُد، لکن فرار کردن از بُوی بد به تند رفتن عیب ندارد. (مناسک محسنی، م (۳۴۱

[۱۰۸] م - خرید و فروش عطیریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند. (مناسک محسنی، م (۳۴۲

۱. نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

آیة الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود. (مناسک محسنی، م (۳۳۹

۲. آیة الله بهجت: معرض این احتیاط نشده است.

آیة الله تبریزی، آیة الله فاضل: اولی این است که از بوییدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آنها اجتناب کند.

آیة الله خویی، آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط از بوییدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیة الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: نهایت احتیاط در آن....

۳. آیة الله بهجت: بنابر احوط بلکه اقوی. (مناسک، مسأله (۲۴۱).

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط واجب. (مناسک، مسأله (۲۴۱).

آیة الله فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

- [۱۰۹] م - کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب.^۱ (مناسک محشی، م ۳۴۳)
- [۱۱۰] م - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می‌کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست^۲ احتیاط^۳ آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است. (مناسک محشی، م ۳۴۴)

۱. آیات عظام ارakkی، بهجهت، صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورت عمد.... آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: کفاره‌اش بنابر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هرچند احوط کفاره دادن است.

آیة الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که برای استفاده عمدی از عطریات و بوی خوش چه آنهایی که در خوراک از آن استفاده می‌شود مانند زعفران و چه غیر آنها یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، دستنویس، م ۱۰۷)

آیة الله سیستانی: هرگاه محرم عمدًاً مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد، و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد در استفاده از بوی خوش کفاره واجب نیست، هرچند احوط کفاره دادن است. (مناسک، مسئله ۲۴۰).

آیة الله فاضل: در صورت علم و عمد.

۲. آیة الله فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می‌شود.

۳. آیات عظام بهجهت، تبریزی، خویی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

آیة الله سیستانی: نسبت به آنچه فعلًاً کعبه را با آن خوشبو می‌کنند و حکم بوبیدن آن چیزی در مناسک ایشان مذکور نیست.



[۱۱۱] م- اگر بُوی خوش را مکرر^۱ استعمال کردد وقت^۲ واحد بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدد استعمال کرد احتیاط^۳ ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد.^۴ (مناسک محسنی، م ۳۴۵)

ششم - پوشیدن چیز دوخته^۵ مثل پیراهن وزیر جامه و قبا و امثال آنها.

۱. آیة الله بهجت: با تحلل تکفیر کفاره دارد و بدون احتیاط است.

آیة الله تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجویی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدد کفاره است.

آیة الله خامنه‌ای: تکرار استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفان را یکبار استعمال کردن بدانند کفاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد گرچه وجوب کفاره به جهت استعمال طیب معلوم نیست.

آیة الله گلپایگانی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود. (مناسک عربی، ص ۹۸).

۲. آیة الله اراکی: یا مجلس واحد، بنابر احتیاط کفاره را تکرار کند.

۳. آیة الله فاضل: بنابر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

۴. آیة الله خویی: م تعرض این مسأله نشده‌اند.

آیة الله سیستانی: کفاره با تعدد لبس یا خوردن طیب مکرر می‌شود چه در بین آن کفاره داده باشد یا نداده باشد.

۵. آیة الله خویی: پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیرشلواری و جامه دکمه‌دار باستن دکمه آن و درع (زره) و هرجامه‌ای که آستین دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است. (مناسک، مسأله ۲۴۲).

آیة الله سیستانی: برای محروم جایز نیست که جامه دکمه‌دار یا آنچه فایدۀ دکمه را داشته باشد پوشید در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دست‌ها را از آستین ←

- [۱۱۲] م - چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست^۱ پوشیدن آنها.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۴۶)
- [۱۱۳] م - احوط^۳ اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل

→ بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیرشلواری و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباس‌های متعارف مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه آنها بیرون نیاورد. (مناسک، مسأله ۲۴۲).

۱. آیات عظام بجهت تبریزی، خوبی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می‌پوشند.

آیة الله سیستانی: فرقی نیست در آن چه در حاشیه قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتی یا نمدمالی یا غیر آن.

آیة الله مکارم: همچنین لباس‌هایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند.

۲. آیة الله خامنه‌ای: و همچنین لباس‌های دکمه‌دار گرچه مخیط نباشد، که پوشیدن آن حرام است ولی سایر استعمالات آن مانند فرش قرار دادن یا به عنوان روandاز استفاده کردن مانع ندارد.

۳. آیة الله خامنه‌ای: پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس مانند کمربند یا همیان حرام نیست، و کفاره ندارد.

آیة الله خوبی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه‌دار که طرفین آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد. (استفتائات، ص ۲۴۱، س ۷۱۲).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: استفاده از این اشیاء برای محروم جایز است هرچند دوخته باشد: ۱) همیان و کمربند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند.

۲) فتق بند. ۳) کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

آیة الله فاضل: اقوی اجتناب از مطلق دوخته است... «عمره مفرده م ۸۲۱».

- کمربند^۱ دوخته و شب کلاه.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۴۷)
- [۱۱۴] م - همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر بیند هرچند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گره باشد.^۳
- [۱۱۵] م - فتق‌بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است بیند، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.^۴ (مناسک محسنی، م ۳۴۹)
- [۱۱۶] م - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.^۵ (مناسک محسنی، م ۳۵۰)
- [۱۱۷] م - جایز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره نزدن است،

۱. آیة الله مکارم: کمربند دوخته اشکالی ندارد.
۲. آیة الله تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمربند مانعی ندارد. آیة الله سیستانی: معلوم شد که معیار لباس دوخته نیست بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباس‌های متعارف هم حرام است و اما کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد گرچه کمربند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.
۳. آیة الله بهجت: در مناسک ایشان، قسمت اخیر آورده نشده است. آیة الله فاضل: اما اگر بتواند همیان دوخته نشده تهیه کند نمی‌تواند از همیان دوخته شده استفاده کند.
۴. آیة الله تبریزی: کفاره هم ندارد. آیة الله خامنه‌ای: حکم آن ذیل مسأله ۱۱۳ گذشت.
- آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: ضرورت لازم نیست و کفاره هم ندارد.
- آیة الله صافی، آیة الله فاضل: اولی این است که کفاره بدهد.
۵. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.



و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.^۱ (مناسک محسی، م ۳۵۱)

[۱۱۸] م - جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.^۲ (مناسک محسی، م ۳۵۲)

[۱۱۹] م - از برای زن‌ها جایز است لباس دوخته هر قدر می‌خواهد بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست^۳ از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زن‌های عرب در آن پنه می‌گذاشتند و دست می‌کردند برای حفظ از سرما. (مناسک محسی، م ۳۵۳)

[۱۲۰] م - کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفت است. (مناسک محسی، م ۳۵۴)

[۱۲۱] م - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره^۴ بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.^۵ (مناسک محسی، م ۳۵۵)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۷۴ گذشت.

۲. نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۷۴ گذشت.

۳. آیة الله اراکی: احوط بلکه اقوی اجتناب از آن است.

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفاره بدده کافی است. (مجموع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱، م ۲۰)

آیة الله خامنه‌ای: اگر تعدد پوشیدن صدق کند برای هر مورد یک کفاره بدده.

۵. آیة الله بهجت: ظاهراً تعدد کفاره است به تعدد صنف‌ها مطلقاً چه علی الترتیب بپوشید و چه در یک دفعه بپوشد. (مناسک شیخ، ص ۲۰)

آیة الله سیستانی: در این صورت اگر نوع این لباس‌ها مختلف باشد به تعداد هر لباس باید کفاره بدده، و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفاره بدده. (مناسک، مسأله ۲۴۵).



- [۱۲۲] م- اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود.^۱ (مناسک محسنی، م ۳۵۶)
- [۱۲۳] م- اگر یک قسم لباس پوشید مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر پوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز پوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد. (مناسک محسنی، م ۳۵۷)
- [۱۲۴] م- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۵۸)
- هفتم - سرمه کشیدن.
- [۱۲۵] م- جایز نیست سرمه کشیدن به سیاهی ^۳ که در آن زینت باشد هر چند قصد

- آیة الله تبریزی، آیة الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفاره دارد.
- آیة الله خویی، آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط. (مناسک، مسأله ۲۴۵).
- آیة الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.
- آیة الله تبریزی: در صورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفاره بدهد.
- آیة الله فاضل: اما اگر یک مرتبه آنها را بپوشد کفاره متعدد نمی‌شود.
- آیة الله گلپایگانی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج نیز یک کفاره کافی است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱، م ۲۰).
- آیة الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.
- آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: سرمه سیاه به قصد زینت کردن حرام است قطعاً و بنابر احتیاط یک گوسفنده کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنابر احتیاط واجب اجتناب کند. آیة الله خویی: و بنابر احتیاط مستحب کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.
- آیة الله سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه‌ای که زینت حساب شود اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما ←



زینت^۱ نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد^۲، بلکه اگر بوی خوش^۳ داشته باشد بنابر اقوی حرام است. (مناسک محسنی، م ۳۵۹)

[۱۲۶] م - حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است. (مناسک محسنی، م ۳۶۰)

[۱۲۷] م - در سرمه کشیدن کفاره نیست^۴، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد

→ سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

آیة الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

۱. آیة الله اراکی: در صورت عدم قصد زینت، احوط ترک است.
آیة الله بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

۲. آیة الله خامنه‌ای: کشیدن سرمه به چشم در صورتی که زینت محسوب شود و همچنین خط کشیدن به دور چشم‌ها که زنان برای زینت می‌کشند در حال احرام جایز نیست و فرقی میان رنگ سیاه و غیر آن نیست. (مناسک حج، م ۱۹۸)

۳. آیة الله اراکی: بنابر احوط حرام است.
آیة الله بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگرچه قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد.

نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرمات احرام گذشت.

۴. آیة الله بهجت: متعرض مسأله کفاره اکتحال نشده‌اند.
آیة الله تبریزی: اگر سرمه سیاه را به قصد زینت بکشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد و در سرمه سیاه که به قصد زینت نباشد یا سرمه‌ای که به قصد زینت می‌کشد ولی سیاه نیست احتیاط استحبابی در کفاره دادن است.

آیة الله خویی: بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفاره دهد.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره بدهد.



احتیاط^۱ در کفاره دادن است. (مناسک محسنی، م ۳۶۱)

[۱۲۸] م - در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

(مناسک محسنی، م ۳۶۲)

هشتم - نگاه کردن در آینه.^۲

[۱۲۹] م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست. (مناسک محسنی، م ۳۶۳)

[۱۳۰] م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن

پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال^۳ ندارد. (مناسک محسنی، م ۳۶۴)

[۱۳۱] م - عینک زدن اگر زینت نباشد^۴ اشکال ندارد، ولی اگر زینت

محسوب شود^۵ جایز نیست. (مناسک محسنی، م ۳۶۵)

۱. آیة الله فاضل: ولی اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد اقوی کفاره دادن است.

آیة الله مکارم: یک گوسفند اگر عمدًا باشد.

۲. آیة الله بهجت: جهت زینت حرام است. (مناسک، مسئله ۲۴۷).

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است.

آیة الله خامنه‌ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت مانند راننده و امثال آن اشکال ندارد.

آیة الله مکارم: در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

۳. آیة الله خامنه‌ای: در صورتی که قصد زینت نداشته باشد.

آیة الله سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیة الله مکارم: هرگاه برای تزئین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

۴. آیة الله بهجت: اگر به قصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۵. آیة الله فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

۶. آیة الله خامنه‌ای: ... احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفا زینت محسوب می‌شود. مناسک حج، م ۱۸۳

- [۱۳۲] م- در نظر کردن به آینه کفاره^۱ نیست لکن مستحب^۲ است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید. (مناسک محسنی، م ۳۶۶)
- [۱۳۳] م- اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط^۳ آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد. (مناسک محسنی، م ۳۶۷)
- [۱۳۴] م- احتیاط^۴ آن است که به آینه نگاه نکند اگرچه برای زینت نباشد. (مناسک محسنی، م ۳۶۸)

نهم - پوشیدن چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می‌گیرد.^۵

- آیة الله سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفًا زینت باشد، احوط پرهیز از آن است. (مناسک، مسئله ۲۴۷).
۱. آیة الله تبریزی: کفاره‌اش بنابر احتیاط استحبایی یک‌گوسفند است. (مناسک، م ۲۴۷)
 - آیة الله خویی: کفاره‌اش بنابر احتیاط یک‌گوسفند است. (مناسک، م ۲۴۷)
 - آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: کفاره‌اش استغفار است. (آراء المراجع، ص ۱۵۳).
 ۲. آیة الله خامنه‌ای: احتیاط واجب است. (مناسک حج، م ۱۷۹)
 ۳. آیة الله خامنه‌ای: اما بهتر آن است. (مناسک حج، م ۱۷۶)
 ۴. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.
 - آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: نگاه کردن در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشند یا غیر آن (آداب و احکام حج، ص ۱۵۸).
 ۵. آیة الله تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.
 - آیة الله خامنه‌ای: مرد نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند، لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۳۷ و ۱۳۹)
 - آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و احتیاط آنست که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.



[۱۳۵] م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.^۱

[۱۳۶] م - اگر مرد محتاج شود^۲ به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط واجب^۳ آن است که روی آن را شکاف دهد. (مناسک محسنی، م ۳۷۰)

[۱۳۷] م - در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد کفاره نیست.^۴
دهم - فسوق است.

[۱۳۸] م - فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر^۵ به

۱. آیة الله خامنه‌ای: اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند.

(مناسک حج، م ۱۴۲)

۲. آیة الله سیستانی: بلکه مضطّر شود.

۳. آیة الله بهجت، آیة الله مکارم: احتیاط مستحب این است.

آیة الله خامنه‌ای: قدر مسلم از حرام بودن پوشاندن روی پا، پوشیدن چکمه و جوراب و امثال آن است نه هر چیزی که روی پا را می‌پوشاند و در هر صورت اگر محروم ناچار به پوشیدن آن شود، احتیاط شکافتن روی آن است.

آیة الله خویی: احتیاط مستحب (مناسک عربی، مسأله ۲۴۸).

۴. آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی، فاضل، نوری: احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

آیة الله بهجت، متعرض حکم کفاره در این صورت نشده‌اند.

آیة الله خامنه‌ای: ... احتیاط مستحب در مورد خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کند. (مناسک حج دستنویس، م ۷۶)

آیة الله سیستانی: در پوشیدن چکمه و مانند آن کفاره‌ای واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۴۸)

۵. آیة الله بهجت: دروغ و دشنامی که حرام باشد حرمتshan در حال احرام مؤکد و شدیدتر است و مراد از فسوق در آیه شریفه «فلا رَفَثَ ولا فُسُوقٌ ولا جَدَالٌ فِي الْحَجَّ» دروغ و دشنام است امام‌فاخرت... اگر مستلزم توهین به دیگری باشد فی ←

دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کنند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است. (مناسک

محشی، م ۳۷۲)

یازدهم - جدال است و آن گفتن «لا والله» و «بلى والله» است.

[۱۳۹] م - آنکه گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلى» و در سایر لغات مرادف آن^۱ مثل «نه» و «آری» دخالتی^۲ در جدال ندارد، بلکه^۳ قسم خوردن در مقام اثبات مطلب

→ نفسه حرام است. (مناسک، مسأله ۲۴۹).

آیة الله تبریزی: فخر کردن بر دیگران اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد این عمل فی نفسه حرام است.

آیة الله خویی: مراد از فسوق در آیه مبارکه «فَلَا رَفِثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجَّ» دروغ و دشنام است، و فخر کردن حرام هم ملحق به فسوق است.

آیة الله خویی: فخر در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد حرام نیست. (مناسک، مسأله ۲۴۹).

آیة الله سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحیر مؤمن باشد همیشه حرام است. و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

آیة الله فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

۱. آیة الله فاضل: در مرادف اشکال دارد و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ لا و بلى دخالت دارد.

۲. آیة الله تبریزی: و احتیاط در این است که بغیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیة الله خویی، این است که: کلمه لا و بلى دخالت در مطلب دارد.

آیة الله کلپایگانی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه نه والله و آری والله ملحق به آن است.

۳. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: بنابر احتیاط مطلق قسم خوردن جدال است.



یا ردّ غیر، جدال است. (مناسک محسنی، م ۳۷۳)

[۱۴۰] م- قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال^۱ است، و اما قسم بغیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست. (مناسک محسنی، م ۳۷۴)

[۱۴۱] م- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سموات و ارض، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۷۵)

[۱۴۲] م- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.^۳ (مناسک محسنی، م ۳۷۶)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله خویی: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیة الله بهجت: ظاهر تحقق حرام به لفظ جلاله چون: والله و بالله است ولی ایشان متعرض قسم فارسی نشده‌اند. (مناسک، مسأله ۲۵۰).

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است. (مناسک حج، م ۲۱۰)

۲. آیة الله سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

آیة الله فاضل: ظاهراً لفظ الله بدون لا و بلی جدال محرم نیست و مرادف الله نیز به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی‌باشد. (مناسک چاپ اخیر)

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: و همچنین اگر مرادش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل: تو را به خدا این کار را نکن....

آیة الله سیستانی: استثنای شود از حرمت جدال موردي که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد مثلاً حق او را پایمال کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

[۱۴۳] م- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار^۱، و در سه مرتبه^۲ کفاره باید بدهد، و کفاره آن یک گوسفند است.
(مناسک محسنی، م ۳۷۷)

[۱۴۴] م- اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۳۷۸)

۱. آیة الله سیستانی: به گفته بعضی از فقهاء جدال با قسم راست محقق نمی‌شود مگر اینکه سه بار پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

۲. آیة الله بهجت: اگر سه مرتبه پی در پی باشد و در حکم غیر صورت تتابع با عدم تخلل تکفیر تأمل است در صادق و کاذب. (مناسک شیخ، ص ۲۲)
آیة الله سیستانی: اگر سه بار پی در پی باشد.

۳. آیة الله اراکی: مطابق با احتیاط است.
آیة الله بهجت: در همان مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم بنابر احتیاط یک گاو کفاره بددهد بلکه خالی از وجه نیست و در مرتبه سوم تخيیر میان گاو و شتر خالی از وجه نیست. (مناسک، مسأله ۲۵۲).

آیة الله تبریزی: در همان مرتبه اول یک گوسفند و یک گوسفند دیگر بنابر احتیاط برای مرتبه دوم و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد. (مناسک، م ۲۵۲).
آیة الله خامنه‌ای: اگر سوگند دروغ یاد کند در مرتبه اول و دوم باید یک گوسفند کفاره دهد و احوط آن است که در مرتبه دوم دو گوسفند بددهد اما اگر بیش از دو بار چنین کند دو مرتبه‌های بعد باید یک گاو کفاره بددهد. (مناسک حج، م ۲۱۳)

آیة الله خویی، آیة الله سیستانی: در مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم یک گوسفند دیگر و در مرتبه سوم یک گاو کفاره بددهد.
آیة الله فاضل: واجب است که در مرتبه اول گوسفند کفاره بددهد و احتیاط واجب ←



[۱۴۵] م- اگر^۱ در جدال به دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد بعید نیست^۲ که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو. (مناسک محسنی، ۳۷۹)

[۱۴۶] م- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره، و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند^۳ کفاره است. و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک

→ آن است که در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد و احتیاط کامل به ان تحقق پیدا می کند که در مرتبه دوم بین گوسفند و گاو و در مرتبه سوم بین گاو و شتر جمع نماید.

آیة الله مکارم: این قول موافق احتیاط است.

۱. آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: این مسأله و سه مسأله بعد در مناسک ایشان ذکر نشده است.

۲. آیة الله سیستانی: و اگر کفاره را داد و دوباره قسم دروغ خورد باید به ترتیبی که گذشت کفاره بدهد.

آیة الله فاضل: بلکه بعید نیست کفاره اش یک گاو باشد.

آیة الله مکارم: بعید است.

۳. آیة الله تبریزی: چنانکه سابقًا گفته شد در مرتبه دوم جدال به دروغ باید یک گوسفند دیگر بدهد و در مرتبه سوم باید یک گاو بدهد و بنابراین اگر بعد از دو مرتبه قسم خوردن به دروغ مرتبه سوم هم قسم به دروغ خورد باید یک گاو کفاره بدهد و گاوی را که قبلًا ذبح کرده کافی نیست و همچنین است اگر بعد از دو مرتبه سابق، دو مرتبه دیگر یا بیشتر قسم خورد، بلی اگر بعد از اینکه دو مرتبه بر دروغ جدال کرد و دو گوسفند کفاره داد برای مرتبه سوم فقط یک گوسفند باید بدهد و اگر بعد از دادن دو گوسفند دو مرتبه دیگر جدال بدروغ کرد باید دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر جدال به دروغ کرد یک گاو باید ذبح کند.

آیة الله فاضل: بعید نیست کفاره اش یک شتر باشد.



گاو^۱ کفاره آن است. (مناسک محسی، م ۳۸۰)

[۱۴۷] م- اگر به راست جdal کرد بیشتر از سه^۲ مرتبه هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آنکه بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جdal کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.^۳ (مناسک محسی، م ۳۸۱)

[۱۴۸] م- اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جdal کند کفاره یک شتر است ظاهرآ، مگر آنکه پس از سه مرتبه یا زیادتر کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.^۴ (مناسک محسی، م ۳۸۲)

۱. آیة الله سیستانی: مراجعه شود به حاشیه مسأله ۱۴۵.

آیة الله فاضل: بعيد نیست کفاره اش دو شتر باشد.

آیة الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

۲. آیة الله بهجت: بیشتر از دو مرتبه را می‌فرماید و متعرض حکم مورد تخلّل کفاره بین موارد تخلف نشده‌اند.

آیة الله خویی: فتوای صریحی از ایشان نیست ولی در کتاب معتمد العروه ج ۴ ص ۱۷۷ از ایشان نقل شده است: «در جdal راست از بار سوم به بعد هر بار یک گوسفند دارد و دادن کفاره در اثناء تأثیری در این حکم ندارد».

۳. آیة الله سیستانی: اگر بعد از سه بار یا بیشتر قسم راست خوردن پی در پی کفاره بددهد، و یا سه بار پشت سر هم قسم بخورد و پس از فاصله دو باره سه بار یا بیشتر پشت سر هم قسم بخورد، در این دو صورت باید یک کفاره دیگر بدهد. (مناسک، م ۲۵۲).

آیة الله فاضل: ثبوت کفاره محل اشکال است.

۴. آیة الله تبریزی: چنانچه بدروغ بیش از سه مرتبه جdal کرد کفاره آن یک گاو است مگر اینکه پس از مراتب سابق کفاره را ذبح کرده باشد که در این صورت باید آنچه را که بعد از دادن کفاره محقق شده ملاحظه نماید چنانچه یک مرتبه جdal بدروغ کرد یک گوسفند و اگر دو مرتبه جdal بدروغ کرد دو گوسفند و اگر سه مرتبه یا بیشتر بود باید یک گاو کفاره بددهد.



دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن^۱ ساکن می‌شوند، مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است.

[۱۴۹] م - جایز نیست^۲ اندختن شپش و کک^۳ را از

→ آیة الله خویی: در جدال دروغ، بار اول یک گوسفند و بار دوم گوسفندی دیگر و بار سوم به بعد، هر بار یک گاو است و دادن کفاره در اثناء، تأثیری در حکم ندارد. (معتمد العروه، ج ۴، ص ۱۷۷).

آیة الله سیستانی: کفاره قسم دروغ در بار سوم و بعد از آن هر چه باشد یک گاو است ولی اگر کفاره داد و دوباره قسم دروغ خورد یک گوسفند است و بار دوم نیز گوسفند و سوم گاو است.

آیة الله فاضل: بعيد نیست که برای هر جدال اضافی یک بدن واجب باشد.

۱. آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۱۴)

آیة الله فاضل: انسان یا حیوان.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و اندختن او از بدن برای محرم جایز نیست اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.

آیة الله سیستانی: متعرضی حکم کنه که در بدن حیوان است نشده‌اند و در مورد پشه و کک فرموده‌اند اگر ضرری از آنها متوجه شخصی نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن اینها جایز است.

۳. آیة الله بهجت: حرمت القای غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور اندختن کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

آیة الله سیستانی: به احتیاط واجب اندختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

آیة الله فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

آیة الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند اما راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک آن است. (مناسک، مسأله ۲۵۳).

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب در این مسأله و مسأله بعد.

۴. در خصوص کک بنابر احتیاط استحبانی است.



بدن.^۱ (مناسک محسنی، م ۳۸۳)

[۱۵۰] م- بعید نیست که در کشتی یا انتقال دادن کفاره نباشد^۲ لیکن احتیاط^۳

یک کف از طعام صدقه بدهد. (مناسک محسنی، م ۳۸۶)

سیزدهم- انگشت بدست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد

مانع ندارد.^۴

[۱۵۱] م- اگر انگشت بدست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آنکه

برای خاصیتی بدست کند اشکال ندارد. (مناسک محسنی، م ۳۸۷)

[۱۵۲] م- احتیاط واجب^۵ آن است که محرم «حنا» برای زینت نبند بلکه اگر

۱. آیة الله زنجانی: انداختن شپش از بدن یا لباس، جایز نیست و انداختن حشرات
دیگر اشکالی ندارد.

۲. آیة الله زنجانی: کفاره انداختن شپش از بدن یا لباس و کفاره کشتن آن هم یک
مشت طعام است و سایر موارد کشتن و انداختن و انداختن و انتقال حشرات، کفاره ندارد.

۳. آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، خویی، نوری: بنابر احتیاط واجب باید یک
مشت از طعام به فقیر کفاره بدهد.

آیة الله اردبیلی: در کشتن و انداختن شپش این احتیاط ترک نشود.

آیة الله سیستانی: در صورت کشتن و یا انداختن شپش، احتیاط مستحب آن
است که یک مشت از طعام کفاره بدهد. (مناسک، مسئله ۲۵۳).

آیة الله فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.

آیة الله مکارم: این احتیاط واجب است خواه عمداً باشد یا از روی خطأ.

۴. آیة الله سیستانی: انگستر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز
نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب یا نگهداری آن اشکال ندارد.

آیة الله مکارم: انگستر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۵. آیة الله بهجت: حنا بستن اگرچه برای زینت باشد عیبی ندارد. (مناسک، م ۳۵۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر
محرم حرام است.



زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن در هر دو

صورت خالی از وجه نیست. (مناسک محسنی، م ۳۸۸)

[۱۵۳] م - اگر قبل از احرام «حنا» بیند چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.^۱ (مناسک

محسنی، م ۳۸۹)

[۱۵۴] م - انگشت‌تر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.^۲ (مناسک محسنی،

(۳۹۰ م

→ آیة الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که فرد محروم از استعمال حنا و رنگ موکه زینت به شمار آید، بلکه از هر کاری که زینت محسوب می‌شود اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۸۳)

آیة الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محروم ترک هر چیزی است که عرفًا زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و مانند آن اشکال ندارد.

آیة الله فاضل: حرمت محل اشکال است.

۱. آیة الله خامنه‌ای: احتیاط واجب.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنابر احتیاط باید خودداری کند (مناسک فارسی، ص ۴۱) و در مناسک عربی، ص ۹۱، مطابق متن فرموده‌اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.

آیة الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۲. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط استحبابی کفاره‌اش یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴).

آیة الله خویی: بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴).



چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

[۱۵۵] م- اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزیین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست. (مناسک محسنی، ۳۹۱ م)

[۱۵۶] م- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.^۲ (مناسک محسنی، ۳۹۲ م)

[۱۵۷] م- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید^۳ به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود. (مناسک محسنی، ۳۹۳ م)

[۱۵۸] م- پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.^۴ (مناسک محسنی، ۳۹۴ م) پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.

[۱۵۹] م- احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگرچه بوی خوش

۱. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط اگر قصد تزیین هم نداشته باشد جایز نیست. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است.

آیة الله سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفًا زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است. آیة الله فاضل: حرمت محل اشکال است.

۲. آیة الله فاضل: و اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد. آیة الله مکارم: ولی آن را بپوشاند.

۳. آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرمند ظاهر نسازد و نشان ندهد (مناسک، مسأله ۲۵۶).

۴. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط اگر قصد تزیین هم نداشته باشد جایز نیست. آیة الله بهجت، آیة الله خویی: متعرض اثبات و نفی مسأله کفاره نشده‌اند. آیة الله تبریزی: کفاره‌اش بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.



در آن نباشد.^۱ (مناسک محسنی، م ۳۹۵)

[۱۶۰] م- جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می‌ماند تا وقت احرام.^۲ (مناسک محسنی، م ۳۹۶)

[۱۶۱] م- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.^۳ (مناسک محسنی، م ۳۹۷)

[۱۶۲] م- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد. (مناسک محسنی، م ۳۹۸)

[۱۶۳] م- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.^۴ (مناسک

۱. آیة الله خامنه‌ای: مالیدن روغن به اعضای بدن و موی سر در حال احرام جایز نیست چه از قبیل کرم که برای زینت زده می‌شود و چه غیر آن و چه معطر باشد و چه نباشد. (مناسک حج، م ۱۸۶)

آیة الله فاضل: اقوی این است.

۲. آیة الله بهجت: به نحو قطع و به صورت ارتکاب تأخیر احرام با امکان تا زمان به زوال رائجه لازم است. (مناسک شیخ، ص ۲۴)

فتاوی آیة الله خویی به دست نیامد.

آیة الله سیستانی: ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد.

۳. آیة الله سیستانی: محروم می‌تواند روغنی که بوی خوش ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

۴. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط کفاره روغن مالیدن یک گوسفند است ولو مضطر باشد.

آیة الله تبریزی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است چه در روغن بوی خوش باشد یا نباشد و اگر از روی نادانی باشد، کفاره‌اش اطعم یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله بعد مراجعته شود.

محشی، م (۳۹۹)

[۱۶۴] م- اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن ^۱ یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد. (مناسک محشی، م ۴۰۰)

شانزدهم - ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُحل.

[۱۶۵] م- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.^۲ (مناسک محشی، م ۴۰۱)

→ آیة الله خویی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره‌اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

آیة الله مکارم: احتیاطاً یک گوسفند است.

۱. آیة الله بهجت، آیة الله تبریزی: کفاره‌اش یک گوسفند است حتی در صورت ضرورت علی الاحوط.

آیة الله خامنه‌ای: کفاره مالیدن روغن معطر بنابر احتیاط یک گوسفند و کفاره روغن غیر معطر بنابر احتیاط اطعام یک نفر است اگرچه عدم وجوب کفاره در مرد و مرد بعید نیست. (مناسک حج، م ۱۹۰)

آیة الله سیستانی: اگر مُحرِم با علم و آگاهی و از روی عمد، بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی نماید، بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفاره بددهد هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بدون علم و آگاهی این کار را کرده باشد، بنابر احتیاط کفاره آن اطعام یک فقیر است. (مناسک، مسأله ۲۵۸).

آیة الله فاضل: اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره خوردن آن یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد. و در غیر مصرف خوردن هم احتیاطاً کفاره را بددهد.

آیة الله فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

آیة الله نوری: کفاره مالیدن روغین به بدن یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.

۲. آیة الله سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.



[۱۶۶] م- ازاله موأگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد^۱، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند. (مناسک محسنی، م ۴۰۲)

[۱۶۷] م- اگر در وقت غسل یا وضو^۲ مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۰۳)

[۱۶۸] م- در ازاله موفرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن. (مناسک محسنی، م ۴۰۴)

[۱۶۹] م- کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت^۳ باشد دوازده «مُدّ» طعام است که باید به شش^۴ مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مُدّ» یک چارک (ده سیر) است تقریباً. (مناسک محسنی، م ۴۰۵)

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفاره دارد.

۲. آیة الله بهجت: به سبب وضو یا غسل و اظهار عدم وجوب فدیه است. (مناسک شیخ، م ۱۹۰)

آیة الله خامنه‌ای: یا تیمم. (مناسک حج، م ۱۹۲)

آیة الله سیستانی: یا تیمم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

۳. آیة الله بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره‌اش یک گوسفند یا سه روزه یا اطعمه ده مسکین که به هریک یک مد داده شود بلکه بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگرچه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. (مناسک، مسئله ۲۶۰).

آیة الله فاضل: یکی از سه چیز به نحو تخيیر است.

آیة الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از بدن خود چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الا در ازاله مو از بدن دیگری که در حال ضرورت کفاره ندارد.

۴. آیة الله گلپایگانی: صدقه دادن ده مد به ده مسکین کفایت می‌کند اگرچه دوازده مد به شش مسکین بهتر است. (مناسک فارسی، ص ۴۲، مسئله ۶۳).

[۱۷۰] م- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب^۱ آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعین گوسفند در این صورت بعيد نیست. (مناسک محسنی، م ۴۰۶)

[۱۷۱] م- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله موکند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط^۲ آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله موکند یک گوسفند کفاره بدهد.^۳ (مناسک محسنی، م ۴۰۷)

[۱۷۲] م- احتیاط واجب آن است که اگر موی سر^۴ را ازاله کند بغیر تراشیدن

۱. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: بنابر اقوی.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: کفاره آن یک گوسفند است.

آیة الله خامنه‌ای: اگر سررا عالماً عامداً بتراشید کفاره آن یک گوسفند است.

۲. آیة الله مکارم: این حکم واجب است.

آیة الله نوری: اگر یر هر دو بغل ازاله کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل‌ها یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. آیة الله بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره‌اش یک گوسفند است بنابر اقوی و در کندن موی یک طرف سه مسکین را طعام بدهد. (مناسک، م ۲۶۰).

آیة الله سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنابر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری غیر از کندن موی آن را ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر محروم سر دیگری را تراشید چه محروم باشد چه غیر محروم کفاره ندارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل یک گوسفند است. (مناسک عربی، ص ۹۷ - مناسک فارسی، مسئله ۳۹۷).

آیة الله فاضل: سه فقیر را طعام کند.

۴. آیة الله بهجت: فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

آیة الله خویی: بلکه واجب است (معتمد ۴/۲۰۸).



- کفاره تراشیدن را بدهد. (مناسک محسنی، م ۴۰۸)
- [۱۷۳] م- اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط^۱ آن است که یک کف طعام^۲ صدقه بدهد. (مناسک محسنی، م ۴۰۹)
- هفدهم - پوشانیدن مرد است سر خود را به هرچه او را بپوشاند.
- [۱۷۴] م- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سرنگذار دمث بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود. (مناسک محسنی، م ۴۱۱)
- [۱۷۵] م- جایز است^۳ به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دست هارا روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است. (مناسک محسنی، م ۴۱۲)
- [۱۷۶] م- جایز نیست سر را زیر آب کند^۴ بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری
-
۱. آیة الله بهجت: یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن، غیر از ازاله غیر عمده است که فدیه ندارد اگرچه هر دو جایز است. (مناسک شیخ، ص ۲۵)
- آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: باید یک مشت طعام بدهد.
- آیة الله خامنه‌ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن بدهد، اگرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.
- آیة الله سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را بکند و خون خارج نشود، و اگر بجهت محروم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیفتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.
- آیة الله فاضل: در غیر وضو و غسل.
۲. آیة الله مکارم: مقصود از یک کف طعام مقداری غذاست.
۳. آیة الله بهجت: احوط واولی ترک پوشانیدن سر به قسمت از بدن مثل دست است در غیر موارد ضرورت عرفیه یا شرعیه. (مناسک، ۲۶۳).
۴. آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط.



- مثلاً گلاب و سرکه و غیر آن کند. (مناسک محسنی، م ۴۱۳)
- [۱۷۷] م- در حکم سراست بعض^۱ سر، پس نباید بعض سر را هم پوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند. (مناسک محسنی، م ۴۱۴)
- [۱۷۸] م- گوش‌ها ظاهراً^۲ از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشاند. (مناسک محسنی، م ۴۱۵)
- [۱۷۹] م- پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۴۱۶)
- [۱۸۰] م- گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثناء شده و مانع ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۱۷)

→ آیة الله سیستانی: برای محروم جایز نیست همه سر خود را در آن فرو برد بلکه بنابر احتیاط در غیر آب هم جایز نیست و فرقی در این حکم بین زن و مرد نیست و منظور از سر در این حکم همه قسمتی است که بالاتر از گردن است.

۱. آیة الله خامنه‌ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفًا مصدق پوشاندن سر باشد -مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر -جایز نیست اما در غیر این صورت مانند گذاشتن قرآن و مانند آن روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر اشکال ندارد. هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۴۶)

آیة الله خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد. (معتمد العروه، ج ۴، ص ۲۲۱).

آیة الله سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

آیة الله فاضل: بنابر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنابر احتیاط.

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله نوری: گوش‌ها در این حکم ملحق به سر است. آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۳. آیة الله اراکی: اشهر و اظهر آن است که جایز است.

- [۱۸۱] م- اگر حاجی در حال احرام برای سر درد دستمالی به دور سر بیندد اگرچه تمام سر را بگیرد کفاره^۱ ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۱۸)
- [۱۸۲] م- گذاشتن سر روی بالش برای خوایدن مانع ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۱۹)
- [۱۸۳] م- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند بنحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۲۰)
- [۱۸۴] م- زیردوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فروگیرد جایز نیست. (مناسک محسنی، م ۴۲۱)
- [۱۸۵] م- اگر سر را شست نباید^۲ با حوله و دستمال خشک کند و بعض سر

۱. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: احوط ثبوت کفاره است.

آیة الله بهجت: اگرچه جایز است، ولی کفاره دارد. (مناسک محسنی، م ۴۱۸)
آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: گناه ندارد ولی یک گوسفنده کفاره دارد.
(مناسک فارسی، ص ۴۲).

آیة الله مکارم: احتیاط واجب کفاره است.

۲. آیة الله بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار بتدریج انجام گیرد (پرسش‌های جدید حج، ص ۱۱، م ۴۹).
آیة الله خامنه‌ای: خشک کردن سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن تدریجی خشک کند.

آیة الله سیستانی: هرچند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنابر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشة حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.

آیة الله گلپایگانی: در آراء المراجع چاپ سوم ص ۱۶۸ - نقل می‌کند که معظم له شفاهًا فرموده‌اند: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی باید طوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

آیة الله مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.



هم در حکم همه است. (مناسک محشی، م ۴۲۲)

[۱۸۶] م- در وقت خوایدن مردنباید سر خود را پوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.^۱ (مناسک محشی، م ۴۲۳)

[۱۸۷] م- اگر سر را پوشاند به نحوی از انحصار، کفاره^۲ آن یک گوسفند است، و احتیاط^۳ واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر. (مناسک محشی، م ۴۲۴)

[۱۸۸] م- احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر کفاره بدهد، یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است^۴، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به

۱. آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفاره‌اش یک گوسفند است.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر بنابر احتیاط یک گوسفند قربانی کردن است و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفًا برآن صدق کند که سر را پوشانده است مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

آیة الله فاضل: احتیاط مستحب.

۴. آیة الله اراکی: مخصوصاً اگر بدون عذر باشد، و مخصوصاً اگر مجلس آنهم متعدد باشد، پس در همه صور احتیاط، واجب است.

آیة الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیة الله مکارم: این احتیاط در این مسأله و مسأله بعد، وجوبی است.

آیة الله نوری: و با تکرار در پوشاندن سر کفاره نیز مکرر می‌شود. (مناسک حج، م ۸۵۳)



نظر بعید نمی‌آید واجب نبودن.^۱ (مناسک محشی، م ۴۲۵)

[۱۸۹] م- اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط^۲ به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجودش معلوم نیست. (مناسک محشی، م ۴۲۶)

[۱۹۰] م- کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را پوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسيان پوشاند کفاره ندارد.^۳ (مناسک محشی، م ۴۲۷)

هیجدهم - پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روپند و برقع.

[۱۹۱] م- پوشانیدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنابر احتیاط^۴، و جایز نیست با بادبزن

۱. آیة الله بهجت: اقوی تعدد کفاره است در صورت تعدد پوشانیدن و با تخلل کفاره. (مناسک، مسأله ۲۶۵)

آیة الله خامنه‌ای: احتیاط تکرار کفاره در صورت تکرار ستر است، مطلقاً.

آیة الله سیستانی: بعید نیست یک کفاره کافی باشد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در صورت تعدد پوشانیدن سر، باید کفاره متعدد بدهد. (مناسک عربی، ص ۹۱).

۲. نظر آیات عظام اراکی، بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: در مسأله قبل گذشت.

آیة الله اراکی، آیة الله نوری: احتیاط، واجب است.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: در این صورت دوباره باید کفاره بدهد.

۳. آیة الله خویی، آیة الله سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر و اضطرار نیز کفاره واجب نیست (مناسک، م ۲۵۶).

۴. آیة الله بهجت: پوشاندن با هر چه باشد حرام است، مگر در حال ضرورت. (مناسک، مسأله ۲۶۶).



روی خود را پوشاند.^۱ (مناسک محسنی، م ۴۲۸)

[۱۹۲] م - بعض رو در حکم تمام آن است و نباید آن را پوشاند.^۲

[۱۹۳] م - اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.^۳ (مناسک

محسنی، م ۴۲۹)

۱. آیة الله خامنه‌ای: پوشاندن صورت با بادبزن و مانند آن (کاغذ و روزنامه و...) برای زنان حرام است اما گذاشتن دست‌ها بر روی صورت اشکال ندارد. (مناسک حج،

(۱۵۳) م

۲. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط.

آیة الله خامنه‌ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند ماند پوشاندن گونه‌ها و بینی‌ها و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی‌باشد. (مناسک حج، م ۱۵۰)

آیة الله سیستانی: به احتیاط واجب و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می‌گیرد خلاف احتیاط است و همچنین جایز نیست بنابر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال هر چند همه صورت را نپوشاند ولی تمیز کردن بیتی و مانند آن اشکال ندارد.

آیة الله فاضل: بعض رو در حکم تمام است. و بنابر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست. و در قسمت بالای آن به احتیاط واجب.

آیة الله مکارم: پوشانیدن بعض صورت به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

۳. آیة الله بهجت: دست گذاشت روی صورت مانع ندارد (پرسش‌های جدید حج،

ص ۱۲، س ۵۰).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده‌اند.



[۱۹۴] م - اگر روی خود را برای خوایدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

(مناسک محشی، م ۴۳۱)

[۱۹۵] م - واجب است برای نماز سر را پوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف را پوشاند^۱، لکن واجب است^۲ بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

(مناسک محشی، م ۴۳۲)

[۱۹۶] م - جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محادی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تاگردن و چیزی بر او نیست.^۳ (مناسک محشی، م ۴۳۳)

[۱۹۷] م - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین

۱. آیات عظام ارakkی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می‌باشد در حال نماز عیبی ندارد.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیة الله خامنه‌ای: پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقعنه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می‌دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی‌کند اشکال ندارد چه در نماز باشد و چه در حال دیگر. (مناسک حج، م ۱۵۲)

آیة الله مکارم: واجب نیست.

۳. آیة الله خامنه‌ای: جایز است زن در حال احرام چادر یا جامه‌ای را که بر سر انداخته طرف آن را بر روی صورت بیاویزد به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی اش را تا بالای بینی بپوشاند اما احسن آن است که اگر مرد اجنبي او را نمی‌بیند از این کار اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۵۴)

آیة الله سیستانی: و در جایی که نامحرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارند. (آداب و احکام حج، ص ۱۶۲)



می اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد^۱ که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط^۲ است. (مناسک محسنی، م ۴۳۴)

[۱۹۸] م - بعضی برای دور نگه نداشتن جامه از صورت کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.^۳

[۱۹۹] م - در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست^۴ گرچه موافق احتیاط است. (مناسک محسنی، م ۴۳۶) نوزدهم - سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.^۵

۱. آیة الله بهجت، آیة الله مکارم: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیة الله خامنه‌ای: در مسأله قبل احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیة الله خویی: احوط آن است که از صورت دور نگه دارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.

آیة الله نوری: زن‌ها در حال احرام باید سعی کند که مقنعه در حال در آوردن و پوشیدن صورتشان را نپوشاند.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره دهد.

۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد. آیة الله اراکی: احتیاط ترک نشود.

آیة الله بهجت: وجوب کفاره پوشانیدن صورت زنان یک گوسفند هر چند منقول از شیخ و حلبی است ولکن در آن تأمل است. (مناسک، مسأله ۲۶۸).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.

۵. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: در حال سیر و راه پیمودن.

آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب سایه قرار دادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگه داشتن سر از شیشه یا سقف آن خلاف احتیاط واجب است.



- [۲۰۰] م- سایه قراردادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن‌ها و بچه‌ها جایز است، و کفاره هم ندارد. (مناسک محشی، م ۴۳۷)
- [۲۰۱] م- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص بحال منزل طی کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع^۱ ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد. پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب^۲ ترک است در حال راه رفتن. (مناسک محشی، م ۴۳۸)
- [۲۰۲] م- فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل

۱. آیة الله بهجت: هنگام تردد (ولو در منی یا مکه) بنابر احتیاط واجب زیر سایه نرود. (مناسک، مسئله ۲۷۱).

آیة الله تبریزی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایه‌بان درست کند مثل آنکه چتر بردار و یا سوار ماشین سقفدار شود.

آیة الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قرار دادن، اگر محروم بخواهد جهت انجام کارهایش به این جا و آنجا برود، مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجدالحرام برود، و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه بوسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقفدار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود. (مناسک، مسئله ۲۷۱).

آیة الله فاضل: پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود.

۲. آیة الله خامنه‌ای: احوط آن است که شخص محروم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منی، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرك مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند. ولی قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف‌های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۸ و ۱۶۱)



بین آنکه در محملى باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در

هوایما باشد یا زیر سقف کشته باشد. (مناسک محشی، م ۴۳۹)

[۲۰۳] م-احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.^۱

(مناسک محشی، م ۴۴۰)

[۲۰۴] م-کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند با هوایما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند^۲، و اگر راه دیگری نباشد جز هوایما باید بروند لکن برای زیر سقف بودن

۱. آیة الله بهجت: ظاهر کلام ایشان احتیاط واجب است (مناسک مسأله ۲۶۹).

آیة الله تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره در تظلیل جانبی مبنی بر احتیاط است.

آیة الله خویی: واحوط بلکه اظهر این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، پس اگر از طرف چپ و راست چیزی بر او سایه بیفکند به نحوی که تأثیر در کم شدن گرما یا سرما یا باد و نحو آن داشته باشد جایز نیست و کفاره دارد.

آیة الله سیستانی: سایه‌های متحرک که بر سر محرم نباشد برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاطاً جتناب کند مگر این که کوتاه باشد که سر و سینه را فرانگیرد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: احتیاط مستحب آن است که مردم محرم در حال راه رفتن در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد. (آراء المراجع، ص ۱۷۲).

آیة الله فاضل: حرکت در جنب محل و استظلال به محمل برای ماشی جایز است.

آیة الله مکارم: گذشتن از زیر پلهای وسط راه مانع ندارد و همچنین بودن در سایه‌ای که از دیوارهای اتومبیل سر باز و مانند آن بوجود می‌آید.

آیة الله نوری: استظلال اختصاص به بالای سر دارد و شامل سایه حاصل از دیوار ماشین نمی‌شود.

۲. آیة الله سیستانی: نذر احرام قبل از میقات برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود

زیر سقف برود محل اشکال است. (ملحق مناسک).

آیة الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند باید در روز باوسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند ←



در حال طی منزل باید کفاره بدھند. (مناسک محشی، م ۴۴۱)

[۲۰۵] م- کسی که نذر کرداز تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد^۱ و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آنکه خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.^۲ (مناسک محشی، م ۴۴۲)

[۲۰۶] م- کسانی که می خواهند با هوا پیما به مکه بروند لازم است با هوا پیما به مدینه بروند، و از آنجا^۳ در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جده به قصد رفتن به جحده و در صورت امکان بروند به جحده و از آنجا محرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده^۴ محرم شوند و بهتر آن است

→ به یکی از مواقیت معروفه بروند نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و در هر صورت کفاره زیر سقف رفتن را باید بدھد.

۱. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: می تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد، مانند تونل و پل و زیر درخت از سایه های ثابت.

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: ظاهر این است که معصیت نکرده است ولی برای استظلال اضطراری کفاره باید بدھد.

آیة الله مکارم: معصیتی نکرده است.

۳. آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب.

۴. آیة الله خامنه‌ای: جده نه میقات است و نه محاذی میقات لذا احوط آن است که با نذر از آنجا محرم شود.

آیة الله فاضل: از ادنی الحل محرم شوند.



که در «حده»^۱ هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.

[۲۰۷] م- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید^۲ نیست، بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند. (مناسک محسنی، م ۴۴۴)

[۲۰۸] م- در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق^۳ نیست بین سواره و پیاده. (مناسک محسنی، م ۴۴۵)

[۲۰۹] م- کسانی که کشتی سوار می‌شوند در حال احرام زیر سقف آن نباید

۱. آیة الله مکارم: از حدیبیه.

۲. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.
آیة الله خامنه‌ای: احوط آن است که در شب‌های بارانی و سرد از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند.
(مناسک حج، م ۱۶)

آیة الله خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچکدام از آنها نباشد به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. (مناسک، م ۲۷۰). و در فرض شک در این که آیا مظلله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است. (استفتائات آخر مناسک، چاپ ۲۱، ص ۳۲۵).

آیة الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلویین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.
آیة الله مکارم: جایز است مگر در شب‌های سرد و بارانی که باید کفاره بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلویین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانع ندارد.

۳. آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی: بنابر احتیاط.

آیة الله بهجت: بنابر احتیاط در پیاده. (مناسک، مسئله ۲۶۹).



بروند، لکن در کنار دیوار کشته‌ی که سایه است ظاهراً نشستن جایز است.^۱ (مناسک

محshi، م ۴۴۶)

[۲۱۰] م- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد. (مناسک محshi، م ۴۴۷)

[۲۱۱] م- آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پل هایی که در مسیر واقع شده برود و بناچار محربین از زیر پل ها عبور کنند و یا در محل پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شوند و محربین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد. (مناسک محshi، م ۴۸۲)

[۲۱۲] م- شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.^۲ (مناسک محshi، م ۴۸۳)

[۲۱۳] م- در شب استظلال^۳ نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود^۴ ولی در هوای ابری^۵ در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره^۶ باشد که استظلال صدق نکند. (مناسک محshi، م ۴۸۵)

۱. تفصیل نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۲۰۲ و ۲۰۳ گذشت.

۲. تفصیل این مسأله در مسأله ۲۱۷ می آید.

۳. تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۰۷ گذشت.

۴. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۲۰۷ مراجعه شود.

۵. آیة الله بهجت: حکم هوای ابری را در مناسک متعرض نشده‌اند.

۶. آیة الله بهجت: متعرض این حکم نشده‌اند.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

آیة الله سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب رابه کلی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

- [۲۱۴] م- جایز است از جاهای دور مثل تهران بازدیر محروم شود ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد.^۱ (مناسک محسنی، م ۴۸۶)
- [۲۱۵] م- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست^۲ و فرقی بین اجبار و اختیار نیست^۳ ولی بر عبور از زیر پل هایی که در جاده‌ها هست صادق نیست. (مناسک محسنی، م ۴۸۸)
- [۲۱۶] م- بعد از آنکه محروم به منزل رسید و لو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌توانند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه بروند.^۴ (مناسک محسنی، م ۴۹۰)
- [۲۱۷] م- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنابر احتیاط^۵ واجب. (مناسک محسنی، م ۴۴۸)
-
- آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در جواب استظلال در روز ابری فرموده‌اند: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست. (مناسک فارسی ص ۱۸۴).
- آیة الله مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است.
۱. آیة الله بهجت، آیة الله سیستانی: رجوع شود به حاشیه مسأله ۲۰۲
 ۲. آیات عظام اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.
- آیة الله گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود روز از آن تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند، نروند. (آراء المراجع، ص ۱۷۸).
۳. آیة الله سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.
 ۴. تفصیل این مسأله ذیل مسأله ۲۰۱ گذشت.
۵. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.
- آیة الله فاضل، آیة الله مکارم: بنابر اقوی.



- [۲۱۸] م-اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرارداده باشد.^۱ (مناسک محسنی، م ۴۴۹)
- بیستم- بیرون آوردن خون است از بدن خود.^۲
- [۲۱۹] م- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۴۵۰)
- [۲۲۰] م- جایز نیست^۴ به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همین طور به مسواک^۵ نمودن خون از بن دندان‌ها بیرون آورد. (مناسک محسنی، م ۴۵۱)
- [۲۲۱] م- جایز است در حال احتیاج^۶ خون بگیرد به حجامت وغیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن در
-
۱. آیة الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۷۱).
۲. آیة الله بهجت: به کاری که بداند موجب آن می‌شود زیرا اخراج احتمالی خون محکوم به حرمت نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۸)
- آیة الله سیستانی: به احتیاط واجب.
۳. آیة الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست بنا بر احتیاط واجب.
- آیة الله فاضل: در حال ضرورت حرام نیست.
۴. آیة الله مکارم: در غیر حال احتیاج و ضرورت مکروه است.
۵. آیة الله بهجت، آیة الله خویی: بنابر احتیاط واجب.
- آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گرچه بداند خون خارج می‌شود و کفاره ندارد.
- آیة الله مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط مستحب.
۶. آیة الله خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی. (مناسک، مسأله ۲۷۴)

صورتی که موجب آزار است، اگرچه از آن خون درآید. (مناسک محسنی، م ۴۵۲) [۲۲۲] م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق^۱ نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت. (مناسک محسنی، م ۴۸۷)

[۲۲۳] م - خون از بدن درآوردن کفاره ندارد.^۲ (مناسک محسنی، م ۴۵۳) بیست و یکم - ناخن گرفتن.

[۲۲۴] م - جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود، مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.^۳ (مناسک محسنی، م ۴۵۴)

[۲۲۵] م - جایز نیست ناخن پارا هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد. (مناسک محسنی، م ۴۵۵)

۱. آیة الله بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می‌شود.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیة الله مکارم: مکروه است.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: احوط کفاره گوسفند است.

آیة الله تبریزی: کفاره اش بنابر احتیاط یک گوسفند است.

آیة الله خامنه‌ای: اما مستحب است که یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

آیات عظام خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب کفاره آن یک گوسفند است.

آیة الله فاضل: کفاره ندارد اگر چه بدون عذر باشد.

۳. آیة الله تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد (مناسک، مسأله ۲۸۵).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: وکفاره آن یک مدد طعام است.

[۲۲۶] م- فرقی نیست بین آلات ناخن‌گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن‌گیر، و احتیاط^۱ واجب آن است که از اله ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان. (مناسک محسنی، م ۴۵۶)

[۲۲۷] م- اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط^۲ آن است که ناخن آن رانگیرد اگرچه بعد نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست^۳ زیادی است. (مناسک محسنی، م ۴۵۷)

۱. آیة الله خامنه‌ای: بر محرم حرام است ناخن دست یا پای خود را بگیرد چه تمام آن را بگیرد و چه قسمتی از آن را و چه با قیچی باشد یا با چیز دیگر و تفاوتی ندارد که ناخن را ببرد یا کوتاه کند و یا بکند چه با قیچی یا ناخن‌گیر یا چاقو باشد و یا با وسیله دیگر. (مناسک حج، م ۱۹۹)

آیة الله سیستانی: فرقی نیست ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

آیة الله فاضل: تفاوتی در گرفتن ناخن‌ها با قیچی و ناخن‌گیر و حتی دندان نیست علی الاقوی.

آیة الله مکارم: بنابر اقوی.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: این احتیاط و احتیاط قبلی ترک نشود. آیة الله بهجت: در صورت زیادتی بر ده احوط مدد است برای هر ناخن. (مناسک شیخ، ص ۲۸)

۳. آیة الله تبریزی: گرفتن ناخن انگشت زیادی جایز نیست و گرفتن ناخن از دست زیادی چنانچه معلوم شود آن دست زیادی است، خلاف احتیاط است.

آیة الله خویی، آیة الله گلپایگانی: معرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله سیستانی: گرفتن ناخن زیادی یا ناخن انگشت زیادی جایز نیست.

آیة الله صافی: در هر دو مورد احتیاط ترک نشود.

آیة الله مکارم: فرقی میان انگشت زیادی و غیر آن نیست بنابر احتیاط واجب.

[۲۲۸] م- اگر یک ناخن از دست یا پابگیرد یک مد^۱ طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد، و همچنین در ناخن‌های پا. (مناسک محسنی، م ۴۵۸)

[۲۲۹] م- اگر تمام ناخن دست‌ها و پاهارادر یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است. (مناسک محسنی، م ۴۵۹)

[۲۳۰] م- اگر ناخن دست‌هارا تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاهارا بگیرد دو گوسفند^۲ کفاره آن است. (مناسک محسنی، م ۴۶۰)

[۲۳۱] م- اگر تمام ناخن دست‌ها را بگیرد و ناخن پاهای را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد^۳ طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاهارا بگیرد تماماً و ناخن دست‌های را کمتر از ده بگیرد.^۴ (مناسک محسنی، م ۴۶۱)

[۲۳۲] م- اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد، و همچنین است اگر کمتر از ده در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد.^۵ (مناسک محسنی، م ۴۶۲)

۱. آیة الله مکارم: یک مد طعام حدود ۷۵۰ گرم است.

۲. آیة الله بهجت: کفاره گرفتن ناخن‌های دست در یک مجلس یک گوسفند است و همچنین پا و چنان‌که دست‌ها در یک مجلس و ناخن پاهای را در مجلس دیگر بگیرد کفاره آن دو گوسفند است با تخلّل تکفیر (مناسک، مسأله ۲۷۶).

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۳. آیة الله فاضل: در این فرض کفاره برای پا ثابت نیست.

۴. آیة الله فاضل: در این فرض برای ناخن‌های دست کفاره‌ای ثابت نیست.

۵. آیة الله فاضل: در کفاره دهمماثله لازم نیست. ولذا اگر دهناخن از دست یا پا و ←



[۲۳۳] م- اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب^۱ آن است که برای ناخن زیادی از ده تا کفاره بددهد برای هر یک، یک مد. (مناسک محسنی، م ۴۶۳)

[۲۳۴] م- اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند بددهد، و اگر بعضی از ناخن‌های اصلی را و بعضی از ناخن‌های زیادی^۲ را بگیرد برای ناخن‌های اصلی یک مد بددهد و برای زیادی‌ها احتیاط^۳ مستحب آن است که کفاره بددهد.^۴ (مناسک محسنی، م ۴۶۴)

[۲۳۵] م- اگر تمام ناخن‌های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان

→ یا هر دو تلفیقاً بگیرد باید یک گوسفند کفاره بددهد و در کمتر از آن برای هر ناخن یک مد کفاره بددهد.

آیة الله مکارم: کفاره مد طعام بددهد.

۱. آیات عظام اراکی، مکارم، نوری: این احتیاط واجب است.

آیة الله بهجت: در این مسأله و مسأله بعدی به ذیل مسأله ۲۲۸ مراجعه شود.

آیة الله خوبی: تصريحی به این فرع و فرع ۲۳۳ و ۲۳۵ نکرده‌اند و آنچه در مناسک، مسأله ۲۷۶ آمده این است که کفاره گرفتن ناخن‌های دست در یک مجلس یک گوسفند است و همچنین پا.

۲. آیة الله اراکی: در صورتی که به ده تا نرسد، برای ناخن‌های اصلی یک مد بددهد و برای زیادی هم احتیاطاً یک مد بددهد، و اگر مجموع اصلی و زیادی به ده برسد بنابر احتیاط واجب، گوسفند و ده مد طعام بددهد.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: اگر ده ناخن از ناخن‌هاییش را بگیرد احتیاط واجب این است که یک گوسفند بددهد و تفاوتی بین اینکه همه آن ناخن‌ها اصلی یا بعضی زیادی باشد نیست و اگر کمتر از ده ناخن را بگیرد باید برای هر کدام یک مد بددهد.

۳. آیة الله خوبی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

۴. آیة الله مکارم: کفاره مد طعام بددهد.

مجلس ناخن‌های پا را تماماً گرفت باید یک گوسفند دیگر کفاره^۱ بدهد. (مناسک

محشی، م ۴۶۵)

[۲۳۶] م- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هریک، یک مد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب^۲ آن است که یک گوسفند ذبح کند.

(مناسک محشی، م ۴۶۶)

[۲۳۷] م- اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب^۳ آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.^۴ (مناسک محشی، م ۴۶۷)

بیست و دوم - کندن دندان. (مناسک محشی، م ۴۶۸)

[۲۳۸] م- کندن دندان حرام است هر چند خون نیاید بنابر احتیاط^۵، و احتیاط

۱. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: بنابر احتیاط.

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: بنابر احتیاط واجب.

آیة الله خویی: متعرض این مسأله نشده است.

آیة الله فاضل: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: در صورتی که بقاء ناخن ضرر نداشته باشد مثل اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیة الله سیستانی: باید کفاره بدهد.

۴. آیة الله فاضل: و می تواند برای هر ناخن یک کف از طعام کفاره بدهد.

۵. آیة الله بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد. (مناسک، مسأله ۳۷۸)

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: جمیع از فقهان نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته‌اند، ولی دلیلش تأمیل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.^۱ (مناسک محسنی، م ۴۶۸)

بیست و سوم - کندن^۲ درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.^۳

[۲۳۹] م - اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده شده باشد بعد از آنکه منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.^۴ (مناسک محسنی، م ۴۶۹)

→ آیة الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان اگر موجب بیرون آمدن خون می‌شود جز در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند. (مناسک حج، م ۲۰۵)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هرچند خون نماید.

آیة الله فاضل: کندن دندان حرام است در صورتی که خون باید و در غیر این صورت مستحب است ترک آن. و کفاره آن یک گوسفند در صورت خون آمدن.

آیة الله مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

۱. آیة الله خامنه‌ای: بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

۲. آیات عظام اراکی، سیستانی، فاضل، نوری: و بریدن آن.

آیة الله خامنه‌ای: قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان و روییده در حرم برای محرم و غیر محرم حرام است. (مناسک حج، م ۲۱۵)

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: این مسئله از محرمات احرام نیست بلکه بر همه کس حرام است چنانچه خواهد آمد.

۳. آیة الله سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

۴. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: و یا قطع کند.

آیة الله سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد می‌تواند قطع کند هر چند در ملک دیگری باشد.

[۲۴۰] م - اگر درختی در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط^۱ آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است. (مناسک محسنی، م ۴۷۰)

[۲۴۱] م - اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب^۲ آن است که آن را قطع نکند. (مناسک محسنی، م ۴۷۱)

[۲۴۲] م - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است باید آن را قطع کند.^۳ (مناسک محسنی، م ۴۷۲)

[۲۴۳] م - درخت های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند^۴ آنها را قطع کند، و در گیاهان «اذخر» که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۷۳)

۱. آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی، کلپایکانی: مانعی ندارد کنند درخت و گیاه در این صورت.

آیة الله بهجت: کنند و بریدن این گونه درخت ها اشکال ندارد. (مناسک، م ۲۸۳).

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان وجود ندارد.

۲. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: اقوی جواز قطع آن است.

آیة الله بهجت: نظر ایشان در حاشیه مسأله قبل گذشت.

آیات عظام خویی، فاضل، مکارم: این احتیاط واجب نیست بلکه مستحب است.

آیة الله سیستانی: قطع آنها اشکال ندارد.

۳. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: منزلی که در آن سکونت کرده و لو نخریده باشد.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا در آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

۴. آیة الله فاضل: میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر می‌گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آنها را باید قطع کند.

آیة الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

[۲۴۴] م- اگر درختی را که جایز نیست کند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند.^۱ (مناسک محشی، م ۴۷۴)

[۲۴۵] م- اگر بعض درخت را قطع کند ^۲ اقوی ^۳ آن است که قیمت آن را کفاره بدهد. (مناسک محشی، م ۴۷۵)

[۲۴۶] م- در قطع گیاهان کفاره نیست به جز استغفار.^۴ (مناسک محشی، م ۴۷۶)

[۲۴۷] م- آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به حرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است. (مناسک محشی، م ۴۷۸)

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر درختی را که بریدن آن حرام است ببرد، بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۱۷)

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط کفاره کندن هر درختی قیمت همان درخت و کفاره قطع آن قیمت همان مقداری است که قطع کرده است و در کندن و قطع گیاه کفاره نیست.

آیة الله صافی: و ظاهر آنست که اگر گاو یا گوسفند را به قصد مافی الذمّه از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

آیة الله مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

۲. آیة الله صافی: و ظاهر آنست که اگر گاو یا گوسفند را به قصد مافی الذمّه از عین آنها یا قیمت درخت بدهد و قیمت درخت بیشتر نباشد کافی است.

آیة الله مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

۳. آیة الله بهجت: به ذیل مسأله قبلی مراجعه شود.

آیة الله سیستانی: بلکه احوط است.

۴. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفاره ندارد.

[۲۴۸] م - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود

اشکالی ندارد. (مناسک محسنی، م ۴۷۹)

بیست و چهارم - سلاح در برداشتن.

[۲۴۹] م - حرام است سلاح در برداشتن بنابر احوط^۱ مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد^۲ مگر برای ضرورت، و مکروه است

۱. آیة الله اراکی، آیة الله بهجت: برداشتن سلاح بر مُحرم حرام است. (برداشتن اعم از پوشیدن و حمل کردن است).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: حمل سلاح بر مُحرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنابر احتیاط یک گوسفند است، آیة الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد مُحرم اگر حملش نکند مانع ندارد هر چند احوط ترک آن است.

آیة الله خامنه‌ای: حمل سلاح برای مُحرم جایز نیست (ولی) اگر برای حفظ جان خود و دیگران نیاز به حمل سلاح داشته باشد، حمل آن جایز است. (مناسک حج، م ۲۱۸ و ۲۱۹)

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

آیة الله مکارم: بنابر اقوی.

۲. آیة الله سیستانی: ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع مانند زره و سپر اشکال ندارد.

. آیات عظام اراکی، صافی، فاضل، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که سلاح را حمل نکند.

آیة الله فاضل: همراه داشتن سلاح اگر بگونه‌ای باشد که عرفاً مسلح به حساب بیاید حرام است و اگر مسلح بودن صدق نکند اشکال ندارد و دلیلی هم بر کراحت آن قائم نشده.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط حمل آن هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست. ولی بودن سلاح نزد مُحرم و حمل آن اگر به طوری باشد که او را مسلح ندانند اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است. (مناسک، مسأله ۲۷۷ و ۲۷۸).

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط مستحب.

سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر^۱ باشد و احوط ترک آن است. (مناسک محسنی، م ۴۸۰)

استفتائات محرمات احرام

[۲۵۰] س- آیا کشتن مارمولک وازاین قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۱)

ج- از محرمات احرام محسوب نیست.^۲

[۲۵۱] س- آیا شوهر پس از محل شدن می تواند زوجه محروم خود را از روی التذاذ دست بزند؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۳)

ج- بر مرد مزبور معنی نیست، ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الاحوط.^۳

۱. آیة الله مکارم: خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

۲. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط از محرمات محسوب می شود.
آیة الله بهجت: اشکال دارد.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: جایز نیست مگر او را اذیت کند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۱).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: کشن یک نوع مارمولک (عظایه) کفاره آن یک مشت طعام است.

آیة الله سیستانی: حرام است.

آیة الله صافی: اگر اذیت کند از محرمات محسوب نیست.

آیة الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله مکارم: کشن هیچ حیوانی جایز نیست بنابر احتیاط واجب مگر حیوانات موزی.

۳. آیة الله بهجت: اگر زن احتمال می دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.
آیة الله سیستانی: در این صورت تمکین زن حرام است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بل الاقوی.

آیة الله فاضل: حرمت در زن محل اشکال است هر چند لذت می برد.

[۲۵۲] س - فردی که از احرام درآمده، زنش را که محرم است می بوسد
گرچه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟
(مناسک محسنی، م ۴۹۴)

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب
نشده است.^۱

[۲۵۳] س - صابون و بعضی از شامپوهای که بویی دارد، آیا می شود برای بدن
استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست. (مناسک محسنی، م ۴۹۵)
ج - اگر صدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند^۲ و در غیر این

۱. آیة الله بهجت: اگر زن می داند که متلذذ می شود باید مانع شود، بنابر احتیاط باید
مرد یک گوسفند کفاره بدهد (پرسش های جدید حج، س ۵۱).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: هرگاه شخص بعد از طواف نسae زن خود را که در حال
احتواست ببوسد، باید لخطبی ایام گوسفند بکشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷).
آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفاره بدهد.
(مناسک، مسأله ۲۲۷).

آیة الله فاضل: تحقق حرمت بر هیچ کدام ثابت نیست و کفاره هم بر هیچ یک از آنها
لازم نیست.

آیة الله گلپایگانی: متعرض مسأله نشده اند.

۲. آیة الله بهجت، آیة الله خویی: بنابر احتیاط (مستفاد از مسأله ۲۳۷ مناسک).
آیة الله خامنه‌ای: استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط
جازیز نیست. (مناسک حج، م ۱۶۸)

آیة الله سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنهاست در صورتی که بوی
خوش داشته باشند.

آیة الله فاضل: چنانچه از انواع طیبهای محرم «از قبیل مشک و زعفران و کافور و
عود و عنبر» در آن به کار رفته باشد استفاده از آن جایز نیست و در غیر این صورت
احتیاط واجب در ترک است.



صورت مانع ندارد.^۱

[۲۵۴] س - حمل قممه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، برای
محرم چه صورت دارد؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۶)
ج - احتیاط آن است که آن را به دوش^۲ نیندازد، و دست گرفتن آن مانع
ندارد.^۳

[۲۵۵] س - در مورد نظر کردن در آیینه، گاهی نگاه می کند که خود را بیند، و
گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محروم فرق
می کند و یا یکسان است؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۷)
ج - احوط، اجتناب است^۴ در همه موارد ذکر شده در سؤال.^۵

۱. آیة الله مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانع ندارد.

۲. آیة الله بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لباس نکند اشکال ندارد.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: مانع ندارد.

آیة الله فاضل: حکم همیان دارد.

آیة الله مکارم: حمل کیفها و ساکهای دوخته هر چند به شانه و گردن بیندازد
مانع ندارد.

۳. آیة الله خامنه‌ای: پوشیدن چیز دوخته که به آن لباس گفته نمی شود مانند
کمپرند و همیان و بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۳۱)

۴. آیة الله بهجت، آیة الله خامنه‌ای: نگاه کردن محروم در آیینه اگر برای زینت باشد
حرام است و گرنه حرام نیست (مناسک، مسأله ۲۴۷؛ مناسک حج آیة الله
خامنه‌ای، م ۱۷۴).

آیة الله مکارم: تنها در موردی اشکال دارد که برای تزیین و اصلاح سر و وضع
خودش در آینه نگاه کند.

۵. مراجعه شود به مسأله فرع هشتم از محرمات احرام.
آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: در صورتی که ضرورتی نباشد.

[۲۵۶] س- در حال احرام عده‌ای از هم‌دیگر عکس می‌گیرند، و در دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه مانندی دارد نظر می‌کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۸)

ج- اگر معلوم نیست^۱ که در آینه نظر می‌شود، اشکال ندارد.

[۲۵۷] س- آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگند‌های روز مرد روز مردم کوچه و بازار؟ (مناسک محسنی، م ۴۹۹)

ج- قسم به غیر خدا^۲ از محرمات احرام نیست.

[۲۵۸] س- بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا محرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۵۰۰)

ج- نمی‌تواند^۳ مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر

۱. آیة الله بهجهت: چون برای تزیین نیست اشکال ندارد (مناسک، مسئله ۲۴۷). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بر فرض آینه بودن، و نظر کردن به آن چون غرض غیر زینت است، مانع ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلمبرداری اشکال ندارد. (مناسک حج، دست نویس، م ۱۱۲)

آیة الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

آیة الله مکارم: اشکال ندارد.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: و اسماء الہی.

آیة الله بهجهت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحق است و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد آن است.

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: کفاره روغنمایی از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

آیة الله سیستانی: اگر بوی خوشی نداشته باشد برای معالجه اشکال ندارد و اگر داشته باشد در صورت ضرورت جایز است. در مورد کفاره به حاشیه م ۱۶۳ مراجعه شود.

آیة الله مکارم: مالیدن انواع پمادها در حالت ضرورت و معالجه مانع ندارد.



مورد ضرورت^۱ مگر آنکه بُوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.^۲

[۲۵۹] س - در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟ (مناسک محشی، م ۵۰۱)

ج - فرق نمی‌کند^۳ بشرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.^۴

[۲۶۰] س - اگر غیر محرم از محرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟ (مناسک محشی، م ۵۰۲)

ج - اگر محرم به اختیار خود^۵ حاضر شود که مثلاً مُحلّ سراو را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر مُحلّ مزبور.

[۲۶۱] س - محرم سرش تراست^۶، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه اش تیم است؟ (مناسک محشی، م ۵۰۳)

۱. آیة الله مکارم: در غیر مورد ضرورت کفاره آن احتیاطاً یک گوسفند است.

۲. آیة الله خامنه‌ای: اگر بُوی خوش داشته باشد بنابر احتیاط مستحب کفاره آن گوسفند است.

۳. آیة الله بهجت: به ذیل مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیة الله مکارم: یعنی میان سر و صورت فرقی نیست.

۴. آیة الله سیستانی: و بی هدف.

۵. آیة الله فاضل: نسبت به محل مطلقاً کفاره‌ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی اختیار بوده و یا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیباً محرز نباشد کفاره ندارد.

۶. آیة الله مکارم: با حوله خشک کند مانعی ندارد.

ج - اگر نمی‌تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این^۱ حال و تیم است.^۲

[س] ۲۶۲] س - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محروم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟ (مناسک محسنی، ۵۰۴)

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد.^۳

[س] ۲۶۳] س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام^۴، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می‌شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تالب‌ها پوشاند مانعی ندارد؟ (مناسک محسنی، ۵۰۵)

۱. آیة الله بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار به تدریج انجام گیرد. (پرسش‌های جدید حج، س، ۴۹، ص ۱۱) آیة الله خامنه‌ای: می‌تواند قسمت جلو سر را تدریجاً خشک کند به‌طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد.

۲. مراجعه شود به مسئله ۱۸۵.

آیة الله تبریزی: با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمای مسح خشک کند.

آیة الله سیستانی: اگر چاره ندارد می‌تواند با کنار حوله به مقدار مسح سرش را خشک کند.

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله خوبی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهرًا کفاره ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیة الله سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد. (ملحق مناسک).

۴. آیة الله خامنه‌ای: تفصیل مسئله حرمت پوشیدن رو ذیل مسئله ۱۹۲ گذشت.



ج - زیرچانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.^۱

[۲۶۴] س - آیازن محرم می تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بپوشاند؟ (مناسک محسنی، م ۵۰۶)
ج - احتیاط، مراعات شود.^۲

[۲۶۵] س - زن ها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مفぬه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟ (مناسک محسنی، م ۵۰۷)
ج - باید سعی کنند پوشیده نشود^۳، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

[۲۶۶] س - کسی که از تنعیم محرم می شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۵۰۹)

۱. آیة الله بهجت: جزء صورت است که باید پوشانده شود و بعض صورت نیز در حکم تمام آن است ولی دست گذاشتن روی صورت مانع ندارد. (پرسش های جدید حج، ص ۱۲، سؤال ۵۰).

آیة الله مکارم: اشکال ندارد.

۲. آیة الله بهجت: اگر تدریجی باشد مانع ندارد (مستفاد از پاسخ سؤال ۴۹ پرسش های حج).

آیة الله خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد. (استفتائات دستخط معظم له، ش ۳۴)

آیة الله خویی، آیة الله فاضل: جایز نیست.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: به نحوی که صورت پوشیده نمی شود خشک کند.

آیة الله مکارم: پاک کردن صورت با حوله مانع ندارد.

۳. آیة الله مکارم: این مقدار مانع ندارد.

ج - چون تعییم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سوال مانع ندارد.^۱

[۲۶۷] س - میقات عمره مفردہ در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در اینجا برای عمره مفردہ احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۰)

ج - در فرض مذکور مانع ندارد.^۲

[۲۶۸] س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۱)

ج - برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین،

۱. آیة الله بهجت: به احتیاط واجب تظليل جایز نیست. (استفتائات ویژه حج، س ۸).
آیة الله تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تعییم و در حرکت از آنجا تا مسجد الحرام یا محل اقامت است.

آیة الله خامنه‌ای: احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه‌های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۵۸)

آیة الله خویی: بنابر احتیاط استظلال نکند تا دخول مکه متیقّن سابق. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷).

آیة الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سوال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود. (مناسک، مسائله ۳۷۱).

۲. در مسألة قبل گذشت.



استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است.^۱

[۲۶۹] س - در حال احرام وقتی ماشین‌های بی سقف حرکت می‌کند و سفر انجام می‌شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۲)

ج - مانع ندارد.

[۲۷۰] س - آیا استظلال^۲، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می‌شود؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۵)

ج - فرق نمی‌کند.^۳

[۲۷۱] س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می‌باشد یا اگر سایه فقط بر شانه یافتد استظلال صدق می‌کند؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۶)

ج - صدق نمی‌کند.^۴

[۲۷۲] س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می‌باشد یا شامل سایه حاصل

۱. مراجعة به مسأله ۲۱۶ و ۲۱۷ شود.

آیة الله تبریزی: در فرض مزبور بنا بر احتیاط برای استظلال در شب باید کفاره بدھند.

آیة الله مکارم: در این صورت کفاره‌ای لازم نیست.

۲. آیة الله نوری: گفته شد که میزان استظلال نیست.

۳. آیة الله بهجت: احوط این استکه زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود (مناسک، مسأله ۲۶۹).

آیة الله مکارم: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانع ندارد.

۴. آیة الله تبریزی: صدق می‌کند.



از دیوار ماشین هم می شود؟ (مناسک محسنی، م ۵۱۷)

ج - شامل نمی شود.^۱

[۲۷۳] س - آیا محروم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بايستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟ (مناسک محسنی، م ۵۲۰)

ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.^۲

[۲۷۴] س - آیا محروم می تواند ناخن محروم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۵۲۳)

ج - اشکال ندارد.*^۳

[۲۷۵] س - کندن دندان که بر محروم حرام است^۴ مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟ (مناسک محسنی، م ۵۲۴)

ج - شامل دندان غیر نمی شود، هرچند خون از آن ببرون آید.

[۲۷۶] س - آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر

۱. به مسأله ۲۰۳ مراجعه شود.

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: چنان که در مسأله ۲۰۱ گذشت بعد از رسیدن به مکه هم بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند مثل اینکه چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود بلی رفتن زیر سایه ثابت مانع ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۲۰۱ مراجعه شود.

آیة الله خویی: به حاشیه مسأله ۲۰۱ مراجعه شود.

*. یادآوری می شود: ازاله مو از دیگری حرام است.

۳. آیة الله سیستانی: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

۴. آیة الله سیستانی: مراجعه شود به مسأله ۲۳۸

آیة الله مکارم: در فرض خونریزی مکروه است.

سفرارش می کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟ (مناسک

محشی، م ۵۲۵)

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط.^۱

[۲۷۷] س - هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته پوشاند آیا یک کفاره باید

بدهد یا دو کفاره؟ (مناسک محشی، م ۵۲۶)

ج - باید دو کفاره بدهد^۲ مگر در صورت جهل و نسیان.

[۲۷۸] س - در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور

بدهد، مثلاً نباید به کسی بگویید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من

۱. مراجعه شود به بیست و دوم از محرمات احرام (کندن دندان).

آیة الله بهجت: متعرض کفاره آن نشده‌اند (مناسک، مسأله ۲۷۸).

آیة الله تبریزی: کشیدن دندان اگر خون در نماید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد. و در صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیة الله سیستانی: کفاره لازم نیست.

آیة الله فاضل: کفاره ندارد.

آیة الله مکارم: مطلقاً مانع ندارد و کفاره هم ندارد.

۲. آیة الله بهجت: احتیاطاً. (مناسک، س ۵۸)

آیة الله تبریزی: یک کفاره کافی است.

آیة الله خویی: حرمت لبس این گونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفاره است.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در صورتی که چیزی که پوشیدن آن حرام است را پوشد مثل عمامه و کلاه ولی اگر مثلاً پیراهن خود را بر سر بگذارد بیش از یک کفاره لازم نیست.

آیة الله مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد ولی کلاه دوخته و مانند آن بنابر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟ (مناسک

محshi، م ۵۲۷)

ج - اشکال ندارد.

مستحبات دخول حرم^۱

[۲۷۹] م - برای داخل شدن حرم خدا چند چیز مستحب است: (مناسک

محshi، م ۵۲۸)

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲. از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا بر هنر شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ؛ وَأَذْنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجَّ يَأْتُوكَ رِجَالًاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٌّ عَمِيقٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمْنَ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقْقَةٍ بَعِيدَةٍ وَفَحْ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذِلِّكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكِ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَقْتَنِي لَهُ أَبْتَغَيْ بِذَلِكَ الرُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمُنْزَلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالْتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرَّمٍ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴. وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

۱. آیة الله مکارم: به قصد رجاء انجام دهد.

مستحبات دخول مکهٔ معظمہ

[۲۸۰] م- برای دخول مکهٔ معظمہ نیز مستحب است مکلف غسل بنماید. و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید. (مناسک محسنی، م ۵۲۹)

آداب دخول مسجدالحرام

[۲۸۱] م- مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل بنماید^۱ و همچنین مستحب است با پای بر هنر و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبہ» وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبہ در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد. (مناسک محسنی، م ۵۳۰)

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

۱. آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر اینکه برای طوف باشد.

وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّهِ الصَّالِحِينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدًا كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَعَلَىٰ أَنْبِيائِكَ وَرَسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَاتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحَفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ شَاءَ وَجَهَكَ، الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفِدِهِ وَزُوْرِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرْ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيْهُ اللّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقُّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللّهُ يَا رَحْمَنُ يَا نَّبِيًّا أَنْتَ اللّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدُوكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا نَّبِيًّا وَاحِدُ أَحَدُ صَمَدُ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوْلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُواً أَحَدُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا ماجِدُ يَا جَبَارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْقِنَكَ إِيَّاِيَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَائِ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می‌گوید:

«اللّهُمَّ فُكَّ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می‌گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَالَلِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَا أَغْنِي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس^۱ داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

«اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبِلَ تَوْبَتِي وَأَنْ

۱. آیه الله سیستانی: این فراز از دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

تَتَجَاوِزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وِزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ
أَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا يَبْيَثُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارِكًا
وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلْدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ حِثْتُ أَطْلُبُ
رَحْمَتَكَ وَأَوْمُمْ طَاعَتَكَ مُطْيِعاً لِأَمْرِكَ راضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسَأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ
الْخَائِفِ لِعَقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ
وَمَرْضَاتِكَ».

بعد ۱ خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:
 «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكِ وَشَرَفَكِ وَكَرَّمَكِ وَجَعَلَكِ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا
مُبَارِكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:
 «أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
أَمَّنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالْطَّاغُوتِ وَاللَّالَاتِ وَالْعَزَى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ
وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:
 «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى
وَأَحَذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ
وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى
جَمِيع النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَوْمَنْ بِوَعْدِكَ

۱. آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: این فراز از دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

وَأَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد شده است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تورا قبول کند پس از آن حجر را بوسیده واستلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيشَاقِي تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوافَافَةِ اللَّهُمَّ تَصْدِيقًا بِكِتابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْرِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّالَاتِ وَالْعَزَّى وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمتُ رَغْبَتِي فَاقْبِلْ سُبْحَانَكَ وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِرْزِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

طواف

کسی که محروم شد به احرام عمره مفرد و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره مفرد. (مناسک محسنی، ابتدای فصل چهارم)

[۲۸۲] م- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است. (مناسک محسنی، م ۵۳۱)

[۲۸۳] م- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند اعمال مترتبه باطل است و بر احرام باقی است تا طواف و بقیه اعمال را به جا آورد. چه عالم به مسئله باشد و چه جا هل باشد. ^۱ (مناسک محسنی، م ۵۳۲)

[۲۸۴] م- اگر از روی سهو ترک کرده طواف را ^۲ لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد ^۳، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت

۱. آیة الله بهجت: وجوب ذبح یک شتر مطلقاً حتی در حال علم و عمد، موافق احتیاط است. (مناسک حج، ص ۳۵۱)

۲. آیة الله سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده است.

۳. آیة الله فاضل: و سعی را نیز بنابر احتیاط اعاده کند.



داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.^۱ (مناسک محسنی،

۵۳۵ م

[۲۸۵] م- اگر سعی را به جا آورده پیش از آنکه طواف^۲ را به جا آورده احتیاط

واجب^۳ آن است که سعی را هم به جا آورده، و اگر نماز طواف را به جا آورده باید

آن را هم بعد از طواف اعاده کند. (مناسک محسنی، م ۵۳۶)

[۲۸۶] م- اگر شخص محرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که

طواف کند و نتواند تا وقت تمکن در مکه بماند، اگر ممکن است خود او را به

یک نحو ببرند و طواف دهند^۴ اگرچه بدوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود باید تا وقت نگذشته قضا کند.

آیة الله سیستانی: اکتفا به نیابت در عمره مفردہ محل اشکال است.

آیة الله مکارم: و در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

۲. آیة الله بهجت: نماز طواف را متذکر نشده‌اند.

۳. آیة الله خامنه‌ای، آیة الله سیستانی: باید سعی را اعاده نماید.

آیة الله فاضل: بنابر اقوای سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

آیة الله مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

۴. آیات عظام اراکی، صافی، گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود. (مناسک، مسأله ۳۲۰).

آیة الله فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.

آیة الله مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.

اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.^۱ (مناسک محسی، م ۵۳۷)

[۲۸۷] م- شخص مريض را که طواف می دهند باید مراعات شريوط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند. (مناسک محسی، م ۵۳۸)

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول - نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.^۲

[۲۸۸] م- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده. (مناسک محسی، م ۵۳۹)

۱. آیة الله سیستانی: در اکتفا به طواف نایب در عمره مفرده در این فرض مطلبی از ایشان در دست نیست.

۲. نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام می دهم برای عمره مفرده.

آیة الله خامنه‌ای: در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره مفرده است یا طواف عمره تمنع و همچنین تعیین کند که طواف حجۃ‌الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبابی و در صورتی که طواف را به نیابت از دیگری به جا آورد آن را نیز قصد کند. (مناسک حج، م ۲۴۱)

آیة الله مکارم: برای عمره یا حج و غیر آن.



[۲۸۹] م- باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۴۰)

[۲۹۰] م- اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره که عبادی است ریا کند یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد طواف او و همین طور هرچه را اینطور به جا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است. (مناسک محسنی، م ۵۴۱)

[۲۹۱] م- ریای بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود. (مناسک محسنی، م ۵۴۲)

[۲۹۲] م- کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل آنکه برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.^۲ (مناسک محسنی، م ۵۴۳)

[۲۹۳] م- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است. (مناسک محسنی، م ۵۴۴)
دوم- آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد.

[۲۹۴] م- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف نساء، حتی در عمره مستحب^۳ که پس از احرام بستن

۱. آیة الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود خواه اطاعت صدق کند یا نکند.

۲. آیة الله سیستانی: در فرض صدق معیار مذکور در حاشیه پیشین.

۳. آیة الله مکارم: یعنی در طواف عمره و حج مستحب، طهارت لازم است.

واجب است آن را تمام کند. (مناسک محسنی، م ۵۴۵)

[۲۹۵] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست،
لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی
اگر غلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۴۶)

[۲۹۶] م - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب
است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب^۲ است. و در این طواف
طهارت شرط نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۵۴۷)

[۲۹۷] م - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف^۴ کند باطل است،
چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد. (مناسک
محسنی، م ۵۴۸)

[۲۹۸] م - اگر در اثنای طواف حدث^۵ عارض شود پس اگر پس از تمام شدن
دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که

۱. آیة الله خامنه‌ای: در طواف مستحب لازم نیست و ضو بگیرد، ولی بنابر احتیاط
واجب طواف در حال جنابت یا حیض یا نفاس صحیح نیست. (مناسک حج،
م ۲۴۵)

آیة الله سیستانی: در طواف مستحب طهارت از حدث اصغر شرط نیست و بنابر
مشهور طهارت از حدث اکبر شرط نیست.

آیة الله فاضل: یا جهلاً.
۲. آیة الله مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیّت برای طواف واجب، طواف
مستحب را ترک کنند.

۳. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۴. آیات عظام اراکی خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: واجب.

۵. آیة الله فاضل: اصغر.

طواف را قطع کرده تمام کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۴۹)

۱. آیة الله اراکی: اگر بعد از تجاوز از نصف بوده طواف را قطع می‌کند. آیة الله بهجت: آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است بلکه باید طواف را از سر بگیرد. (مناسک، مسأله ۲۸۸).

آیة الله تبریزی: اگر حدث قبل از بلوغ نصف ولو از روی عمد نباشد طواف باطل است و در غیر این صورت احتیاط واجب این است که آن را اتمام کرده، سپس اعاده نماید و می‌تواند یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد. آیة الله خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم -قبل از پایان آن و یا بعد از آن- عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر مولات طرفیه به هم خورده طواف را تکمیل کند و اگر مولات به هم خورده بنابر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد و می‌تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می‌تواند طواف قبلی را رها نموده و از نو طواف کند. (مناسک حج، م ۲۴۶)

آیة الله خویی: اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده‌اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد.

۲۹۹] م-اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم^۱، حدث عارض

→ آیة الله سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همان جا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید. (مناسک، مسأله ۲۸۵).

آیة الله فاضل: اگر در بین طواف واجب حدث عارض شود می‌تواند طواف را رها کند و پس از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد و اگر بخواهد احتیاط کند مسأله چهار صورت دارد:

اول) حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد در این صورت طواف باطل می‌شود که باید بعد از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد خواه محدث شدن با اختیار باشد یا بدون اختیار.

دوم) پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد که در این صورت پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار.

سوم) بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاراً خود را محدث کند که در این صورت نیز مثل صورت دوم عمل کند.

چهارم) پس از تمام شدن دور چهارم بی اختیار محدث شود در این صورت پس از تحصیل طهارت طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند و صحیح است و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

۱. آیة الله اراکی، آیة الله بهجت: اگر پیش از تمام شدن نصف طواف حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود. (ص ۱۱۸).

آیة الله خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی ←



شود احتیاط واجب^۱ آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است.^۲ (مناسک محشی، م ۵۵۰)

[۳۰۰] م-اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت^۳ یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم^۴ بود

→ که بعد از نصف دور چهارم قبل از پایان آن و یا بعد از آن عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر موالات عرفیه به هم نخورده طواف را تکمیل و اگر موالات به هم خورده بنابر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد و می‌تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می‌تواند طواف قبلی را رها نموده و از نو طواف کند. (مناسک حج، م ۲۴۶)

آیة الله سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را دوباره انجام دهد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از سر بگیرد. و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به ۴ شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف بانمازهای آن ترک نشود.

آیة الله فاضل: وظیفه همان است که در مسأله قبل بیان شد.

۱. آیة الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است و اتمام طواف سابق لازم نیست.

۲. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

نظری که از آیة الله سیستانی در این دو مسأله نقل شده اختصاص به حدث اصغر ندارد.

۳. نظر آیات عظام در دو مسأله قبل گذشت که فرقی بین حدث اصغر و جنابت نگذاشته‌اند.

۴. آیة الله بهجت: نظر ایشان عیناً مانند نظر آیة الله خوبی است با این تفاوت که ایشان فرموده‌اند: احوط در این دو صورت قبل از نصف و یا بعد از آن... (مناسک، مسأله ۲۹۴).

پس از غسل طواف را اعاده کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۵۱)

[۳۰] م اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل^۲، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.^۳ (مناسک محسنی، م ۵۵۲)

→ آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام به جا آورد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر در بین طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و بعد از غسل طبق تفصیلی که در حاشیه مسئله ۵۴۹ گذشت عمل شود. (مناسک حج، م ۲۴۷)

آیة الله سیستانی: اگر زن در حال احرام حین انجام طواف حائض شود، پس اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد و اگر کاروان منتظر او نمی‌مانند تا پس از پاکی اعمال خود را شخصاً انجام دهد می‌تواند برای طواف و نماز طواف نایاب بگیرد سپس خود سعی و تقصیر را انجام دهد و برای طواف نسا و نمازش نایاب بگیرد و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل به جا آورد.

آیة الله فاضل: اگر در بین طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و طبق تفصیلی که در حاشیه مسئله ۲۹۷ گذشت عمل شود.

۱. آیة الله خامنه‌ای: اگر پیش از اتمام نصف دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند و اگر بعد از آن بود باز هم اعاده بعد از غسل لازم است لکن به نیت مافی الذمه.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: وقت طواف تنگ شود

آیة الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود.

۳. آیة الله تبریزی: در صورت معدور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند، و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در غسل غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از ←

[۳۰۲] م- اگر تیم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیم بدل از غسل هم بکند.^۱ (مناسک محشی، م ۵۵۳)

[۳۰۳] م- احتیاط واجب^۲ آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا

→ غسل در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد، و گرنه باید یک تیم دیگر به جای وضو به جا آورد. و جنب متیم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷۶).

۱. آیة الله بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیم بدل از آن و تیم بدل از حدث اکبر است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۹)

آیة الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت تیم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیم و وضو جمع کند، و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد، و اگر ممکن از وضو هم نبود باید تیم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیم بدل از غسل کند. (اجوبة الاستفتائات، س ۲۰۱)

آیة الله خویی: لازم است تیم بدل از غسل بکند. (منهاج، مسأله ۳۸۱).

۲. آیة الله بهجت: افضل و احوط تأخیر است، ولی اظهرا جواز مبادت است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۶)

آیة الله خامنه‌ای: اگر می‌داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می‌شود، باید صبر کند. (مناسک حج، م ۲۴۹)

آیة الله خویی: اگر احتمال بقاء عذر تا آخر وقت می‌دهد می‌تواند صبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبود آب باشد باید فحص کند به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که امیدش قطع شود یا بیش از آن نتواند در مکه

بماند. (مناسک محسنی، م ۵۵۴)

[۳۰۴] م- اگر باوضوبوده و شک کند که حدث عارض شده است یانه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاکی

بوده و شک کند که حدث عارض شده. (مناسک محسنی، م ۵۵۵)

[۳۰۵] م- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یانه یا غسل کرده یانه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

(مناسک محسنی، م ۵۵۶)

[۳۰۶] م- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که باوضو آن را به جا آورده یانه یا شک کند با غسل آن را به جا آورد^۱ یانه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند. (مناسک محسنی، م ۵۵۷)

[۳۰۷] م- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یانه^۲ پس اگر بعد از

- آیة الله سیستانی: اگر وقت تنگ نباشد به تیمم جایزنیست، مگر اینکه از برطرف شدن عذر مأیوس یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمم نیز عاجز شود.
- آیة الله کلپایکانی: با علم به برطرف شدن عذر انتظار واجب است و در غیر این صورت تأخیر بنابر احتیاط مستحب است. (وسیلة التجاه، احکام التیم)
۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف غسل کرده یانه باید غسل کرده و طواف را اعاده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد. (منهاج الصالحین ج ۱، مسئله ۲۰۹).
 ۲. آیة الله اراکی: اگر بعد از نصف دور چهارم باشد طواف را رها و وضو بگیرد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از نصف دور چهارم باشد. اتمام لازم نیست، بلکه اعاده لازم است.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد.

تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همانجا تتمه طواف را به جا آورد^۱، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است^۲ احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند^۳ و اعاده کند. (مناسک محسنی، م ۵۵۸)

[۳۰۸] م- در تمام صورت‌هایی که در شک گفته شد که بنابر طهارت بگزارد یا طوافش صحیح است بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءً غسل به جا

→ آیة الله خامنه‌ای: اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند والا واجب است طهارت گرفته و طواف از سر بگیرد و فرقی بین تمام شدن چهار دور و قبل از آن نیست. (مناسک حج، م ۲۵۳، ش ۷)

آیة الله سیستانی: و سابقه طهارت نداشته باشد.

آیة الله فاضل: اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر مسأله سه صورت دارد: اول) حالت سابق خود را بداند که ظاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعاده طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن؛ دوم) حالت سابق خود را می‌داند که محدث بوده، در این فرض ظاهرًا در مقدار طوافی که انجام داده محکوم به بطلان است چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن و باید بعد از وضواز نو طواف کند؛ سوم) حالت سابق خود را نداند که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سر بگیرد، چه قبل از تمام شدن چهار دور باشد یا بعد از آن. (مناسک فارسی، ص ۶۲. مسأله ۹۳).

آیة الله مکارم: و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند.

۱. آیة الله مکارم: و سپس اعاده کند.

۲. آیة الله مکارم: طواف او باطل است.

۳. آیة الله سیستانی: اتمام لازم نیست بلکه اعاده کند.

آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود. (مناسک محشی، م ۵۵۹)

[۳۰۹] م-اگر در اثنای طواف شک کند که از جنابت یا حیض یا نفاس غسل کرده است یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود^۱، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد، و الا بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.^۲

(مناسک محشی، م ۵۶۰)

[۳۱۰] م-اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد^۳ حکم آن حکم غیر ممکن از طواف است، پس با مأیوس بودن از پیداشدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد.^۴ و احتیاط وجوبی^۵ آن است که اگر جنب و حائض و نفاسه

۱. آیة الله بهجت: اگر ممکن است تطهیر می‌نماید و سپس اعاده می‌کند.

آیة الله خامنه‌ای: و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده نماید. (مناسک حج، م ۲۵۳، بند ۸)

آیة الله سیستانی: اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می‌گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً خارج شود. (و در بقیه مسأله نظر ایشان موافق متن است).

۲. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: باید غسل کرده و طواف را اعاده کند.

آیة الله فاضل: احتیاط واجب در اعاده است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد، چه قبل از شوط چهارم باشد و یا بعد از آن.

۳. آیة الله مکارم: فرض فاقد الطهورین در مسجد الحرام وجود ندارد.

۴. آیة الله سیستانی: در اکتفا به نایب در چنین فرضی مطلبی از ایشان در دست نیست.

۵. آیة الله بهجت: حکم فاقد الطهور من حکم غیر ممکن از طواف است که با یأس ←



نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون بجا آوردن غسل هایی که بر او لازم است می تواند^۱ وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استجوابی است. (مناسک محشی، م ۵۶۱)

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست.^۲

[۳۱] م- احتیاط واجب^۳ آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان^۴ نماز خواند مثل عرقچین و جوراب

→ از تمکن نائب می‌گیرد و احوط آن است که خود نیز طواف کند. (مناسک شیخ، ص ۳۶)
آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: و احتیاط مستحب آن است.
آیة الله خامنه‌ای: متعرض این احتیاط و وظیفه مستحاضه نشده‌اند.
۱. آیة الله اراکی، آیة الله مکارم: و مستحاضه هم نمی‌تواند داخل مسجدالحرام شود.
آیة الله بهجهت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل هایی که بر آنها واجب است نمی‌تواند وارد مسجدالحرام و مسجدالنبی شوند (پرسش‌های جدید، حج ص ۱۴، سؤال ۵۷).

۲. آیة الله خامنه‌ای: بدن و لباس طواف کننده باید از خون و نیز از سایر نجاست بنابر احتیاط واجب پاک کند. (مناسک حج، م ۲۵۴)

۳. آیة الله خامنه‌ای: خونی که از یک درهم کمتر باشد و نیز خون جراحت‌ها و زخم‌ها که موجب بطلان نماز نمی‌شود به صحت طواف نیز خللی وارد نمی‌کند و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشت و مانند آنها شرط نیست. (مناسک حج، م ۲۵۴ و ۲۵۵).

آیة الله فاضل: ظاهر آن است که....
آیة الله مکارم: طواف در حالی که بدن یا لباس خون کمتر از درهم داشته باشد جایز نیست.

۴. آیات عظام بهجهت، تبریزی، خوبی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد مانند مثال‌های مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. ←

حتی انگشت‌^۱ نجس - اجتناب کند. (مناسک محسنی، م ۵۶۲)

[۳۱۲] م - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.^۲ (مناسک محسنی، م ۵۶۳)

[۳۱۳] م - در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب^۳ آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

(مناسک محسنی، م ۵۶۴)

[۳۱۴] م - احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد بشرطی که وقت تنگ نشود. (مناسک محسنی، م ۵۶۵)

[۳۱۵] م - اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهرا آن است که طوافش صحیح است. (مناسک محسنی، م ۵۶۶)

→ و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانع ندارد.

آیة الله سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیة الله مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

۱. آیة الله فاضل: در انگشت‌و مانند آن که ثوب صدق نمی‌کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست.

۲. آیة الله تبریزی: اگر تطهیر آن برای او حرجی نباشد احتیاط واجب این است که آن را تطهیر نماید.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیة الله خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

۳. آیة الله خامنه‌ای: واجب است. (مناسک حج، م ۲۵۶)



[۳۱۶] م- اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یاند اند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند. (مناسک محسنی، م ۵۶۷)

[۳۱۷] م- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند، و طواف او صحیح است.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۶۸)

۱. آیة الله اراکی: و احوط استیناف طواف است.

آیة الله بهجت: احوط استیناف است بعد از اتمام خصوصاً با تخلل فعل کثیر که موجب قطع طواف بوده باشد قبل از اكمال چهار شوط و همچنین است حکم هرگاه نجاست عارض ثوب یا بدن شود در حال طواف و کفایت اتمام در اینجا اظهر است. (مناسک، مسئله ۳۰۳).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: هرگاه نجس بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید، و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد پس اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوث پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگرد و طواف را اگر موالات به هم نخورده از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است. (مناسک حج، م ۲۵۹)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمید که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شیستن آن ممکن نباشد، ←

[۳۱۸] م- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود بینند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد. (مناسک محشی، م ۵۶۹)

[۳۱۹] م- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده احتیاط^۱ آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همانجا باقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند^۲ خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آنکه بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.^۳ (مناسک محشی، م ۵۷۰)

[۳۲۰] م- اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده

→ طواف را رهانماید، و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس باقیه طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همان جا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

آیة الله مکارم: خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

۱. آیة الله سیستانی: این مسأله همان است که در مسأله ۳۱۶ گذشت.

آیة الله فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که ...

۲. آیة الله خامنه‌ای: وظیفه همان است که در حاشیه مسأله ۳۱۷ ذکر شد. (مناسک حج، م ۲۶۱)

آیة الله مکارم: وظیفه همین است، و اعاده ندارد.

۳. نظر سایر آیات عظام در حاشیه مسأله ۳۱۷ گذشت.



است^۱، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.^۲ (مناسک محسنی، م ۵۷۱) چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن‌ها نیست، و احتیاط^۳ واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ مراعات شود.

۱. آیة الله بهجت: صحّت طواف خالی از وجه نیست. در فرضی که بعد از طواف یادش باید و مسأله بیادآوردن بین نماز را متعرض نشده‌اند. (مناسک، م ۳۰۲).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: بنابر اظهیر طوافش صحیح است.

آیة الله خامنه‌ای: طوافش صحیح است ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسأله طواف را نیز بار دیگر به جا آورد. (مناسک حج، م ۲۶۳)

آیة الله سیستانی: طوافش صحیح است و در مورد تذکر در اثنا نظر ایشان در دست نیست.

آیة الله فاضل: ولی اگر بعد از نماز طواف یادش باید فقط نماز طواف را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

آیة الله گلپایگانی: اقوی اعاده طواف است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۸۴).

آیة الله مکارم: در فرض فراموشی اعاده ندارد.

۲. آیة الله خامنه‌ای: وظیفه همان است که در حاشیه مسأله ۳۱۷ گذشت. (مناسک حج م ۲۶۲)

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احوط بلکه اظهیر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محروم شود باید ختنه کرده باشد، واما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

آیة الله خامنه‌ای: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست. (مناسک محسنی، ص ۹۸، شوط چهارم)

آیة الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیة الله فاضل: ختنه کردن در حق مردان و بچه‌های ممیز لازم است و احتیاط واجب آن است که در بچه‌های غیر ممیز هم مراعات شود.

آیة الله گلپایگانی: واجب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۸۵).

[۳۲۱] م - اگر بچه را که ختنه نشده وادر به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست^۱، پس اگر محرم به احرام عمره مفرده شود چون طواف نساء او باطل است^۲ بنابر احوط^۳ حلال شدن زن بر او مشکل می شود مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آنکه نایب^۴ برای او بگیرند تا طواف کند. (مناسک محسنی، ۵۷۲ م)

[۳۲۲] م - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است. (مناسک محسنی، ۵۷۳ م)

پنجم - ستر عورت^۵ است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل

۱. آیة الله تبریزی: در ممیزی که خودش محرم شده باشد.

آیة الله خویی، آیة الله فاضل: اما اگر غیر ممیز باشد بنابر احتیاط واجب طوافش صحیح نیست.

آیة الله سیستانی: اگر ممیز باشد.

۲. آیة الله مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد.

۳. آیة الله سیستانی: اگر ممیز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر این که پس از ختنه طواف را اعاده کند.

۴. آیة الله سیستانی: در رابطه با کفایت نیابت در این فرض از ایشان مطلبی در دست نیست.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

آیة الله فاضل: نیابت قبل از ختنه صحیح نیست.

۵. آیة الله بهجت: بنا بر احتیاط بلکه اقوی. (مناسک، ص ۱۰۸، شرط پنجم). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

است^۱، و معتبر است در آن ابا حه^۲، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه بالباس غصبی غیر ساتر نیز بنابر احتیاط^۳ واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

[۳۲۳] م - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند^۴، یعنی درین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود. (مناسک محسنی، م ۵۷۴)

قسم دوم - چیزهایی که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است:

۱. آیة الله مکارم: حتی اگر فقط سترا عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

۲. آیة الله سیستانی، آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب.

۳. آیة الله سیستانی، آیة الله فاضل: این احتیاط واجب نیست.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباس‌های دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

۴. آیة الله بهجت: مراعات موالات عرفیه در غیر موارد عذر حاصل بعد از شوط چهارم لازم است. (مناسک شیخ ص ۴۴)

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: مراعات موالات لازم است.

آیة الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب باید میان اجزای طواف موالات عرفی وجود داشته باشد بدین معنا که میان دورهای طواف به اندازه‌ای فاصله بناشد که آن را ز شکل طواف واحد خارج کند البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور) آن را برای اقامه نماز و مانند آن قطع کند اشکال ندارد. (استفتایات ۲۳ و مناسک حج، ۲۶۷م)

آیة الله مکارم: در طواف واجب موالات لازم است، و در مستحب شرط نیست.

اول - آنکه ابتداء کند به حجرالاسود.

[۳۲۴] م - در ابتداء کردن به حجرالاسود لازم نیست^۱ که تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجرالاسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجرالاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند. (مناسک محسنی، م ۵۷۵)

[۳۲۵] م - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود

۱. آیات عظام اراکی، صافی، گلپایگانی: طواف را در هر دور واجب است از حجرالاسود شروع کند و به آن ختم کند و چون تحقق این معنا بر وجه حقیقت متعدد و بلکه متعدد است، در تحقق آن اكتفاء می شود به اینکه پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند و قصد کنده ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضوعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زائد از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود، و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالاسود بگذراند، و برای انجام این احتیاط کمی قبل از حجر بایستد و نیت کنده طواف را از محاذات واقعی انجام می دهم و زائد بر آن از باب مقدمه علمیه است.

آیة الله خامنه‌ای: ومانعی ندارد از باب احتیاط‌اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود و یا این نیست که طواف او از مقابل حجرالاسود باشد. (مناسک حجج دست‌نویس ۱۹۸ م)
آیة الله فاضل: آنچه که برای صحّت طواف لازم است، آن است که شروع و ختم طواف نزد عرف از حجرالاسود و محاذی حجر باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

آیة الله مکارم: دقت در محاذی بدن اجزای بدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست همین اندازه که عرفًا محاذات صدق کند کافی است.

شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجرالاسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش. (مناسک محسی، م ۵۷۶)

[۳۲۶] م- از هر جای حجرالاسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.^۱ (مناسک محسی، م ۵۷۷)

[۳۲۷] م- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجرالاسود» بدون دقت‌های صاحبان و سوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند^۲ تا هفت دور تمام شود. (مناسک محسی، م ۵۷۸)

[۳۲۸] م- گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است. (مناسک محسی، م ۵۷۹)

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجرالاسود و این حاصل می‌شود به

۱. نظر سایر آیات عظام در مسأله ۳۲۴ گذشت.

آیة الله بهجت: هر شوط و دوری ختم شود به حجرالاسود بلکه محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر بارعایت وصول به موضع ابتداء موافق احتیاط است.

آیة الله خامنه‌ای: و البته می‌تواند اندکی بیش از این مقدار یا نیت احتیاط طی نماید تا یقین حاصل کند که در همان نقطه آغاز طواف را پایان داده است.

(مناسک حج، م ۲۷۰)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: ولی اقوی شروع به طواف است از جزء اول حجر.

آیة الله مکارم: این دقت‌ها لازم نیست، و محاذات عرفیه با حجرالاسود کافی است.

۲. آیة الله خامنه‌ای: یعنی لازم نیست که در هر دور مقابل حجرالاسود بایستد.

(مناسک حج، م ۲۷۰ و ۲۷۱)

آیة الله مکارم: یعنی توقف لازم نیست.

اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم^۱ شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

[۳۲۹] م- لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.^۲ (مناسک محشی، م ۵۸۰)

۱. آیة الله اراکی: آنچه نسبت به شروع از حجرالاسود بیان شد در پایان آنهم جاری است، و در اینجا طواف کننده برای تحصیل علم به اتمام دور باید نیت کند که انتهای هر دوری همان جایی باشد که شروع کرده، و در دور آخر قدری زیادتر برود، تا علم به اتمام هفت دور حاصل شود.

آیة الله بهجت: و این از حیث مطاف کافی است و از حیث طائف در ابتداء کافی است محاذات معظم بدن شخص و تمام بدن محاذات آن احوط است و همچنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن یا بعضی از حجر بارعايت وصول به موضع ابتداء موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۳۹)

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۲۴ مراجعه شود.

۲. آیات عظام اراکی، تبریزی، خویی: خانه خدا در جمیع احوال طواف باید در طرف چپ قرار گیرد، پس اگر مقداری این چنین نبود آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود. آیة الله تبریزی در ادامه می‌فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ صدق عرفی است، و بهتر این است که دقیق شود بخصوص در دو ←



[۳۳۰] م- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر به طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متماثل به پشت شود.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۸۱)

[۳۳۱] م- گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادر می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است^۲، واگر طواف نساء را این طور به جا آورد زن‌ها یا مرد‌ها بر او حرام خواهند بود. (مناسک محسنی، م ۵۸۲)

→ دهانه حجر اسماعیل و در نبش‌های خانه خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

آیة الله سیستانی: خانه باید در همهٔ حالات طواف در طرف چپ باشد پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند آن مقدار، از طواف شمرده نمی‌شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبش‌های خانه بدن را منحرف سازند.

آیة الله مکارم: بهتر است به جای این‌گونه کارهای غیر متعارف مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

۱. نظر آیات عظام در این مسأله، در مسأله قبل گذشت.

۲. آیة الله بهجت: باطل نیست.

آیة الله خامنه‌ای: اگر با اختیار خود می‌رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد. (استفتاء)

آیة الله مکارم: این طواف باطل نیست و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف، ظاهراً اختیار سلب می‌شود و چون از اول مختاراً این راه را انتخاب می‌کند منافات با اختیار ندارد، اما کارهای افراد نادان بسیار بد و زننده است.

[۳۳۲] م- احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاہل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به‌طوری که خلاف متعارف^۱ و موجب انگشت‌نمایی نشود مانع ندارد.^۲ (مناسک محشی، م ۵۸۳)

[۳۳۳] م- اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آنکه روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتیش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.^۳

[۳۳۴] م- اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردن و دور دادند کفایت نمی‌کند^۴ و باید آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه هم طرف

۱. آیة الله فاضل: و خلاف تقيیه نباشد و موجب ...

۲. آیة الله فاضل: احتیاط در ترک آن است.

آیة الله مکارم: این کار لزومی ندارد.

۳. آیة الله سیستانی: و اگر نتواند در اثر ازدحام برگرد و جبران کند می‌تواند تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا آن شوط را کاملاً اعاده نماید.

۴. آیة الله بهجت: البته با ملاحظه اینکه بردن غیر از سلب اختیارات. (مناسک، س ۹۵)

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: مجرّد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیة الله سیستانی: اگر به طور کلی اختیار از او سلب شده باشد و در این صورت اگر بتواند آن مقدار را جبران نماید و اگر نتوانست همانگونه که در مسأله قبل گفته شد عمل کند و شوط را از سر بگیرد.

آیة الله مکارم: هرگاه با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شود و او را ببرند ضرری ندارد.

چپ او بوده. (مناسک محسنی، م ۵۸۵)

[۳۳۵] م- هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی اختیار بردند^۱، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.^۲ (مناسک محسنی، م ۶۳۹)

[۳۳۶] م- اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم^۳ است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید^۴ ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار

۱. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۳۱ مراجعه شود.

۲. آیة الله بهجت: اگر بتواند برگردد و از همانجا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنده بدون نیت دور می‌زند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد. (بررسی‌های جدید حج، س ۷۹).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: ولی چنان‌که سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر طواف را از سر بگیرد اشکال ندارد ولی جواز از سرگرفتن شوط محل اشکال است گرچه ضرری برای صحت طواف ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳ س ۶ و ۷)

آیة الله سیستانی و آیة الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

آیة الله مکارم: سابقاً گفته شد، از اول نیت می‌کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هر چند او را ببرند، بنابراین اعاده لازم نیست.

۳. آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: مانند مسأله سابق است.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۳۱ مراجعه شود.

۴. آیة الله فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند و طواف در این فرض صحیح است.

خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۴۰)

[۳۳۷] م - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به^۱ خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت^۲، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف را که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.^۳

(مناسک محسنی، م ۶۴۱)

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

[۳۳۸] م - اگر دور حجر اسماعیل نگردد و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند. (مناسک محسنی، م ۵۸۷)

[۳۳۹] م - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت. (مناسک محسنی، م ۵۸۸)

[۳۴۰] م - اگر سهوای این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد. (مناسک محسنی، م ۵۸۹)

۱. آیة الله مکارم: در مورد فشار جمعیت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.
 ۲. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۳۱ مراجعه شود.
 ۳. آیة الله سیستانی: همان گونه که گذشت می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.
- آیة الله فاضل: همان گونه که گذشت می تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

[۳۴۱] م- اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط^۱ واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگرچه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست. (مناسک محسنی، م ۵۹۰)

[۳۴۲] م- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب^۲ کفايت نمی کند^۳ تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است. (مناسک محسنی، م ۵۹۱)

۱. آيات عظام اراکی، کلپایگانی، صافی: باید آن دور را اعاده نماید، و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

آیة الله خامنه‌ای: اگر از داخل حجر اسماعیل طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد فقط همان دور باطل است. (مناسک حج، م ۲۷۴)

آیة الله فاضل: اظهر این است که آن شوط را اعاده نماید، و اعاده طواف لازم نیست. «عمره مفردہ ص ۸۹».

آیة الله بهجت: باید آن دور اعاده شود در صورتی که ابتدای طواف نیت طواف بر بیت محض نکرده باشد والا اعاده اصل طواف موافق احتیاط است اگرچه عملاً در یک شوط اختصار نماید. (مناسک شیخ، ص ۴۱)

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: باید آن دور اعاده شود.

آیة الله مکارم: فقط آن دور باطل می شود و چون برگشتن غالباً مشکل است می تواند همراه جمعیت برود و نزد حجرالاسود نیت کند و ادامه بدهد.

۲. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۳. آیة الله اراکی: کفايت می کند، و اعاده شوط از اول لازم نیست.

آیة الله بهجت: اعاده همان جزء از طواف که به بالارفتن بر دیوار حجر باطل شده است لازم می باشد. (مناسک شیخ، ص ۴۲)

آیة الله تبریزی: در حکم رفتن در حجر است، بالارفتن بر دیوار حجر، بنابر احتیاط.

آیة الله مکارم: اگر همان مقدار را اعاده کند کافی است.

[۳۴۳] م - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و بنحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هرچند باید در خارج آن طواف کرد.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۳۷) پنجم - بودن طواف است^۲ بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم^{علیهم السلام} از همه اطراف.

[۳۴۴] م - مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم^{علیهم السلام} است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همینقدر بیشتر دور نباشد.^۳ (مناسک محسنی، م ۵۹۲)

۱. آیة الله بهجت: اصل مسأله طواف از مناسک ایشان استفاده می شود ولی اینکه حجر از بیت نیست بیان نشده است.

۲. آیة الله مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است. آیة الله خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیة الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند طواف در خارج از محدوده با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

آیة الله نوری: اقوی این است که در طواف همین مقدار که طواف دور خانه خدا صدق کند کافی است و مراعات این طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم است لازم نیست و مستحب است.

۳. آیة الله بهجت: لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حداست بارعایت اختلاف اطراف در مانع.(مناسک، ←

[۳۴۵] م- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل

→ مسأله ۳۰۶). و از اینجا حکم چهار مسأله بعدی معلوم می‌شود.
 آیة الله تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم باشد ولی در موارد از دحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.
 آیة الله خامنه‌ای: بنابر مشهور طواف باید در فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم و در جهت‌های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود اما اقوى آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می‌تواند در خارج از این فاصله و سایر بخش‌های مسجدالحرام نیز طواف را به جا آورد به ویژه هنگامی که از دحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد. البته بهتر آن است که در صورت عدم از دحام در فاصله مذکور طواف کند. (مناسک حج ص ۱۰۳ ششم) و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود.

آیة الله خویی: و لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذرع و نیم نیز کافی باشد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است، و از این مسأله حکم چهار مسأله بعد هم معلوم می‌شود.
 (مناسک، مسأله ۳۰۶).

آیة الله سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هرچند که کراحت دارد - طواف جایز باشد، خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف راندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود، و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از اینجا حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود. (مناسک م ۳۰۳).
 آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: تاجیی که جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند، طواف در آن حد صحیح و مجری است، و مع ذلك اولی رعایت حد است با امکان، [و از اینجا حکم پنج مسأله بعد روشن می‌شود]. (آراء المراجع، ص ۳۲۰).

آیة الله مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همینجا حکم ۵ مسأله بعد روشن می‌شود.

در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۵۹۳)

[۳۴۶] م - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند^۲ و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگرچه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعد نیست کفایت اعاده همان جزء. (مناسک محسنی، م ۵۹۴)

[۳۴۷] م - چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود^۳ زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود.^۴ (مناسک محسنی، م ۵۹۵)

[۳۴۸] م - اگر از جانب حجر اسماعیل علیه السلام بیشتر از شش ذراع و

۱. آیة الله تبریزی: اگر ازدحام بوده و طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام می‌سوز نبود، طوافی که انجام داده صحیح است و اعاده ندارد، و از اینجا حکم سه مسأله بعد هم معلوم می‌شود.

آیة الله خوبی، مکارم: صحیح است و باطل نیست و مانند همین حکم است.
(مسأله ۳۴۵ و ۳۴۶)

۲. آیة الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

آیة الله فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسماعیل علیه السلام مقدار محل طواف ضيق نمی‌شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد، لکن رعایت احتیاط یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است. (مناسک، مسأله ۴۱۶).

۴. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط.
آیة الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

نیم^۱ در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.^۲ (مناسک محسنی، م ۵۹۶)

[۳۴۹] م- در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد^۳ و دورتر از آن حد، کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مذبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.^۴ (مناسک محسنی، م ۶۳۸)

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

[۳۵۰] م- در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را «شادروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم^۵ داخل قرار دهد. (مناسک محسنی، م ۵۹۷)

[۳۵۱] م- اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شادروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است^۶، و

۱. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط و احوط آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

آیة الله گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۳۴۴ مراجعه شود.

۲. آیة الله فاضل: ظاهر آن است که طوافش صحیح است. (مناسک، م ۴۱۷). آیة الله بهجت: حکم آن در بیان مسأله ۳۴۴ گذشت.

۳. آیة الله مکارم: سابقًا گفتیم رعایت این مقدار لازم نیست.

۴. نظر آیات عظام در مسأله ۳۴۴ گذشت.

۵. آیة الله بهجت: بنا بر احتیاط.

۶. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

آیة الله صافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

آیة الله مکارم: امروز شادروان طوری ساخته شده که عملًا طواف روی آن ممکن نیست.

باید اعاده کند. (مناسک محسنی، م ۵۹۸)

[۳۵۲] م- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است، و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب^۱ در ترک است. (مناسک محسنی، م ۵۹۹)

[۳۵۳] م- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل ﷺ جایز است^۲، و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب^۳ در ترک است. (مناسک محسنی، م ۶۰۰)

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزنده کمتر نه زیادتر.

[۳۵۴] م- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد طوافش باطل^۴ است اگرچه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و

۱. آیات عظام اراکی، بهجت، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیة الله خامنه‌ای: این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

۲. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیة الله بهجت: بنا بر احوط در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد. (مناسک، مسأله ۳۰۹)

۳. نظر آیات عظام غیر از آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی و مکارم که موافق متن هستند در این مسأله مثل مسأله قبل است.

۴. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیة الله خویی: با فرض تحقق قصد قربت طواف او صحیح است.

آیة الله گلپایگانی: بنابر احتیاط در هر حال طوافش باطل است. (مناسک عربی، ص ۱۱۲).

غفلت باشد طواف را اعاده کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۰۱)

[۳۵۵] م - اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور آوردن برگرد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجاکه این قصد را کرده و هرچه به این قصد عمل کرده^۲ باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می شود.^۳ (مناسک محسنی، م ۶۰۲)

[۳۵۶] م - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۰۳)

[۳۵۷] م - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۰۴)

۱. آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

۲. آیات عظام اراکی، سیستانی، فاضل، نوری: بنابر احتیاط اصل طواف باطل می شود.

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل می شود اگر از روی علم و عمد قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیة الله خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می کند. آیة الله مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

۳. آیة الله بهجت: آنچه که مصادف با نیت زیاده بوده است باطل می شود. (مستفاد از مناسک شیخ، ص ۴۳)

نظر آیة الله کلپایگانی، در مسأله قبل گذشت.

[۳۵۸] م - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۰۵)

[۳۵۹] م - اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد واجب است آن را اتمام کند^۱، و اگر نکند حکم حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده - که در مسئله ۲۸۳ گذشت - به احتیاط واجب^۲، و حکم جاهل^۳ به مسئله حکم عالم است. (مناسک محسنی، م ۶۰۶)

[۳۶۰] م - اگر بعد از کم کردن طواف کارهای بسیاری کند.^۴ که موالات فوت شود حکم حکم قطع طواف است که می‌آید. (مناسک محسنی، م ۶۰۷)

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیة الله سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی‌دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرف‌اً صدق کند طوافش را قطع کرده است، پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد، و اگر بعد از آن باشد، احتیاط واجب این است که آن را تمام کند و دوباره انجام دهد مگر این که فوت موالات شود که می‌تواند از سر بگیرد. (مناسک، مسئله ۳۰۸).

آیة الله مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه بنابر اظهرا.

۳. آیة الله بهجهت: باید اعاده کند در هر صورت.

۴. آیة الله مکارم: یا فاصله زیادی بدهد.

[۳۶۱] م- اگر سهواً^۱ از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده^۲ باشد

۱. آیة الله بهجت: هرگاه مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح خواهد بود، و چنانچه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش باید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد طوافش صحیح است و الا طوافش را از سر بگیرد و اگر بعد از شوط چهارم باشد و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد هرچند به جهت این باشد که پس از بازگشت بوطن یادش باید باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد، و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد، بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد، و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد باید از سر بگیرد. (مناسک، مسئله ۳۱۶).

نظر آیة الله تبریزی عیناً نظر آیة الله خویی در حکم فوق است، الا اینکه معظم آن در مقدار فراموش شده که اگر بیش از یک و کمتر از چهار باشد به جای عبارت: بایستی برگشته می فرمایند: بنابر احتیاط بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و همچنین اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است.

آیة الله خویی: هرگاه مقداری از طواف را سهواً کم کند اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح خواهد بود، و چنانچه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش باید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد یک شوط را به جا آورد و طوافش صحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد و بهتر این است که پس از به جا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است. (مناسک، مسئله ۳۱۶).

آیة الله سیستانی: در صورتی که از روی اشتباہ یا فراموشی بعضی از شوطهای ←

اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد^۳، و لآاحتیاط واجب^۴ اتمام و اعاده است. (مناسک محسنی، م ۶۰۸)

[۳۶۲]-اگر سهو^۵ کرده و تجاوز از نصف نکرده^۶، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.^۶ (مناسک محسنی، م ۶۰۹)

→ طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به جا آورد و طواف صحیح است و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به جا آورد و طواف باز هم صحیح است... و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را به جا آورد و طواف را اعاده کند. (مناسک، مسئله ۳۱۳).

۲. آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین $\frac{3}{5}$ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

آیة الله مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.

۳. آیة الله اراکی: چه فعل کثیر انجام داده باشد یا نه گرچه احتیاط اتمام و اعاده مستحب است.

آیة الله مکارم: این شرط زائد است.

۴. آیة الله بهجت: در مسئله قبل گذشت.

آیة الله فاضل: اولی و احوط این است.

آیة الله مکارم: و اتمام لازم نیست باید اعاده کند.

۵. آیة الله مکارم: مانند مسئله سابق است.

۶. آیة الله اراکی: در صورتی که فعل کثیر انجام نداده طواف را تمام کند و لآاعداده کند.

نظر سایر آیات در مسئله قبل گذشت.



[۳۶۳] م- اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط^۱ آن است که خودش برگرد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.^۲ (مناسک محسنی، م ۶۱۰)

[۳۶۴] م- در طواف واجب، قران جایز نیست^۳ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب^۴ مکروه است. (مناسک محسنی، م ۶۱۱)

[۳۶۵] م- اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است

۱. آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خوبی، صافی، گلپایگانی: باید برگرد. آیة الله سیستانی: اگر نتواند با قیمانده را خود به جا آورد، اگرچه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هرجا هست بعد از طواف نایب بخواند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آنست که شتر باشد (مناسک فارسی، مسئله ۱۰۴).

آیة الله فاضل: در صورتی که ممکن باشد لازم است برگرد و اگر ممکن نشد یا مشکل بود نایب بگیرد و چون بین اجزای طواف فاصله زیاد شده و موالات به هم خورده احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

آیة الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و در این صورت نیز بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد. (مناسک فارسی، م ۱۰۴)

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود.

۴. آیة الله بهجت: حکم قران در طواف مستحب را متعرض نشده‌اند.

که حرام است.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۱۲)

[۳۶۶] م - در فرض سابق اگر از اول قصد داشته باشد اثناي طواف
قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند^۲،
و اگر بعد از تمام شدن، قصد بهجا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و

۱. آية الله بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند نه زیادی در طواف است و نه قران
(مناسک، مسأله ۳۱۷).

آية الله تبریزی: اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند
طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیادی است و نه قران ولی گاهی
طواف در این صورت بجهت عدم تحقق قصد قربت باطل می‌شود و آن در صورتی
است که مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن با اینکه می‌داند قران حرام و
مبطل طواف است آن را قصد نماید که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی‌شود،
هرچند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود. (مناسک، مسأله ۳۱۷).

آية الله خویی: اگر طواف دوم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی
اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می‌داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در
طواف اول از او متمشی نمی‌شود. (مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸).

آية الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قران نیست ولی اگر قصد قران را
داشته باشد باعلم به این که مبطل است قصد قربت محقق نمی‌شود و طواف باطل
است.

آية الله مکارم: ولی طواف اول باطل نیست.

نظر سایر آیات عظام در مسأله ۳۶۱ و ۳۶۲ گذشت.

۲. آية الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود، چه از اول
این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

۳. آية الله بهجت: کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین اینکه از ابتدا قصد اضافه
کردن را داشته باشد یا در اثنای نگذاشته‌اند. (مناسک، ص ۱۱۴).

آية الله سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوی صحت طواف اول است، و احوط اعاده است.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۱۳)

[۳۶۷] م - اگر سهو^۲ ازیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط^۳ آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب^۴ و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.^۵ (مناسک محسنی، م ۶۱۴)

۱. آیة الله اراکی: این احتیاط ترک نشود.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: در فرض اتیان به طواف کامل بلکه اظہر بطلان طواف اول است مطلقاً. (مناسک، قبل از مسئله ۳۱۸).

آیة الله سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است.
آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: احتیاط آنستکه نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: این احتیاط مستحب است. (مناسک، ص ۷۰، م ۱۰۳).

۳. از اینجا تا آخر مسئله در مناسک آیة الله خویی مذکور نیست.

۴. آیة الله بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سعی به جای آورد و دو رکعت نافله را می‌تواند بعد از سعی به جای آورد. (مناسک، مسئله ۳۱۸).

آیة الله سیستانی: اگر از روی اشتباه چیزی بر شوطهای طواف خود بیافزاید، پس اگر بعد از رسیدن به رکن عراقی یادش آمد، مقدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برساند، و احتیاط واجب این است که طواف دوم را در این هنگام به قصد قربت بدون اینکه واجب یا مستحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند، و احتیاط مستحب این است که بین آنها فاصله‌ای ←

[۳۶۸] م - جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراحت قطع طواف واجب است^۱ بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط^۲ قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بهم بخورد. (مناسک محشی، م ۶۱۵)

→ بیندازد، به این معنا که دورکعت قبل از سعی جهت طواف واجب به جا آورد و دورکعت پس از سعی جهت طواف مستحبی به جا آورد. و همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر پیش از رسیدن به رکن عراقی یادش بیاید. (مناسک، مسئله ۳۱۴).

آیة الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دورکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد.

۱. آیة الله بهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است یعنی ترک بقیه آن به نحوی که موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و به مجرد خواهش نفس. (مناسک شیخ، ص ۴۴)

آیة الله خامنه‌ای: قطع طواف مانع ندارد اگرچه احتیاط مستحب قطع نکردن طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه بهم بخورد.

آیة الله خویی: قطع طواف و سعی جایز نیست (استفتاءات).

آیة الله سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضروری بلکه بنا بر اظهیر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جایز است (مناسک، مسئله ۳۰۷).

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند (آداب و احکام حج، مسئله ۵۸۹).

آیة الله فاضل: و اقوی جواز قطع...

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب قطع نکند.

۲. آیة الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند، ولی چنانچه به هر جهت قطع کرد و از نو یک طواف کامل انجام داد مجزی و صحیح است هر چند موالات بهم نخورده و فرقی نیست دور دوم را مثلاً رها کند یا غیر آن را.

[۳۶۹] م- اگر بدون عذر طواف راقطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند^۲، و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.
(مناسک محسنی، م ۶۱۶)

[۳۷۰] م- اگر طواف راقطع کند و منافی به جانیاورده باشد اگر برگرد و تمام کند طواف صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۱۷)

[۳۷۱] م- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار^۳ پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور^۴ بوده بعد از رفع

۱. آیة الله اراکی: اگر از نصف شوط چهارم گذشته، طواف را تمام و بعد اعاده کند.
آیة الله بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به جا آورده باشد. (مناسک شیخ، ص ۴۴)

آیة الله تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۱۰).
آیة الله خامنه‌ای: قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب جایز است هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه‌ای که عرف موالات از میان برود قطع نکند. (مناسک حج، م ۲۶۹)

آیة الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند. (احکام عمره، ص ۶۲ و ۶۳).
نظر سایر آیات عظام در این مسأله و مسأله بعد ذیل مسأله ۳۵۸ و ۳۶۰ گذشت.
۲. آیة الله فاضل: اعاده مستحب هر چند موالات عرفیه به هم نخورده باشد.
۳. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۲۹۷ و ۲۹۹ مراجعه شود.
۴. آیة الله اراکی: نصف شوط چهارم.

عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده^۱ طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.^۲ (مناسک محسنی، م ۶۱۸)

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۳/۵ و چهار بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

آیة الله فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.

۲. نظر آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسأله ۲۹۸ و ۲۹۹ و راجع به حیض در مسأله ۳۰۰ گذشت.

و اما در مورد مرض:

آیة الله اراکی: اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم بود...

آیة الله بهجت: هرگاه طواف کننده به علت سر درد و مانند آن ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه بعد از آن بوده اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود اگر قادر نشد او را دوش می‌گیرند و طواف می‌دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می‌گیرند در اتمام. (مناسک، مسأله ۳۱۲).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیة الله سیستانی: نظر ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده‌اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی از هرجاکه قطع کند مدامی که موالات عرفی فوت نشده است می‌تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر علاوه بر فرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده‌اند.

[۳۷۲] م- اگر شخصی که با عذر^۱ طواف راقطع کرده نتوانست به جا آورد و نمی تواند تارفع عذر صبر کند اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب^۲ برای او بگیرند. (مناسک محسنی، م ۶۱۹)

[۳۷۳] م- اگر مشغول طواف است وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور^۳ رها کرد از همان جا

۱. آیة الله اراکی: اگر به خاطر مرض طواف را ترک کرده.

۲. آیة الله سیستانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتوانند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد نایب در مقدار باقیمانده نیابت می کند. (ملحق مناسک س ۲۳۴)

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و چون بعید نیست گفته شود که طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است نایب همه طواف را انجام دهد. (آراء المراجع، ص ۲۴۹).

آیة الله فاضل: و بنابر احتیاط واجب نایب باید همه طواف را انجام دهد.
نظر سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسأله قبل گذشت.

۳. آیة الله خامنه‌ای: اگر طواف واجب را برای اقامه نماز واجب قطع کند در صورتی که پس از انجام نیمی از طواف چنین کند پس از نماز ادامه آن را انجام داده و هفت دور کامل می کند و اگر پیش از اتمام نصف طواف چنین کند در صورتی که فاصله زیادی ایجاد شود احوط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد ولی اگر فاصله زیاد حاصل نشده باشد عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید به نظر نمی رسد اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است در این مورد تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فرادا و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می شود. (مناسک حج، م ۲۶۸)

طواف را تمام کند^۱، و الا^۲ اعاده کند.^۳ (مناسک محسنی، م ۶۲۰)

[۳۷۴] م - جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند^۴، و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.^۵ (مناسک محسنی، م ۶۲۱)

[۳۷۵] م - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه

۱. آیة الله فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سرگرفت طوافش صحیح است.

۲. آیة الله بهجت: اگر موالات عرفیه بهم بخورد (مستفاد از مناسک، ص ۱۶۱، م ۱۲، مسائل متفرقه).

آیة الله فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سرگرفت طوافش صحیح است.

۳. آیة الله اراکی: و الا بنابر احتیاط بعد از اتمام اعاده کند.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: ولی اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتیاطاً طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

آیة الله مکارم: و بنابر احتیاط واجب آن را اعاده کند.

و سایر آیات عظام متذکر این فرع نشده‌اند.

۴. آیة الله اراکی: این احتیاط ترک نشود.

آیة الله بهجت: اگر موالات عرفیه بهم نخورد و اگر بهم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن. (مناسک

س ۸۸ و مستفاد از مناسک ص ۱۶۱ م ۱۲)

۵. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیة الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.



اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست^۱ و احتیاط ترک نشود.^۲ (مناسک محسنی، م ۶۲۲)

[۳۷۶] م - اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یانه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در

صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه. (مناسک محسنی، م ۶۲۳)

[۳۷۷] م - اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند^۳ که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش

۱. آیة الله فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف است اما اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است، بلکه ظاهراً به محض انصراف هم طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

۲. آیات عظام اراکی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب نیست. آیة الله بهجت: هرگاه بعد از تمامی طواف و تجاوز از محل شک نماید که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

آیة الله تبریزی، آیة الله خوبی: در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی کند. (مناسک، م ۳۱۹).

آیة الله خامنه‌ای: نباید به شک خود اعتنا کند بلکه بنا را بر صحت بگذارد. (مناسک حج، م ۲۸۶)

آیة الله سیستانی: اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنانماید مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید. (مناسک، مسئله ۳۱۵).

۳. آیة الله بهجت: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسئله ۳۷۵ گذشت.

صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۳۴)

[۳۷۸] م - اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۲۵)

[۳۷۹] م - اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.^۲ (مناسک محسنی، م ۶۲۶)

[۳۸۰] م - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل بگذارد، و

۱. آیة الله اراکی: احوط بطلان طواف است.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً به قصد رجاء طواف را تمام و اعاده نماید.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیة الله فاضل، آیة الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

۲. آیة الله اراکی: و بنابر احتیاط طواف را تمام کند و بعد از آن اعاده نماید، و این احتیاط، مستحب است.

آیة الله بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست یا آنکه فی الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید (مناسک، مسأله ۳۲۱ و مناسک شیخ ص ۴۳).

آیة الله سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند. و اگر شک در زیاده و نقصان باشد مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است (مناسک، مسأله ۳۱۴).

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.



طوافش صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۲۷)

[۳۸۱] م - شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتماد به شکش نکند^۱ و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند. (مناسک محسنی، م ۶۲۸)

[۳۸۲] م - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد^۲ و حکم شک را دارد. (مناسک محسنی، م ۶۲۹)

[۳۸۳] م - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شدو یادش آمد که طواف به جایاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.^۳ (مناسک محسنی، م ۶۳۰)

[۳۸۴] م - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگرد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگرد تتمه سعی را

۱. آیة الله بهجت: کثیر الشک در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد (پرسش‌های جدید حج، ص ۱۵، سؤال ۶۴).

آیة الله خوبی: کثیر الشک در طواف تا به حد وسوس نرسد باید به شکش اعتماد کند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳).

آیة الله سیستانی: کثیر الشک در طواف نباید به شکش اعتماد کند چنانچه در نماز نباید اعتماد کند. (ملحق مناسک، س ۲۱۲).

آیة الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

۲. آیة الله بهجت: حکم آن مانند حکم ظن در نماز است.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر قبل از شوط چهارم سعی یادش باید که طواف به جایاورده سعی را رها کند و طواف را به جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید. (آداب و احکام حج م ۶۶۷)

به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است.^۱ لکن احتیاط^۲ آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.^۳ (مناسک محسنی، م ۶۳۱)

[۳۸۵] م- اگر سهوأً یا غفلتاً یا جهلاً طواف رابی و ضوبه جا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد. (مناسک محسنی، م ۶۳۲)

[۳۸۶] م- اگر کسی مریض یا طلفی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است. (مناسک محسنی، م ۶۳۳)

[۳۸۷] م- در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراحت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.^۴ (مناسک محسنی، م ۶۳۴)

۱. آیة الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیة الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود و یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

۲. آیات عظام اراکی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیة الله تبریزی: این احتیاط در اتمام و اعاده طواف ترک نشود، و همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست.

۳. آیات عظام نظریه‌شان را در مسأله قطع طواف سهوأً در ذیل مسأله ۶۰۸ و ۶۰۹ منفصلًا ذکر فرموده‌اند، مراجعه شود.

۴. آیة الله خامنه‌ای: و شایسته است که در حال طواف همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه وارده را قرائت کند. (مناسک حج،

[۳۸۸] م-واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند^۱، و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند. (مناسک محسنی، م ۶۳۵)

[۳۸۹] م-جایز است در بین طواف برای رفع خستگی واستراحت بشینند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشست^۲ احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.^۳ (مناسک محسنی، م ۶۳۶)

۱. آیة الله بهجهت: اگر در حال حرکت نباشد و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود اشکال ندارد.

آیة الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند.

۲. آیة الله فاضل: که موالات عرفیه بهم خورد.

۳. آیة الله بهجهت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی کند حکم آن در مسأله ۳۶۷ و ۳۶۸ گذشته و بافرض تحقق عذر از ادامه قبل از اکمال شوط چهارم در حدی که موالات عرفیه بهم نخورد مانع ندارد و اگر بهم بخورد احتیاط مراعات شود به اکمال آن طواف و اعاده آن و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانع ندارد. (مناسک، س ۸۷ و ۸۸)

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیة الله خامنه‌ای: کما اینکه می تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و طواف را دوباره از سر بگیرد. (مناسک حج، م ۲۴۶)

آیة الله فاضل: و می تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.

آیة الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

استفتاءات طواف

[۳۹۰] س - اگر در اثنای طواف شک در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلاً نمی‌داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

(مناسک محسنی، م ۶۴۹)

ج - اگر مسأله را می‌دانسته و می‌خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.^۱

[۳۹۱] س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوط‌های قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۶۵۱)

ج - باید مقداری^۲ از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند^۳ و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام

۱. آیة الله بهجت: شک در صحت محل اعتنانیست. (مستفاد از وسیله ص ۲۳۸ در نماز)
آیة الله تبریزی: و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله خویی: با احتمال التفات بنابر صحت می‌گذارد مطلقاً.
(تعليقہ عروہ، ج ۱، ص ۶۶۳، مسأله ۵۶ از فروع علم اجمالی).

آیة الله سیستانی: در هر صورت عمل صحیح است.

آیة الله فاضل: و در غیر این صورت باطل است. (عمره مفرد ص ۱۰۱).

۲. آیة الله خامنه‌ای: اگر از طواف قبل دست برداشته و لذا طواف را از اول اعاده نموده است همان طواف اعاده باشد، صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

۳. آیة الله بهجت: باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید و احوط استیناف طواف بعد از اتمام آن است (مستفاد از مسأله ۳۰۳ مناسک).

خارج شده^۱ و با اتمام طوف و نماز طوف مذکور، عمل صحیح است.

[۳۹۲] س- کسی در اثنای طوف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طوف او صحیح است یا خیر^۲ و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟^۳ (مناسک محشی، م ۶۵۲)

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده^۴ به احتیاط واجب^۵ آن را تمام کند و بعد یک طوف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طوف دیگر به جا آورد، و با فرض جهل ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.^۶

۱. آیة الله تبریزی: اگر طوف را به نیت وظیفه فعلیه اعاده کرده نیاز به اتمام طوف اول نیست.

آیة الله سیستانی: اگر طوف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است و گرنه بنابر احتیاط واجب اعمال عمره را اعاده کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را هم اعاده نماید.

آیة الله فاضل: اگر طوف دوم را به قصد مافی الذمّه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به برائت ذمّه بوده باشد صحیح است و در غیر اینصورت احتیاطاً باید نقص طوف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، سپس اعاده کند.

آیة الله مکارم: طوف دوم باطل بوده است و باید طوف سابق را ادامه دهد.

۲. آیة الله بهجت: صحیح است.

۳. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بنابر اقوی طوف و اعمال مترتبه صحیح است.

۴. آیة الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن طوف، طوف مزبور مجرزی است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۸).

۵. آیة الله اراکی، آیة الله نوری: این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می‌کند.

۶. آیة الله تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طوف کامل به نیت وظیفه فعلیه اعم ←

[۳۹۳] س- کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را تمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۶۵۳) ج- باید^۱ قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.^۲

→ از تمام و اتمام به جا آوردن کافی است.

آیة الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب نیست، بلکه همان طوافی که از سرگرفته کفايت می‌کند. (استفتائات ۶۲۴۶۳)

آیة الله سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفًا بگویند طوافش را قطع کرده است و سپس از سرگرفته باشد طواف صحیح است و اگر بعد از شوط چهارم باشد در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است و گرنه مشکل است مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیة الله مکارم: طواف او و اعمال بعد از آن در هر دو حال صحیح است.

۱. آیة الله بهجت: اگر سهواً و از روی غفلت محدث شده است باید پس از تجدید طهارت طواف را از همان جایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمداً بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد (مناسک، ص ۱۰۲) و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (پرسش‌های جدید حج، س ۷۴)

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۹۲ مراجعه شود.

۲. آیة الله تبریزی: در مسائل سابق توضیح داده شد.

آیة الله خویی: حکم آن در مسأله سابق گذشت.

آیة الله سیستانی: اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده صحیح است و گرنه مشکل است.

آیة الله فاضل: و سپس احتیاطاً سعی را اعاده کند مگر آنکه طواف دوم را به قصد ←

[۳۹۴] س- کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟ (مناسک محسنی، ۶۵۵)

ج- صحیح است.^۱

[۳۹۵] س- کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می‌کنند و بلا فاصله از نو شروع می‌کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟ (مناسک محسنی، ۶۵۷)

ج- اشکال دارد^۲ و اگر بعد از شوط چهارم^۳ طواف بوده باید آن را اتمام کند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز را اعاده نمایند.

- ما فی الذمه «اعم از اتمام و اعاده» انجام داده باشد.
- آیة الله مکارم: طواف دوّم و اعمال بعد از آن صحیح است، هر چند می‌توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.
۱. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.
- آیة الله خویی: بنابر احتیاط صحیح نیست. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).
- آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر به قصد رجاء و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.
۲. آیة الله تبریزی: در مسأله ۳۹۲ حکم آن گذشت.
- آیة الله خامنه‌ای: مطلقاً اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳ س ۶)
- آیة الله خویی: در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.
- آیة الله سیستانی: مگر این که جاهل قاصر باشد.
- آیة الله مکارم: اشکال ندارد.
۳. آیة الله اراکی: بعد از نصف شوط چهارم.
- آیة الله فاضل: اشکال ندارد.

[۳۹۶] س - در باره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصلیان و سیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگرچه طواف دادن در خارج مطاف

کفایت می کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۶۵۸)

[۳۹۷] س - شخصی در حال طواف اشتباه^۲ به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می شود و بعد که متوجه شد بر می گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۶۵۹)

ج - اشکال دارد.^۳ بله، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالاسود به قصد احتیاط شوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود^۴، طوافش اشکال نداشت.

۱. مراجعه شود به مسئله ۳۴۳.

آیة الله بهجت: اگر می تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی کند.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است. آیة الله سیستانی: همه مسجدالحرام مطاف است.

۲. آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: آن دور باطل است و باید آن را از حجرالاسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیت آن دور را بدون نیت ادامه دهد سپس از حجرالاسود قصد کند.

۳. آیة الله ارجکی: و نیز اصل طواف را بنابر احتیاط اعاده می کرد.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: و در فرض اخیر هم چون احتمال باطل شدن اصل طواف می روید احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن ←



[۳۹۸] س - اگر در حال طواف یا سعی یاد رنماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟ (مناسک محسنی، ص ۶۶۰)

ج - اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه^۱ داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است^۲، و احوط اعاده آن است.

[۳۹۹] س - در مطاف چیزهایی از افراد می‌افتد از قبیل ساعت، احرامی و

→ نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند. (مناسک فارسی، ص ۶۷).
آیة الله فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنابر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند و قصد احتیاط هم نباید بکند.

۱. آیة الله تبریزی: (طواف یا سعیش) اشکال دارد.

آیة الله خویی: بنابر احتیاط صحیح نیست. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).
آیة الله فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حال شک اشکال دارد لذا در فرض سؤال باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کند و اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند والا عمل را از نو انجام دهد و در این مسأله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیة الله مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر در حال سعی شک کند و در حال شک به قصد رجاء کشف حال ادامه دهد و بعد یقین به صحت پیدا کند سعی او صحیح است، و در طواف اگر از دلیل طواف لزوم حفظ هر شوط استفاده شود حکم به صحت مشکل است و الا بعید نیست. (آراء المراجع، ص ۲۶۸).

آیة الله مکارم: همه شک‌ها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادلّه شک گردد.

غیره، و کسانی که طواف می‌کنند پا روی آن می‌گذارند، آیا برای طواف ضرر

ندارد و موجب بطلان آن نمی‌شود؟ (مناسک محسنی، م ۶۶۲)

ج - موجب بطلان طواف نمی‌شود.^۱

[۴۰۰] س - اگر انسان می‌داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب

اذیت و عدم رضایت او می‌گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر

ندارد؟ (مناسک محسنی، م ۶۶۳)

ج - به طواف ضرر نمی‌زند.^۲

[۴۰۱] س - گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست

هم می‌دهند و همان طور توسعه می‌دهند تا انسان از مطاف خارج می‌شود، آیا به

همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج

از مطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان

می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

(مناسک محسنی، م ۶۶۶)

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف

کند، و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.^۳

۱. آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمدًاً پا روی آن نگذارد.

۲. آیة الله گلپایگانی: ولی نباید موجب اذیت دیگران را فراهم آورد. (آداب و احکام

حج، مسئله ۵۴۵).

آیة الله مکارم: ولی عمدًاً این کار را نکند مگر اینکه مانع عبور باشد.

۳. آیة الله بهجت: می‌تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها از آنجا که

طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: در فرض مزبور، طواف صحیح است.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: طواف حد معینی ندارد.



[۴۰۲] س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟ (مناسک محشی، م ۶۶۸)

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جا هل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.^۱

[۴۰۳] س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟ (مناسک محشی، م ۶۶۹)

ج - با فرض شک^۲ لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.^۳

→ آیة الله سیستانی: بعيد نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده [فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه] هر چند کراحت دارد، طواف جایز باشد. (مناسک، مسأله ۳۰۳). آیة الله فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کردند اگر جهلاً بوده اعمال مترتبه بر طواف صحیح و از احرام خارج شده‌اند اما طواف و نماز آن را باید اعاده کرده و احتیاطاً سعی را هم اعاده کنند و اگر کیفیت مذکور در طواف نسae واقع شده زن بر آنها حلال نشده است.

۱. آیة الله اراکی: بنابر اشاعه ولی چون حق این است که اشاعه نیست، پس آنچه به آن پول تهییه کرده است مالک شده و طواف و نمازش صحیح است.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی: ولکن اگر همان طور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد عمره اش صحیح است. آیة الله گلپایگانی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد.

۲. آیة الله فاضل: با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.

۳. آیة الله تبریزی: اگر احتمال می‌دهد از ربحی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیة الله سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط ←

[۴۰۴] س-زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین اینکه با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟ (مناسک محسنی، م ۶۷۲)

ج- باید او را در مطاف، طواف دهند، هرچند نامحرم او را پشت کند.

[۴۰۵] س- اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً^۱ به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟ ج- در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بهجا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگرد، و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد^۲ ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بهجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

→ واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلی فی الذمه صحیح است.

آیة الله خویی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود. (مستفاد از منهاج الصالحين، کتاب الخمس، ص ۳۴۳).
۱. حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۳۴۴ گذشت.

آیة الله تبریزی: با تخت در خارج از حد او را طواف دهند.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: با توجه به اینکه مطاف حد معین ندارد او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

آیة الله گلپایگانی: با توجه به اینکه طواف با اتصال به طواف کنندگان از هر فاصله صحیح است با تخت طواف دهند. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۶۸).

۲. آیة الله سیستانی: در مورد خارج شدن از احرام عمره مفرده در این فرض بدون بازگشت و انجام اعمال از سوی خودش از ایشان مطلبی در دست نیست.

[۴۰۶] س- کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کردو مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط ها طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟ (مناسک محسنی، م ۶۷۳)

ج - فرقی نیست.

[۴۰۷] س - آیا بعض شوط های طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشد خودشان انجام دهنند، قابل نیابت است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۶۷۵)

ج - بله، قابل است.^۱

۱. آیة الله اراکی: باید آنها را بدوش بگیرند طوری که پاهایشان به زمین کشیده شود، و در صورت عدم امکان، آنها را بدوش بگیرند، و اگر اینهم ممکن نیست قابل نیابت است.
آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر کسی از اتیان طواف یا سعی یا رمی کامل عاجز باشد ولی به انجام مقداری از آن قادر باشد باقیستی برای تمام عمل نایب بگیرد.
آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: بعيد نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند. (آراء المراجع، ص ۲۴۹).

آیة الله فاضل: باید آنها را با تخت و امثال آن طواف دهند اگر ممکن نباشد بنابر احتیاط واجب در همه طواف نیابت انجام شود = «ص ۱۰۹».

آیة الله فاضل: اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیه آن عاجز شده است می تواند برای بقیه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نائب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور به جا آورده نیابت در بقیه صحیح نیست.

آیة الله سیستانی: اگر از ابتدا بداند که نمی تواند طواف را تمام کند باید برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می تواند برای باقیمانده نایب بگیرد. این حکم در طواف نسا در عمره مفردہ ثابت است و در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب ←

[۴۰۸] س- اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟ (مناسک محسنی، م ۶۸۰)
ج- بلی، طواف باطل است.

[۴۰۹] س- اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟ (مناسک محسنی، م ۶۸۱)
ج- اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.^۱

[۴۱۰] س- شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۶۸۲)
ج- اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته^۲، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.^۳

→ بگیرد. و در خصوص طواف عمره مفرده در صورتی که از انجام چهار شوط هم عاجز باشد آیا اکتفا به نیابت می‌شود یا نه از ایشان مطلبی در دست نیست.
آیة الله مکارم: در صورتی که بشود در باقیمانده آنها را طواف داد باید چنین کنند، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.
۱. به حواشی مسئله ۳۶۶ مراجعه شود.

آیة الله سیستانی: در مورد سهو رجوع شود به حاشیه مسئله ۳۶۶ و اگر جا هل باشد صحت طواف او مورد اشکال است مگر این که جا هل قاصر باشد.
۲. آیة الله خویی: بنابر احتیاط باید طواف را اتمام و اعاده نموده و سایر اعمال را تدارک نماید.
۳. آیة الله فاضل: اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته باشد و عمدًا و یا با جهل تقصیری طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

[۴۱۱] س- کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟
(مناسک محسنی، م ۶۸۳)

ج- با فرض عذر حتی در آینده^۱ عمل مزبور صحیح است^۲ و نماز را بخواند.

[۴۱۲] س- کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟ (مناسک محسنی، م ۶۸۵)

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است^۳ نایب بگیرد.^۴

[۴۱۳] س- اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۶۸۶)
ج- باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند^۵، و اگر با اعتقاد

۱. آیة الله فاضل: بافرض بقاء عذر و عدم امکان طواف دادن اونیابت صحیح است ولی بنابر احتیاط واجب باید در همه طواف نیابت گرفته شود. «عمره مفردہ ص ۱۱۲».

آیة الله اراکی: در صورتی که بلا فاصله و بدون فوت موالات انجام دهد.

۲. به سؤال ۳۷۲ مراجعه شود.

آیة الله مکارم: باید برای تمام طواف نایب بگیرد.

۳. آیة الله فاضل: یا برایش حرجی است.

۴. به مسأله ۳۴۴ مراجعه شود.

آیة الله بهجت: به ذیل مسأله ۳۹۶ مراجعه شود.

۵. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل علیہ السلام شود آن شوط باطل می‌شود و باید آن را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن و این در صورت بقاء موالات است و در صورت فوت موالات طواف محکوم به بطلان است اگرچه از روی جهل یا نسیان باشد. و در مجموعه سؤال و جواب ←

صحّت بوده بقیه اعمال صحیح است.^۱

[۴۱۴] س - اگر کسی جهلاً طواف رایش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال

بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۶۹۰)

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست.^۲ و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست^۳، ولی

→ حاج آقای افتخاری ص ۱۳۰ می فرماید: سؤال: از داخل حجر طواف کرده و در وقت طواف حج به اشتباه خود واقف شد؟ جواب: در مفروض سؤال حج او باطل است به بطلان عمره اش. (فتوا آیة الله تبریزی هم مثل همین است).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن طواف وسعی و تقصیر را به جا آورد و اگر سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند یادور کعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد. (آداب و احکام حج م ۵۶۰)

آیة الله فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

آیة الله مکارم: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

۱. آیة الله اراکی: صحّت بقیه اعمال محل اشکال است، و احوط اعاده بقیه است.

آیة الله بهجت: آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر نیز اعاده نماید.

آیة الله سیستانی: در فرض جهل و فوت موالات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند.

۲. آیة الله فاضل: مگر اینکه جاہل قادر باشد.

۳. آیة الله خویی: بنابر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید. (استفتائات، ص ۲۴۳، ۲۴۳، س ۷۱۹ و المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۵، س ۱۹).

آیة الله سیستانی: در هر صورت اگر جاہل قادر باشد طوافش صحیح است و گرنه مشکل است و به احتیاط واجب باید آن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.

اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده^۱، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط تتمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه بهم خورده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه بهم نخورده حکم صورت قبل را دارد.^۲

[۴۱۵] س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاءاً برای جبران نقص احتمالی به جا می‌آورد، آیا این عمل خلل به طواف او می‌رساند؟ (مناسک محسنی، م ۶۹۲)

ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی‌کند.^۳

[۴۱۶] س - شخصی در اثنای طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی‌داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟ (مناسک محسنی، م ۶۹۶)

ج - اگر ملتقت^۴ بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا

۱. آیة الله مکارم: این صورت هم مانند صورت اول است باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.

۲. نظر آیات عظام در مسأله ۳۵۳ و ۳۵۴ گذشت.

۳. آیة الله اراکی: و باید طواف را اعاده کند.

آیة الله بهجت: قصد جبران قصد زیاده نیست. (مناسک س ۹۰)

آیة الله سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیة الله مکارم: طواف او اشکال دارد.

۴. آیة الله خامنه‌ای، آیة الله خویی: احتمال التفات کافی است.

به طواف مزبور محل اشکال است.^۱

[۴۱۷] س - شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چندگام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می‌شود، آیا این طواف صحیح است؟ (مناسک محسنی، م ۶۹۷)

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.^۲

[۴۱۸] س - کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیم است اما از روی جهل، بدون تیم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۰۰)

ج - طواف و نماز آن، باید اعاده شود.^۳

۱. آیة الله بهجت: حمل بر صحت می‌شود.

آیة الله سیستانی: در هر دو فرض عمل صحیح است.

۲. آیة الله خامنه‌ای: طواف او صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳ س ۶ و ۷)
آیة الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیة الله فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نزدیک شوط دیگر آورده است صحیح است.

۳. آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، فاضل: بنابر احتیاط بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام حرم را مراعات کند.

آیة الله خویی: سعی و تقصیر را هم باید اعاده کند.

آیة الله سیستانی: احتیاطاً طواف و اعمال مترتبه را اعاده کند مگر این که در مسئله کفایت وضو به غیر رجوع کند با رعایت الاعلم فالاعلم.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: باید پس از وضو، طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند (مجموع المسائل، ۴۷۸/۱ مسئله ۴۷)

آیة الله مکارم: احتیاط آن است که اعمال بعد از آن را نیز اعاده کند.

[۴۱۹] س- شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟ (مناسک محشی، م ۷۰۱)

ج- مانع ندارد.^۱

[۴۲۰] س- کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکم‌ش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می‌باشد یا خیر؟ (مناسک محشی، م ۷۰۲)

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست.^۲

[۴۲۱] س- کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد، یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اول نسبت به آن

۱. آیة الله خویی: ظاهراً طواف در خارج از حد تعیین شده صحیح است (مناسک، مسئله ۳۰۶) ولی اگر استیناف طواف از روی اعتقاد به جواز بوده طواف دوم صحیح است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۸، س ۳۷).

آیة الله سیستانی: اگر طواف اول را قطع کرده است به این نحو که از مطاف خارج شده و به کاری مشغول شده باشد که عرفاً صدق کند که طواف را قطع کرده است یا طواف دوم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده باشد صحیح است و گرنه مشکل است مگر این که جا هل قاصر باشد.

آیة الله مکارم: احتیاط اعاده طواف است.

۲. آیة الله بهجهت: اگر کمبود طواف یعنی از رکن یمانی تا حجرالاسود را جبران کند طوافش صحیح است. (مناسک س ۸۳)

آیة الله سیستانی: در فرض اول باطل و در فرض دوم صحیح است.

آیة الله مکارم: اعاده در صورت دوم مبنی بر احتیاط است.

مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طوف کند و آن مقدار را مثل طوف سواره حساب کند؟ (مناسک محسنی، م ۷۰۳)

ج - باید طوف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران^۱ کند و طوف را ادامه دهد.

[۴۲۲] س - مواردی که باید احتیاطاً طوف را تمام کند و نماز طوف بخواند و طوف را بانمازش اعاده کند آیا اگر یک طوف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طوف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طوف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۰۴)

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.^۲

[۴۲۳] س - شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی و مکارم: جبران لازم نیست، و طوافش صحیح است. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه ۳۳۱ مراجعه شود.

آیة الله سیستانی، آیة الله فاضل: اگر به کلی سلب اختیار از او نشود طوف صحیح است و گرنم باید طوف را در وقتی انجام دهد که بتواند همه آن را با اختیار انجام دهد و قصد مذکور در پایان سؤال وجهی ندارد. آیة الله فاضل: اضافه کرد بلی اگر وقت ندارد و جبران آن مقدار نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همان مقدار اکتفا کند.

۲. آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، فاضل: کفایت می‌کند و صحیح است.

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: بنابر احتیاط.



زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟ (مناسک

محشی، م ۷۰۶)

ج - صحیح است. مگر این که بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را
ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.^۱

[۴۲۴] س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف
شک می‌کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟
(مناسک محشی، م ۷۰۷)

ج - اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح
است. و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی‌تواند به طواف
مزبور اکتفا کند.^۲

[۴۲۵] س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد،
طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز طواف را از سر
می‌گیرد و هفت شوط کامل بهجا می‌آورد، آیا طواف او صحیح است؟ (مناسک
محشی، م ۷۰۸)

۱. آیة الله بهجت: در مسأله ۴۱۶ گذشت که طواف او صحیح است.

آیة الله سیستانی: در این فرض اگر جا هل قاصر باشد صحیح است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: صحیح نیست مگر آنکه چند قدم جلوتر از
 محلی که طواف خراب شده به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند و ادامه آن
 را به عنوان وظیفه واجب طواف بهجا آورد. ۵۸۱ آداب و احکام.

آیة الله فاضل: طواف مزبور صحیح ولکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم
 اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

۲. نظر آیات عظام در شرط پنجم از واجبات طواف و مسأله ۳۴۴ گذشت.
آیة الله مکارم: در هر صورت طوافش صحیح است.

ج - اشکال دارد^۱ و باید طواف را اعاده نماید.^۲

[۴۲۶] س - شخصی باعلم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۰۹)

ج - مضر به طواف نیست، و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد.^۳

[۴۲۷] س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟ (مناسک محسنی، م ۷۱۲)

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند^۴ مانع ندارد.

[۴۲۸] س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته

۱. آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: اشکال ندارد.

آیة الله خویی: نظر ایشان در مسأله ۴۱۹ گذشت.

آیة الله سیستانی: اگر به گمان بطلان طواف اول طواف دوم را انجام داده صحیح است.

آیة الله فاضل: اگر موالات عرفیه بهم خورده طواف دوم صحیح است والا باطل است و باید اعاده گردد.

۲. رجوع شود به مسأله ۳۷۴

۳. آیة الله تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.

آیة الله فاضل: اما اگر موجب انزال شود طوافش باطل و کفاره هم دارد.

آیة الله مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

۴. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیة الله سیستانی: و در خصوص طواف می توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می‌کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۷۱۳)

ج - اگر موالات بهم نخورده صحیح است.^۱

[۴۲۹] س - آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می‌تواند همین طواف‌ها را برای معذور نیابت کند؟ (مناسک محسنی، م ۷۱۵)

ج - مانع ندارد.^۲

[۴۳۰] س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصدق اعدام امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز بغیر این محدوده می‌شود یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۱۷)

ج - شامل نیست.^۳

[۴۳۱] س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با

۱. آیة الله مکارم: رفع خستگی اگر طولانی نباشد موالات را بهم نمی‌زنند.

۲. آیة الله تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از اداء مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. (مجموع المسائل ۴۴۱/۱ مسئله ۸).

۳. رجوع شود به شرط پنجم از واجبات طواف.

آیة الله بهجت: مجوز طواف در خارج از حد نیست (پرسش‌های جدید حج، س ۵۴).

آیة الله خامنه‌ای: بنابر اعتبار محدوده خاص برای طواف و گذشت که لازم نیست. (حاشیه م ۳۴۳)

اجنبی یا اجنبیه برخورد می‌کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

(مناسک محسنی، م ۷۱۸)

ج - آنچه ذکر شده^۱ عذر نیست.^۲

[۴۳۲] س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌شان برهم می‌خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۲۰)

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، و گرنه باید به وظائف مستحاضه عمل کند.^۳

۱. آیة الله بهجت: مجوز طواف در خارج از حد نیست (پرسش‌های جدید حج، س ۵۴).

آیة الله خامنه‌ای: همان طور که گذشت اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست. (حاشیه م ۳۴۴)

۲. آیة الله سیستانی: رجوع شود به شرط پنجم از واجبات طواف.
آیة الله مکارم: طواف حد معینی ندارد و برخورد از روی لباس بدون قصد خاصی اشکال ندارد.

۳. آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: در صورتی که سه روز اول حیض پشت سر هم نباشد مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی‌بینند هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بهجا آورد. (توضیح المسائل مسائل ۴۴۷ احکام حائض).

آیة الله فاضل: اگر شرایط حیض را داشته و اعمال را هم تمام کرده، فقط طواف و نماز طواف را اعاده نماید.



[س-آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر کند، یا یک غسل برای هر دو کافی است؟ (مناسک محسنی، م ۷۲۵)
ج- برای هریک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.^۱

۱. آیة الله بهجت: زنی که در حال استحاضه است به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است. (مناسک، م ۲۹۹).

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیة الله خویی: واما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل. (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیة الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست، و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً به جا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود مثل اینکه در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجموع المسائل ۴۶۸/۱ مسأله ۹).

آیة الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسل‌های نماز خود را به موقع به جا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

[۴۳۴] س- زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

(مناسک محسنی، م ۷۲۹)

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلًا بوده به احتیاط واجب^۱ پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.^۲

[۴۳۵] س- زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در

اثنای طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۰)

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت^۳ حکم حدث جدید را دارد.

[۴۳۶] س- زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۲)

ج- اگر خون قطع نمی شود برای هریک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد^۴، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام

۱. آیة الله فاضل: چنانچه از نصف گذشته باشد ظاهراً طوافش باطل است و باید اعاده کند و احتیاط مستحب آن است که طواف قبلی را تمام کرده و پس از نماز اعاده و اگر هنوز به نصف نرسیده فقط اعاده کافی است.

۲. به مسئله ۲۹۸ و ۲۹۹ مراجعه شود.

آیة الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است بعد از طهارت و احتیاط لازم نیست.

۳. آیة الله مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده حکم حدث جدید دارد.

۴. آیة الله تبریزی: بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آندو یک وضو بگیرد.



غسل کند و وضو بگیرد.^۱

[۴۳۷] س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۳)

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند^۲ و

۱. آیة الله خویی: در کثیره احوط این است که برای هر کدام از طواف و نماز غسل نماید و قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و متوسطه یک غسل برای هر دو به جا آورد و برای هر کدام وضو بگیرد.

آیة الله سیستانی: اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله میسر باشد به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتوانند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجموع المسائل ۴۶۸/۱ مسأله ۹).

آیة الله مکارم: چنان که قبل‌گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

۲. آیة الله اراکی، آیة الله بهجهت: اتمام لازم نیست.

آیة الله تبریزی: بعید نیست تمام کردن طواف سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

آیة الله سیستانی: صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد از آن بوده است.

آیة الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

پس از غسل اعاده نماید.

[۴۳۸] س - هرگاه زن قُرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طواف‌ها و نماز چه کند؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۵)

ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.^۱

[۴۳۹] س - زن‌هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۶)

ج - حکم استحاضه را دارد و باید به وظيفة مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لکه دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم و مابعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.^۲

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: چنانچه بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حائض و مستحاضه جمع کنند، و اگر بعد از شصت سال خونی دیدند حکم به استحاضه می‌شود.

آیة الله خامنه‌ای: تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است بانوان می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرائط دیگر مراجعه نمایند. (اجوبة الاستفتاثات س ۲۱۶)

آیة الله سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیده و غیر سیده با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود.

۲. به مسأله ۲۹۸ و ۲۹۹ مراجعه شود.

آیة الله فاضل: و همین طور بین ماقبل از نصف و بعد از آن تا اتمام شوط رابع.



[۴۴۰] س - محرومی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه و ضویش باطل می شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟ (مناسک محسنی، م ۷۳۸)

ج - حکم مبطنون را دارد^۱، که از تحریر الوسیله جلد اول صفحه ۳۰ مسأله ۱۳ استفاده می شود. و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند^۲، و همچنین است حکم در نماز طواف.

[۴۴۱] س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا بر می گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۱)

۱. آیة الله بهجهت: مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد. (پرسش های جدید حج، س ۶۶).

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط حکم مبطنون را دارد.

آیة الله خویی: بلکه حکم مسلوس را دارد. (مستفاد از مناسک، مسأله ۲۹۹).

۲. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب مثل مبطنون باید نایب هم بگیرد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و مبطنون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند. (مجمع المسائل ۴۶۹/۱ مسأله ۱۳).

آیة الله سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر اینکه حدثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند.

آیة الله مکارم: این احتیاط در مورد مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.

ج - اشکال دارد.^۱

[۴۴۲] س - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود، می خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۳)

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

[۴۴۳] س - قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۴)

ج - اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قران داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده طواف باطل نمی شود.^۲

۱. آیات عظام اراکی، تبریزی، صافی، گلپایگانی: با قصد استیناف اشکال ندارد.

آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: اشکال ندارد.

آیة الله خویی: با اعتقاد به جواز استیناف مجزی است.

آیة الله سیستانی: صحت طواف بعید نیست.

۲. مراجعه شود به مسئله ۳۶۴ و ۳۶۶ مراجعه شود.

آیة الله تبریزی: در صورتی که قران محقق شود مطلقاً موجب بطلان طواف است چه از اول یا اثنای طواف اول قصد قران داشته یا اینکه بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده باشد.

آیة الله سیستانی: اگر هر دو طواف واجب باشد یا یکی مستحب و دیگری واجب باشد چه از اول قصد قران داشته باشد و چه بعداً تصمیم بگیرد ولی طواف دوم را تمام کند طواف اول باطل است، آری اگر هر دو مستحب باشد، هر چند کراحت دارد ولی جایز است.



[۴۴۴] س - آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۵)

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مذبور صحیح است.

[۴۴۵] س - اینکه فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را تمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۸)

ج - بلی، احتیاط به این است که قبل اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید.

[۴۴۶] س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که محروم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخیط هم جایز است؟ (مناسک محسنی، م ۷۴۹)

ج - هیچ‌یک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.^۱

[۴۴۷] س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظيفة او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۵۰)

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدنه پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در

۱. آیه الله بهجت: احتیاط در احرام نایب است.

آیه الله صافی، آیه الله کلپایکانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از اداء مناسک خود، طواف و سعی نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. (مجمع المسائل ۴۴۱/۱ مسئله ۸).

صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد^۱ و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.^۲

[۴۴۸] س- آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است بالباس

احرام باشد؟ (مناسک محسنی، م ۷۵۱)
ج- لازم نیست.^۳

[۴۴۹] س- هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و بالباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۵۲)

۱. آیة الله گلپایگانی: و اگر این را هم نمی‌تواند (حکمی که در متن هست)، برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را به جا آورد و بعد تجدید وضو نموده و سه شوط دیگر آن را انجام دهد. (مجمع المسائل ۴۷۷/۱ مسأله ۴۰).

۲. آیة الله اراکی: و در هر صورت بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد. آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیة الله تبریزی: بعید نیست که یک وضو کفایت کند مادامی که حدث متعارف از او صادر نشود؛ گرچه احتیاط، اعادة وضو است.

آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد. «عمره مفرده ص ۱۲۵». ۳. آیة الله خویی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آن را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقی است باقی در احرام می‌باشد و لباس دوخته را باید در بیاورد و بعد از گذشت زمان تدارک حجش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۲ و ۳۴۵ و ۳۵۱ و استفتائات، ص ۲۸۲).

آیة الله سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرمات احرام اجتناب کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در طواف عمره تمتع و عمره مفرده احرام واجب است و در طواف حج لازم نیست. (آداب و احکام حج م ۶۱۰)

ج - طواف و سعی مزبور صحیح، و عمرة مذکور مجزی است.^۱

[۴۵۰] س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می‌کند؟ (مناسک محشی، م ۷۵۴)

ج - فرق می‌کند^۲، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط.

۱. آیة الله بهجت: ولی پوشیدن لباس مخیط در حال احرام کفاره دارد.

آیة الله تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباس‌های دوخته‌ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیة الله خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیة الله مکارم: در صورت عدم خلاف احتیاط است گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیة الله نوری: هر چند که مرتكب حرام شده است و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۲. آیة الله خویی: فرق نمی‌کند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم بنابر احتیاط واجب است ولکن باید به نحوی باشد که ساتر به صورت زن مسّ نشود. (مناسک عربی، مسأله ۲۶۷ و استفتایات، مسأله ۸۶۱).

آیة الله سیستانی: فی الجمله فرق می‌کند گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر م محل باشد.

آیة الله فاضل: در حال طواف برای زن حفظ از نامحرم و جوب نفسی دارد.

آیة الله مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیة الله نوری: فرق می‌کند چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

[۴۵۱] س- اگر مقداری از موهای سرزن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف پوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۵۵)

ج- اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست^۱ علی الاحوط و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصّر علی الاحوط.

[۴۵۲] س- شخصی در عمره طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بهجا می‌آورد و نماز و سعی بهجا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۵۶)

ج- عمل او صحیح است^۲، هرچند داخل در قرآن حرام است.

[۴۵۳] س- گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم بهم خورد یانه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد

۱. آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم: طواف صحیح است هرچند گناه کرده است.

آیة الله خویی: در فرض جهل به حکم طواف صحیح است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۴).

۲. آیة الله بهجت: چون جنبه احتیاطی دارد، اشکالی ندارد و طواف احتیاطی طواف دیگر نیست تا قرآن حاصل شود. (مناسک س ۹۱ و ۹۲)

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اعاده طواف به عنوان احتیاط قران نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳ و صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۳۲).

نسبت به نظر سایر آیات عظام مراجعت شود به مسائله ۳۷۴ و ۳۷۵.

آیة الله سیستانی: صحّت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز مگر اینکه جاهل قاصر باشد.



و بعد نماز بخواند یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۶۳) ج - به وسوسه نباید اعتمنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی‌شود.

[۴۵۴] س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۶۵)

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثناء نکرده معتبر است.^۱

[۴۵۵] س - در طواف مستحبی زنان می‌دانند که به بدن مردان نگاه می‌کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می‌گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟ (مناسک محسنی، م ۷۶۶)

ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است.

[۴۵۶] س - محرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل

۱. آیة الله سیستانی: به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می‌شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود. (ملحق مناسک، س ۲۴۴).

آیة الله فاضل: مانند اینکه در طواف مستحبی موالات طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن موجب بطلان نمی‌شود و بنا بر اقل می‌گذارد و صحیح است و قرآن بین دو طواف مستحب حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیار صحیح است.

آیة الله مکارم: مانند موالات و وضو که در طواف مستحبی معتبر نیست و نماز که در همه جای مسجدالحرام می‌توان خواند.

از اعمال عمره مفرد، و همچنین پس از محروم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجش ضرر می‌زند یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۷۶۸)

ج - احوط ترک طواف^۱ مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی‌زند.

[س - آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟ (مناسک محسنی، م ۷۶۹)

ج - نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت

۱. آیة الله بهجت: اشکالی ندارد. (پرسش‌های جدید حج، س ۶۹).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود بنابر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیة الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اقوی جواز و احوط ترک آن است. (آراء المراجع، ص ۳۲۳).

[در عمره تمتع و عمره مفرد نظر آیات نظام نامبرده در مناسک مطابق متن است ولکن در آراء المراجع ص ۳۲۳ در جواب استفتاء آیة الله خویی چنین فرموده‌اند: طواف مستحبی در اثنای عمره تمتع و عمره مفرد جایز است. و در ادامه از آقای لطفی چنین نقل شده: به نظر آیة الله خویی احوط ترک طواف مستحبی است در اثنای عمره تمتع و عمره مفرد قبل از تقصیر، ولی در عمره مفرد بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.]

چند نفر انجام دهد.^۱

[۴۵۸] س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب

به جا آورده باشد؟ (مناسک محسن، م ۷۷۰)

ج - جایز نیست^۲ مگر در مورد ضرورت.

آداب و مستحبات طواف^۳

[۴۵۹] م - در حال طواف^۴، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ يَاسِمِكَ الَّذِي يُمْشِي بِهِ عَلَى ظُلُلِ الْمَاءِ كَمَا يُمْشِي بِهِ عَلَى جُدُدِ الْأَرْضِ وَأَسأَلُكَ يَاسِمِكَ الَّذِي يَهْتَزُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسأَلُكَ يَاسِمِكَ الَّذِي تَهْتَزُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسأَلُكَ يَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسأَلُكَ يَاسِمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَقدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأْخَرَ وَأَتَمَّتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَقْعُلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَايْفٌ مُسْتَجِيرٌ قَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي

۱. آیة الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. (ملحق مناسک، س ۱۷۸).

آیة الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند.

۲. مراجعه شود به پنجم از واجبات طواف.

۳. آیة الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد.

۴. آیة الله خامنه‌ای: و شایسته است که در حال طواف همواره خشوع و خضوع قلب داشته و به ذکر خدامشغول باشد وادعیه وارد را قرائت نماید. (مناسک حج، م ۲۴۲)

وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرسته بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:^۱

«سَائِلُكَ فَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِيَابِيكَ، فَتَصَدِّقَ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بِيَمِنِكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقِنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوْلِدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادِ يَا كَرِيمُ». .

وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناوдан و سر را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَّتِي مِنَ السُّقُمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرِأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجمِ». .

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه بر سر بگوید: «يَا ذَا الْمَنْ وَالظُّولِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي وَتَقْبِيلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». .

و چون به رکن یمانی بر سر دست بردارد و بگوید: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَ الْعَافِيَّةِ وَحَالِقَ الْعَافِيَّةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَّةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَّةِ وَالْمَنَانُ بِالْعَافِيَّةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَّةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَرَحِيمُهُمَا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنَا الْعَافِيَّةَ وَتَامَ الْعَافِيَّةَ وَشُكْرُ الْعَافِيَّةِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». .

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:^۲

۱. آیة الله سیستانی: این دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

۲. آیة الله سیستانی: این دعا در مناسک ایشان مذکور نیست.

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي شَرَّفَكِ وَعَظَّمَكِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِيًّاً وَجَعَلَ عَلَيْهِ اِمامًا اَللّٰهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنَّبْهُ شِرارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود بر سد بگوید:

«رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار^۱ رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أَللّٰهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

«أَللّٰهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ أَللّٰهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي وَأَغْفِرْ لِي مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَىٰ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«أَللّٰهُمَّ قَنَّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:^۲

«أَمَاتَتِي أَدَّيْتُهَا وَمِياثِقِي تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوْافَةِ».

۱. مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.
۲. آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

نماز طواف

[۴۶۰] م- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دور رکعت نماز بخواند

(مناسک محسنی، م ۷۷۳) مثل نماز صبح.

[۴۶۱] م- می تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سجده^۱، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو الله احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل يا أيها الكافرون» را بخواند.

(مناسک محسنی، م ۷۷۴)

[۴۶۲] م- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر. (مناسک محسنی، م ۷۷۵)

[۴۶۳] م- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است^۲، و باید

۱. آیة الله سیستانی: قراءت سوره‌های سجده در نماز جایز است ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می شود مگر اینکه سه‌ها سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

۲. آیة الله بهجت: بعد از استقرار آن به ترویی علی الأحوط، و اظہر اعتبار ظن در رکعات است مثل ظن در افعال؛ چه ظن به وجود باشد یا عدم به مصحح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن، در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می کند، اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله، در صورت تعلق ظن به فعل که تدارک نمی کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً (وسیله ص ۲۳۹ و ۲۴۷).



اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظن در^۱ رکعت، و در ظن در افعال^۲ احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است. (مناسک محسنی، م ۷۷۶)

[۴۶۴] م- احوط آن^۳ است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد. (مناسک محسنی، م ۷۷۷)

[۴۶۵] م- واجب است که این نماز^۴ نزد مقام ابراهیم واقع شود. و احتیاط واجب^۵ آن است که پشت مقام به جا آورده که سنگی که مقام است بین او و خانه

۱. آیة الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۲. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.
آیة الله فاضل، آیة الله گلپایگانی: ظن در افعال معتبر است.

۳. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده. آیة الله خویی اضافه نموده‌اند که فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر تدارک نشود حج باطل می‌شود.
(استفتائات، ص ۲۴۶، س ۷۳۰).

آیة الله خامنه‌ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود. (مناسک حج، ۲۸۸، م)
آیة الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.
آیة الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است.

۴. آیة الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود. (مناسک، م ۱۱۰).
۵. آیة الله تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است....

آیة الله خامنه‌ای: واجب است که نماز طواف پشت مقام ابراهیم^{علیه السلام} - در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران - نزدیک به مقام اقامه شود و در صورتی که این امر میسر نشود، می‌تواند آن را در مسجد الحرام پشت مقام و با فاصله از آن به جا آورد.
(مناسک حج، م ۲۹۰)

آیة الله خویی: بلکه مبادرت واجب است.

آیة الله سیستانی، آیة الله فاضل: اظهر آن است....

کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک‌تر بایستد، لکن نه به‌طوری که مزاحمت با سایرین کند. (مناسک محسنی، م ۷۷۸)

[۴۶۶] م - اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد به‌طوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند بواسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب به‌جا^۱ آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند. (مناسک محسنی، م ۷۷۹)

[۴۶۷] م - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به‌جا آورد باید

→ آیة الله مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علی‌الله‌ی السلام به‌جا آورد.

۱. آیة الله بهجت: در صورت عدم تمکن و بعد مفرط در یکی از دو جانب آن بجا آورد.
آیة الله تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالاقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجا آورد.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.
آیة الله خویی: در صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام می‌تواند بارعایت الأقرب فالاقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۵).

آیة الله سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکیش چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد. و اگر نتواند آن دورابه‌جا آورد هر کدام که ممکن است انجام دهد، و اگر نتواند هیچ‌کدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیک‌تر باشد، و اگر پس از آن تازمانی که وقت سعی تنگ شود نتوانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند احتیاط مستحب اعاده آن است. (مناسک، ص ۲۴۵).

آیة الله نوری: در هرنقطه‌ای از مسجدالحرام که ممکن شود می‌توانند نماز طواف را بخواند و مستحب است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم الأقرب فالاقرب (هرچه نزدیک‌تر باشد بهتر است) را مراعات کند.

ملاحظه نزدیک‌تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام^۱، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک‌تر از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا^۲ به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک‌تری، و احوط^۳ اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام^۴ تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی. (مناسک محشی، م ۷۸۰)

[۴۶۸] م - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بهجا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آن را می‌تواند عمداً

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.
آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۴۶۵ مراجعه شود.
آیة الله فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

۲. آیة الله بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشد با مراعات الاقرب فالاقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را با رعایت احتیاط در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف، و أحد جانبهاین به جمع در نماز بلکه به اعاده پس از تمكن از نماز در پشت سر اگرچه در آخر وقت امکان باشد. و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است. (مناسک، ص ۱۱۸).

آیة الله خویی: اعاده لازم نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۲).
آیة الله فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیة الله گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجائے بخواند.

۳. آیة الله اراکی: وقت نماز تنگ نشده.
آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اعاده لام نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۲).
آیة الله مکارم: این دقّت‌ها لزومی ندارد.

ترک^۱ کند. (مناسک محسنی، م ۷۸۱)

[۴۶۹] م- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که بیادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۴۶۴ به بعد ذکر شده عمل نماید. (مناسک محسنی، م ۷۸۲)

[۴۷۰] م- اگر نماز طواف را فراموش کند و درین سعی بین صفا و مروه بیادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگرد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا^۲ تمام کند. (مناسک محسنی، م ۷۸۳)

[۴۷۱] م- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کرده اعادة آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است. (مناسک محسنی، م ۷۸۴)

[۴۷۲] م- اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هرجا^۳ بیادش آمد نماز را به جا آورد اگرچه در

۱. آیة الله بهجت: مورد تأمل است. (مناسک شیخ ص ۴۷)

آیة الله سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کند.

آیة الله مکارم: ترک آن مشکل است.

۲. آیة الله بهجت: سعی را اعادة نماید. (مناسک مسأله ۳۳۳).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را، و در کمتر از نصف همه آن را مجدداً به جا آورد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۴۱).

۳. آیة الله بهجت: و چنانچه بعد از بیرون رفتن از مکه بیادش بیاید که نماز را نخوانده بایستی به مکه برگشته و نماز را در جاهایی که گفته شد به جا آورد و در صورتی که نتواند یا دشوار باشد به مکه برگردد هر جا بیادش آمده به جای آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین احوط جمع است میان قضاe آنها در هرجا که متذکر شود و گرفتن نایب که ←



شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم^۱ نیست اگرچه آسان باشد. (مناسک محسنی، م ۷۸۵)

[۴۷۳] م - اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ^۲ او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب «صلوة» تفصیل داده شده است. (مناسک محسنی، م ۷۸۶)

→ آنها را در مقام به جای آورد. (مناسک، مسئله ۳۳۳).

آیة الله سیستانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز به جای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیة الله فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز و استنابه و اگر در منی نباشد نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعيد نیست.

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم به جا آورد.

آیة الله خامنه‌ای: اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجدالحرام برای او حرجی نباشد باید برگردد به مسجدالحرام برای انجام نماز طوف و اگر پس از خروج از مکه مکرمه به یادش آمد که نماز طوف را نخوانده است باید آن را در همان محلی که به یاد آورده اقامه کند. (مناسک حج، م ۲۹۱)

آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او به جا آورد، (مناسک فارسی، م ۱۱۴).

آیة الله مکارم: منظور برگشتن به حرم خارج از مسجدالحرام است.

۲. آیة الله بهجت: بر ولی او لازم است آن را قضا کند.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش آن را از طرف پدر قضا کند. (مناسک، م ۳۳۰).

آیة الله مکارم: و اگر دیگری نیز به جا آورد کفايت می‌کند.

[۴۷۴] م- جاہل^۱ به مسأله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک است با او. (مناسک محسنی، م ۷۸۷)

[۴۷۵] م - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند^۲، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است... (مناسک محسنی، م ۷۸۸)

[۴۷۶] م- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلی اقتدا کند، لکن^۳ اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.^۴ (مناسک محسنی، م ۷۸۹)

۱. آیة الله خامنه‌ای: قاصر و یا مقصراً. (مناسک حج، م ۲۹۲)

۲. آیة الله مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

۳. آیة الله بهجهت: از اینجا تا آخر مسأله تصریح نشده است.

۴. آیة الله اراکی: احتیاط آن است در صورت امکان به جماعت هم انجام دهد و نایب بگیرد، ولی به آنها اکتفا نکند، و خودش به هر ترتیبی که می‌تواند به جا آورد. آیة الله بهجهت: کسی که واجبات نماز را از قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل است و همچنین حج او، پس ذمه او بری نخواهد شد از حجۃ الاسلام لذا بر مکلف لازم است جمیع اوقات خصوصاً در وقت اراده حج بیت الله الحرام نماز خود را تصحیح نماید. و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند، تا از تشویش قرائت حمد و سوره فارغ شود. و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیه کافی است.

آیة الله خامنه‌ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک ←



[۴۷۷] م- نماز طواف را در همه اوقات می شود بخواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند. (مناسک محسنی، م ۷۹۰)

[۴۷۸] م- اگر کسی از روی بی مبالغتی مسامحه کردد ریادگر گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسئله ۴۷۴ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۷۹۱)

→ حج، م (۲۹۵)

آیة الله سیستانی: اگر نتواند قراءت خود را تصحیح کند هر چند در اثر مسامحه و سهل انگاری ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند، و اگر نتواند، تسبیح بگوید، و اگر وقت برای یادگر گرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنا بهی یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفًا قرآن خواندن صدق کند، و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز بهتر و مطابق با احتیاط است. (مناسک فارسی، ص ۸۱، م ۱۱۳).

آیة الله مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

۱. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصّر بودن این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت بهجا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد. (مناسک، م ۳۳۱).

[۴۷۹] م- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است بخصوص در موقع ازدحام، مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند. (مناسک محسنی، م ۷۹۲)

استفتائات نماز طواف

[۴۸۰] س- آیا طواف در عمره مفردة استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می‌توان نماز آن را خواند؟ (مناسک محسنی، م ۱۹۰)

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.^۱

[۴۸۱] س- کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل به جا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۹۳)

ج - باید نماز را اعاده کند.^۲

[۴۸۲] س- شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و محل شده است، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۹۴)

ج - باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.^۳

۱. آیة الله نوری: خلف مقام لازم نیست هر چند در صورت امکان اولی است.

۲. آیة الله مکارم: و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

۳. آیة الله سیستانی: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در فرض سؤال (که بعد از عمره تمتع هنوز محروم برای اعمال حج نشده است) باید نماز را اعاده کند و سعی و تقصیر او صحیح است. لکن احتیاط مؤکد در اعاده سعی و تقصیر نیز می‌باشد. (مناسک عربی، ص ۱۱۷ و مجمع المسائل ۴۶۶/۱).



[۴۸۳] س - کسی که هرچه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟ (مناسک محسنی، م ۷۹۶)

ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.^۱

[۴۸۴] س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۷۹۷)

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار^۲ مانع ندارد.

[۴۸۵] س - برای کسانی که قرائشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۰)

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط^۳ در همه موارد سؤال

۱. مراجعه شود به مسئله ۴۷۶.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسئله ۴۷۶ مراجعه شود.

آیة الله مکارم: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

۲. آیة الله نوری: در صورت ازدحام در غیر پشت مقام مانع ندارد.

۳. آیة الله اراکی: این احتیاط، وجوبی است، (البته مقصود از طواف واجب و مستحب، طواف حج و عمره واجب، و حج و عمره مستحب است).

آیة الله بهجت: گذشت استحباب جماعت در نماز طواف واجب و همچنین می تواند اقتدا کند در طواف مستحب با طواف واجب امام. (ذخیره، ج ۲، ص ۲۳۵ و ۲۱۷) ←

حاصل می‌شود.

[۴۸۶] س- در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانع ندارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۵)

ج- اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

[۴۸۷] س- آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۶)

→ آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: برای رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب اقتداء کند.

آیة الله خامنه‌ای: جایز بودن اقامه نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵)

آیة الله خویی: جماعت در هیچ یک از نمازهای مستحبی بالاصاله مشروع نیست. و همچنین بنابر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهای یومیه و بالعکس جایز نیست اقتدا کند و نماز طواف به نماز طواف واجب مانع ندارد (قسمت اول از منهج الصالحین، مسأله ۷۷۳ و ۷۷۴ و قسمت آخر مستفاد از مجموع مسائل و مناسک فارسی، مسأله ۳۳۶).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: جماعت در نماز مستحبی مشروع نیست، و اگر امکان داشت به نماز طواف واجب اقتداء کند و الا به نماز یومیه به رجاء مطلوب واقع شدن. (مناسک عربی، ص ۱۱۸).

آیة الله مکارم: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.
۱. آیة الله فاضل: و متنجسی.



ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.^۱

[۴۸۸] س - بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۷)

ج - احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.^۲

[۴۸۹] س - گاهی در پشت مقام ابراهیم ﷺ جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار هم قرار می‌گیرند احياناً مورد فشار ازدحام واقع می‌شوند، بدون اینکه ریبه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۸)

ج - برای نماز ضرر ندارد.^۳

[۴۹۰] س - احياناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جایه‌جا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟ (مناسک محسنی، م ۸۰۹)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله فاضل: هرگاه متنجسی باشد که نمی‌تواند با آن ستრ عورت کند معفو است. و اگر می‌تواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان نجسیه باشد محل اشکال است.

آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۳۱۱ مراجعه شود.

آیة الله خوبی، آیة الله سیستانی: محمول متنجس در طواف نیز اشکال ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۲۹۷)

آیة الله مکارم: لباس‌هایی که به تنها یی ستر عورت نمی‌کند در طواف و نماز آن اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنجس.

۲. آیة الله بهجهت: اشکال ندارد اگر محل به فوریت عرفیه نباشد.

آیة الله خامنه‌ای: نباید میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود و معیار تشخیص ایجاد فاصله یا عدم آن بر مبنای عرف است. (مناسک حج، م ۲۸۸)

۳. آیة الله فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود.

ج - اگر صحیحاً تمام کند^۱، مانع ندارد.^۲

[۴۹۱] س - کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفردہ مستحبی به جا بیاورد؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۲) ج - اشکال ندارد.^۳

[۴۹۲] س - شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نمازو سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۳)

ج - باید نمازو سعی را به جا آورد، و با فرض جهل^۴ یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.^۵

۱. آیة الله اراکی: باعلم واطمینان به مراجحت و عدم استقرار، قصد رجاء محقق نمی شود و صحیح نیست ولی بالاحتمال می تواند رجاءً شروع به عمل کند و تمام کند.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر به امید اینکه بتواند نماز را صحیحاً انجام دهد شروع نماید و صحیحاً تمام کند مانع ندارد.

آیة الله مکارم: اگر به امید اینکه بتواند آن را کامل کند انجام داده است مانع ندارد.

۳. آیة الله بهجت: اگر استنابه هم بکند اگرچه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و بنا بر احتیاط برای نماز نایب هم بگیرید.

۴. آیة الله بهجت: احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند. (مستفاد از سؤال ۸۵ و ۱۷۰ مناسک)

۵. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیة الله سیستانی: اگر فاصله زیاد شده است به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و به هر حال پس از سعی تقصیر را نیز اعاده کند.

آیة الله گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد. (مستفاد از مجمع المسائل ۴۶۶/۱ و مناسک عربی، ص ۱۲۱ و مناسک فارسی، ص ۸۶ مسئله ۱۲۲).

آیة الله مکارم: و احتیاطاً تقصیر را نیز اعاده نماید.



[۴۹۳] س- آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو

طرف مقام نیز می شود؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۴)
ج- باید خلف مقام باشد.^۱

[۴۹۴] س- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحبت

آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۵)
ج- فقط نماز را باید اعاده کند.

[۴۹۵] س- آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه به جا

آورد؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۸)
ج- صحبت آن محل اشکال است.^۲

[۴۹۶] س- پشت مقام تا چه انداخته‌ای صادق است، و آیا حد معینی نمی توان

برای آن فرض کرد؟ (مناسک محسنی، م ۸۱۹)
ج- عرفی است.

[۴۹۷] س- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز

اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مُخلّ است؟ (مناسک محسنی، م ۸۲۰)

ج- مانع ندارد^۳، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر

۱. آیة الله مکارم: مگر اینکه نتواند پشت مقام انجام دهد.

۲. آیة الله خامنه‌ای، آیة الله مکارم: مشروعیت جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

۳. آیة الله سیستانی: فاصله انداختن به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا تحصیل جای مناسبی برای نماز مُخلّ به مبادرت نیست ولی به کارهایی جدای از نماز طواف، مثل خواندن نماز قضا و مانند آن مشغول نشود و اگر عمدتاً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیة الله فاضل: ظاهراً مقدار فاصله مخل به موالات عرفیه نسبت به افراد وهنگام ←

نماز، اعاده طواف لازم نیست.^۱

[۴۹۸] س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا در این صورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان به جا آورد، و آیا صدق پشت مقام می‌نماید؟ (مناسک محسنی، م ۸۲۱)

ج - صدق خلف، به نظر عرف است.^۲

مستحبات نماز طواف^۳

[۴۹۹] م - در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را

→ ازدحام و غیر آن فرق می‌کند و به طور کلی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خستگی و تطهیر مخلّ نیست و اگر عمداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیة الله کلپایگانی: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

۱. آیة الله تبریزی: با فوت موالات عرفی احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیة الله خویی: باید اعاده نماید. (استفتائات موجود نزد آقای موسوی مددی، ص ۲۴۶، س ۷۳۰).

۲. آیة الله خامنه‌ای: به حاشیه مسئله ۴۶۵ مراجعه شود.

آیة الله سیستانی و آیة الله فاضل: اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند احتیاطاً هم در یکی از دو طرف مقام و هم پشت مقام و دور از آن نماز بخواند.

آیة الله فاضل: لیکن در چنین شرایطی باید منتظر بماند تا خلوت شود بعد طواف و نماز را انجام دهد ولو به شب یا روزهای بعد بیفتند.

آیة الله مکارم: به هنگام ازدحام مانعی ندارد.

۳. آیة الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد.



به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول

نماید و بگویید:^۱ (مناسک محشی، م ۸۲۴)

«اللَّهُمَّ تَقْبَلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرُ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَمِّدِهِ كُلُّهَا عَلَى نَعْمَائِهِ كُلُّهَا حَتَّى يَنْتَهِي الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضِي، اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْبَلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ أَللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدُّ حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به

سجده رفته و چنین می‌گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًا حَقًا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدِيكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاغْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقْرِّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۱. آیة الله بهجهت، آیة الله سیستانی: دعای اول و دوم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود دارد.

سعی

- [۵۰۰] م- واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند. (مناسک محسنی، م ۸۲۵)
- [۵۰۱] م- مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا. (مناسک محسنی، م ۸۲۶)
- [۵۰۲] م- واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است. (مناسک محسنی، م ۸۲۷)
- [۵۰۳] م- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود^۱، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید^۲ باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند. (مناسک محسنی، م ۸۲۸)
- [۵۰۴] م- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و

-
۱. آیة الله خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این مسئله را متعرض نشده‌اند.
۲. آیة الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند بعید نیست، کفایت کند.



در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی^۱ را اعاده کند اگرچه

اقوی کفایت همان سعی است. (مناسک محسنی، م ۸۵۴)

[۵۰۵] م- در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمول، چه

در حال اختیار و چه با عنذر لکن راه رفتن افضل است. (مناسک محسنی، م ۸۳۰)

[۵۰۶] م- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی^۲ معتبر نیست

گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است. (مناسک محسنی، م ۸۳۱)

[۵۰۷] م- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً

پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند. (مناسک محسنی، م ۸۳۲)

[۵۰۸] م- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف اقوی^۳ آن است

که آن را اعاده کند و همچنین^۴ است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

(مناسک محسنی، م ۸۳۳)

۱. آیة الله بهجت و آیة الله خامنه‌ای: سعی صحیح است (پرسش‌های جدید حج، س. ۷۸).

آیة الله سیستانی: اگر جا هل قاصر بوده سعیش صحیح است و اگر مقصربوده صحتش اشکال دارد.

آیة الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲. آیة الله گلپایگانی متعرض ستر عورت نشده‌اند.

آیة الله مکارم: ستر عورت احتیاط واجب است.

آیة الله نوری: با عدم وجود ناظر محترم معتبر نیست.

۳. آیة الله اراکی: احوط.

آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب.

آیة الله تبریزی: اگر مقدم داشتن سعی از جهت فراموشی طواف بوده باشد باز احوط این استکه سعی را پس از طواف اعاده نماید.

۴. آیة الله بهجت: حکم جهل را متعرض نشده‌اند.

- [۵۰۹] م- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مرود سعیش باطل است. (مناسک محسنی، م ۸۳۴)
- [۵۱۰] م- اگر بین صفا و مرود رادو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است^۱ سعی کند گرچه احوط^۲ سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده. (مناسک محسنی، م ۸۳۵)
- [۵۱۱] م- سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مرود است، جایز نیست.^۳ (مناسک محسنی، م ۸۵۶)
- [۵۱۲] م- واجب است در وقت رفتن به طرف مرود متوجه به آنجا، وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو رابه طرف صفا یا مرود کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.^۴ (مناسک محسنی، م ۸۳۷)
-
۱. آیة الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مرود ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مرود واقع می‌شود، کفایت می‌کند. (مناسک، مسأله ۳۴۱).
- آیة الله فاضل: جایز نیست.
- آیة الله مکارم: طبقه دوم که فعلًا وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.
۲. آیة الله سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان و ملحق آن مذکور نیست.
۳. آیة الله خامنه‌ای: صحیح نیست. (مناسک محسنی، م ۳۰۵)
- آیة الله مکارم: طبقه فوقانی میان دو کوه نیست.
۴. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه در حال رفتن به مرود، به طرف مرود و در حال راه رفتن به صفا، رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد. (آداب و احکام حج، ص ۲۶۴)
- آیة الله مکارم: مثلاً اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانع ندارد.



[۵۱۳] م- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی.^۱ (مناسک محسنی، ۸۳۸م)

[۵۱۴] م- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است. (مناسک محسنی، م ۸۳۹)

[۵۱۵] م- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.^۲ (مناسک محسنی، م ۸۴۰)

۱. آیة الله اراکی، آیة الله خوبی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود، واحوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر. آیة الله بهجت: م تعرض موالات عرفیه نشده‌اند. و فرموده‌اند: گرچه احوط این است که بین آن دو بدون عذر ننشینند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه بهم نخورد زیر موالات در همه اشواط معتبر است.

آیة الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد (مناسک، م ۳۴۰).

آیة الله مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.

۲. آیة الله تبریزی: تأخیر تکلیفاً جائز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود. آیة الله خوبی: اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۵)، لازم به تذکر است که ایشان کلام صریحی در اینکه تکلیفاً تأخیر نینداختن سعی به فردا واجب باشد نفرموده‌اند.

آیة الله مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هر چند گناه کرده است.

[۵۱۶] م- کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جامی آورد و سعی را شب انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود^۱ مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگرچه اقوی کفایت است. (مناسک محشی، م ۸۵۵)

[۵۱۷] م- سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان خدای تعالیٰ بیاورد.^۲ (مناسک محشی، م ۸۴۱)

[۵۱۸] م- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.^۳ (مناسک محشی، م ۸۴۲)

[۵۱۹] م- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت. (مناسک محشی، م ۸۴۳)

[۵۲۰] م- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا

۱. آیة الله خامنه‌ای: تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از آن جایز نیست، اما تأخیر در انجام تا شب (همان روز) مانع ندارد. (مناسک حج، م ۳۰)

آیة الله سیستانی: تأخیر عرفی اشکال ندارد و مبادرت لازم نیست ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگر عمدًا و بدون عذر تا فردای آن روز تأخیر بیاندازد به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند.

آیة الله مکارم: هرگاه طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهد سعی را تا شب می تواند به تأخیر بیاندازد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه کرده ولی اعمال او صحیح است.

۲. آیة الله سیستانی: مراجعة شود به حاشیه مسألة ۲۸۹.

۳. آیة الله مکارم: در مسألة ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ گذشت.



بیشتر سعی او صحیح است^۱، و بهتر آن است که^۲ زائد را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.^۳ (مناسک محسنی، م ۸۴۴)

[۵۲۱] م- اگر سعی را کم کند سهواً^۴ واجب است آن را تمام کند هر وقت یادش بیاید، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد. (مناسک محسنی، م ۸۴۵)

[۵۲۲] م- اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی^۵ را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همانجا سعی را تمام کند، لکن احتیاط^۶ آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده تمام کند و از

۱. آیة الله خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیة الله فاضل: اگر چه مستحب است که آن را تا هفت شوط دیگر کامل کند. «عمره مفردہ، ص ۱۴۹».

۲. آیة الله خامنه‌ای: و باید از زمان یادآوری بقیه مقدار اضافه را ادامه ندهد. (مناسک حج م ۳۱۱)

۳. آیة الله بهجهت، آیة الله خویی: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیة الله سیستانی: اگر زائد یک شرط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

۴. آیة الله خویی: به حاشیه مسأله بعدی مراجعه شود.

آیة الله فاضل: چنانچه قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد بنابر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است واجب است...

۵. آیة الله اراکی: سعی را تمام کند و از سر بگیرد.

آیة الله سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد.

۶. آیة الله سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان ذکر نشده است.

سر بگیرد.^۱ (مناسک محشی، م ۸۴۶)

[۵۲۳] م- با تمام کردن سعی حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام. (مناسک محشی، م ۸۴۷)

[۵۲۴] م- اگر شک کند در عدد رفت و آمد ها بعد از تقصیر اعتنا نکند^۲ و اگر، شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بنا گذاری بر

۱. آیة الله اراکی: و احوط در صورت عدم اکمال چهار شوط استیناف و دوباره به جا آوردن سعی است.

آیة الله بهجت: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده واجب است باقی را هر وقت یادش آمد هرچند بعد از فراغت اعمال حج باشد تدارک نماید، و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به جا آورد، و در صورت دشواری آن نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۳۴۹).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: چنانچه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد هرچند بعد از فراغت از اعمال حج باشد، تدارک نماید. و اگر خود نتواند تدارک کند یا تدارک آن مشقت داشته باشد واجب است نایب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نایب به نیت فراغ ذمہ منوب عنہ از اتمام یا تمام یک سعی کامل به جا آورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

آیة الله فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد. و همین طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.

۲. آیة الله فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه، و همین طور است اگر بعد از فراغ از عمل شک در زیاده کند.



اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست^۱ احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست^۲، واگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتنا نکند. (مناسک محشی، م ۸۵۰)

[۵۲۵] م - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است، و همین طور اگر درین رفت و آمد شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند اعتنا نکند. (مناسک محشی، م ۸۵۱)

[۵۲۶] م - اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر مثل

۱. آیات عظام اراکی، بهجت، مکارم، نوری: اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اظهر این است که باید به این شک اعتنا شود. و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.

آیة الله سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد بنا بر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از بههم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. (مناسک، ص ۲۵۹).

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده احتیاط آن است که دوباره سعی کند. (آراء المراجع، ص ۲۹۷).

۲. آیة الله مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده به این شک اعتنا نکند.

اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

(مناسک محسنی، م ۸۵۲)

استفتائات سعی

[۵۲۷] س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۵۷)

ج - می تواند به^۱ این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زائد طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

[۵۲۸] س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

- آیة الله بهجت: اگر عمد بوده به همان نحو که گذشت اشکال دارد و در غیر عمد احتیاط در اتمام به چهارده شوط اگر ممکن است.
- آیة الله خامنه‌ای: می تواند از طواف و سعی خود دست برداشته و مجددًا طواف و نماز طواف و سعی را از سر بگیرد. (استفتاء، ۶۴۶۳ م ۶ و ۷)
- آیة الله سیستانی: احتیاط آن است که برگرد به مسجدالحرام و شوط اضافی را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند، سپس سعیش را تمام کند. و احتیاط مستحب این است که آن را اعاده نماید.
- آیة الله فاضل: احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود. پس از آن همه را اعاده کند.



ج - باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.^۱ (مناسک

(۸۵۸) م، محسنی

[۵۲۹] س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد. و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته اند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۵۹)

ج - عمل صحیح است و کفاره ندارد.^۲

[۵۳۰] س - کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و

۱. آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند.

آیة الله خامنه‌ای: آغاز سعی از مروه و پایان دادن آن در صفا صحیح نیست.
(مناسک حج م ۲۹۷)

آیة الله فاضل: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و تقصیر نماید (اگر چه قبلًاً تقصیر کرده باشد) تا از احرام خارج شود.

آیة الله مکارم: جواب این سؤال در مسأله ۲۵۰ گذشت.

۲. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط باید در موردی که با ناخن گرفتن تقصیر می‌کند و یا پس از تقصیر، جماع کرده است یک گاو کفاره بدهد.

آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط یک گاو کفاره دهد.

آیة الله خویی: اگر در عمره تمتع باشد باید بنابر اظهیر یک گاو کفاره بدهد.

آیة الله سیستانی: در عمره مفردہ کفاره ندارد.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اگر ناخن گرفته کفاره دارد.

آیة الله فاضل: عمل صحیح است، ولی اگر در عمره تمتع بوده است بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۰)
ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده^۱ از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

[۵۳۱] س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۱)

ج - لازم نیست ولی اختیاراً باید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.^۲

[۵۳۲] س - آیازن هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می گیرند در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی. (مناسک محسنی، م ۸۶۲)

[۵۳۳] س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده، او لا آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۳)

۱. آیة الله فاضل: چنانچه مقدار انحرافی را به عنوان سعی انجام نداده و در برگشت از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

۲. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط طواف و نماز را اعاده نماید.
آیة الله خویی: باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیة الله سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است. آیة الله سیستانی اضافه دارد: و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود باشد و در عمره تمتع باشد احتیاطاً باید یک گاو کفاره بدهد.



ج - باید سعی را اتمام کند، واحتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.^۱

[۵۳۴] س - بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌رونداز طرف دیگر آن بر می‌گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متیر فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفارت، به مروه برود اشکال دارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۵)

ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

[۵۳۵] س - شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می‌کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۶)

ج - اشکال دارد.^۲

۱. آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود. آیة الله خویی: و تقصیر را باید اعاده نماید و اگر در عمره تمتع بوده یک گاو کفاره بدهد.

آیة الله فاضل: اگر در عمره تمتع بوده احتیاطاً تقصیر و اعاده کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد.

۲. آیة الله تبریزی: اگر به‌قصد انجام وظیفه واقعیه باشد، اشکالی ندارد. آیة الله خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است. آیة الله خویی: بنابر اظهار اشکال ندارد. اگرچه اعاده سعی مطابق احتیاط است. (مناسک عربی، مسئله ۳۴۴).

آیة الله سیستانی: صحت سعیش اشکال دارد مگر آنکه جاهم قاصر باشد.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: اشکال ندارد (آداب و احکام، م ۶۹۴).

آیة الله مکارم: اشکالی ندارد و صحیح است.

[۵۳۶] س - آیا سعی کردن از همانجا که مریض‌ها را با چرخ می‌برند و بر می‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سراشیبی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ‌های سیاه بعد از سنگ‌های صاف که بقایای کوه است برسند؟ (مناسک محسنی، م ۸۶۸)

ج - سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.^۱

[۵۳۷] س - در مناسک فرموده‌اید کسی که بین صفا و مروه، سعی می‌کند واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد، وبالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

(مناسک محسنی، م ۸۶۹)

ج - وضعی است.^۲

[۵۳۸] س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

(مناسک محسنی، م ۸۷۱)

ج - محل اشکال است.^۳

۱. آیة الله مکارم: همان‌گونه که قبلاً گفته شد سراشیبی مذبور مربوط به کوه است، بنابراین مسیر فعلی چرخ‌سوارها اشکالی ندارد.

۲. آیة الله مکارم: ولی نگاه کردن به اطراف و حتی به پشت سر مانعی ندارد.

۳. آیات عظام ارaki، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

آیة الله بهجهت: متعرض الحق جهل به سهو یا عدم الحق به سهو نشده‌اند. و در صورت جهل فرموده: ظاهراً جهلاً مانعی ندارد.

آیات عظام تبریزی، خوبی، سیستانی: زیادی از روی جهل به حکم بنابر اظهیر موجب بطلان سعی نمی‌باشد، اگرچه احتیاط در اعاده است.



[۵۳۹] س- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد، چون آژز خود را صرف سوغات کرده وظیفه اش چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۲)

ج- اگر می‌تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

[۵۴۰] س- شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله‌اندکی هفت شوط دیگر به جا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۳)

ج- اشکال دارد^۱ و باید سعی را اعاده کند.^۲

[۵۴۱] س- شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مرده است سعی را شروع می‌کند و در شوط سوم متوجه مسئله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۴)

۱. آیات عظام اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

۲. آیة الله تبریزی: بعید نیست آن سعی که استیناف کرده صحیح باشد، گرچه احوط اعاده سعی است.

آیة الله خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد. (المسائل الشرعیه، مسئله ۳۴۸).

آیة الله سیستانی: اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سرگرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آنکه جاهل قاصر باشد که در این صورت نیز صحیح است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: صحت آن بعید نیست.

ج - سعی او صحیح است.

[۵۴۲] س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۵)

ج - باید آن مقدار را تدارک کند، و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.^۱

[۵۴۳] س - سعی از طبقه دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه می باشد، جائز است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۶)

ج - اشکال دارد.^۲

[۵۴۴] س - شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود انجام داده است، و آن گاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۷۸)

۱. آیة الله خامنه‌ای: و می‌تواند سعی سابق را رها کرده و مجددًا سعی را از سربگیرد.
(استفتاء ۶۲۴۶۳)

آیة الله مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

۲. آیة الله بهجت: اگر احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود کفایت می‌کند. (مناسک، مسأله ۳۴۱).

آیة الله خامنه‌ای: سعی در طبقه دوم مسعی صحیح نیست، مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه دوم میان دو کوه واقع است نه بالاتر از آن و کسی که نمی‌تواند در طبقه همکف سعی کند باید برای خود نایب بگیرد و سعیش در طبقه دوم صحیح و مجزی نیست. (مناسک حج م ۳۰۵ مناسک محسنی به حاشیه آقا دام ظله ۸۷۶۳)

آیة الله خویی: اگر دو طرف آن ولو قبلًا کوه صفا و مروه بوده و فضای بدون کوه نبود صحیح است. (آراء المراجع، ص ۳۰۰).

آیة الله سیستانی: مجزی نیست.



ج - در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.^۱

[۵۴۵] س - شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌نماید، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۸۰)

ج - اشکال دارد^۲، و باید سعی را اعاده کند.^۳

[۵۴۶] س - اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۸۲)

ج - از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد.^۴

[۵۴۷] س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروده، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۸۸۳)

۱. آیة الله خامنه‌ای و آیة الله مکارم: صحیح است و احتیاط واجب نیست مراجعه شود به مسأله ۵۳۷.

۲. آیات عظام اراکی، خامنه‌ای، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیة الله خویی: با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن سعی مجری است. (رجوع شود به مسأله ۸۷۳).

۳. آیة الله فاضل: اما اگر بعد از وضو و فوت موالات عرفیه سعی کند صحیح است. «عمره مفرده ص ۱۵۸».

مراجعه شود به سؤال ۵۴۰

۴. آیة الله خویی: از احرام خارج نشده و تقصیر را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۷).

آیة الله سیستانی: تقصیر را بنابر احتیاط نیز پس از سعی اعاده کند و یک گاو کفاره دهد.

آیة الله فاضل: بنابر احتیاط تقصیر را پس از سعی اعاده کند و بنابر احتیاط قبل از اعاده تقصیر محرمات احرام را مراعات کند ولی کفاره ثابت نیست.



- ج - مبطل است، و باید سعی را اعاده کند.
- [۵۴۸] س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص به بعض دارد؟ (مناسک محسنی، م ۸۸۴)
- ج - در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فواید موالات احتیاطاً از سر بگیرد.^۱
- [۵۴۹] س - اگر در سعی، بعضی موضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می‌زند یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۸۸۵)
- ج - ضرر نمی‌زند.^۲
- [۵۵۰] س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می‌شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعی صحیح
-
۱. آیة الله بهجت: دلیلی بر اعتبار موالات در سعی در غیر شوط اول نیست، (پرسش‌های جدید حج، س ۸۹).
- آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احوط اعتبار موالات عرفیه بین اشواط سعی است. (مناسک، قبل از مسأله ۳۳۹) و راجع به لزوم دادن گاو به عنوان کفاره آنچه می‌توان گفت ایشان در صورتی که مقداری از سعی را فراموش کند و به اعتقاد تمام شدن سعی محل شود فرموده یک گاو باید کفاره بدهد.
- آیة الله سیستانی، آیة الله فاضل: بنابر احتیاط واجب در همه اشواط موالات عرفیه لازم است.
- آیة الله گلپایگانی: موالات در سعی معتبر نیست. (آداب و احکام حج، ص ۲۷۴).
- آیة الله مکارم: احتیاط واجب آن است که در غیر موارد استثناء شده موالات عرفیه رعایت شود.
۲. آیة الله مکارم: ولی اگر عمدتاً باشد گناه کرده است.



است یا نه؟ (مناسک محشی، م ۸۸۶)

ج - صحیح است.^۱

[۵۵] س - شخصی در اثنای عمره مفردہ، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می‌کند به جا آورد. (مناسک محشی، م ۱۸۴)

ج - با فرض اینکه خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام^۲ کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد^۳، و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۱. آیة الله تبریزی: با شک در عدد اشواط سعی باطل می‌شود و باید سعی را اعاده کند.

آیة الله خویی: وظیفه‌اش تجدید و از سرگرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و مجزی نبوده لذا احتیاط اعاده سعی است. (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).

آیات عظام صافی، کلپایگانی، مکارم: در صورتی که به رجاء کشف حال ادامه داده باشد. (مجمع المسائل ۴۸۸/۱).

۲. آیة الله تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند....

آیة الله خویی، آیة الله سیستانی: اعاده کافی است.

۳. آیة الله سیستانی: ولی باید نماز طواف را خودش بعد از طواف نایب بخواند.

مستحبات سعی^۱

[۵۵۲] م- مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یادو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگویید: (مناسک محسنی، م ۸۸۷)

«اللَّهُمَّ اجْعِلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقُمٍ».

پس از آن به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفارته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت‌های الهی را به خاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگویید:

«الله أكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخْبِي وَيُمِيَّتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ يَبْدِئُ الْخَيْرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگویید:

«الله أكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيُّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگویید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

۱. آیة الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء به جا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمان‌های گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عمل‌اً ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیت او پاداش می‌دهد.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشَأْلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ» سه مرتبہ.

پس بگوید:^۱

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

سه مرتبہ.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبہ.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبہ.

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبہ.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبہ.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلٌّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيقُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنْنَةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِذْنِي مِنْ الْفِتْنَةِ».

۱. آیة الله خویی: این دعا و همچنین بعضی از دعاهای آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست.

پس بگوید:

«الله أکبر» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِّيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقَى عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوَارِكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

پس بگوید:^۱

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم باشد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقَهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید: «یا رَبَّ الْعَفْوِ یا مَنْ أَمْرَ بِالْعَفْوِ یا مَنْ هُوَ أَوْلَیٰ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ يُشَبِّهُ عَلَیَّ

۱. آیة الله بهجت: این فراز از دعا و دو فراز بعدی در مناسک ایشان نیامده است.

الْعَفْوُ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا بَعِيدُ، أُرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حدّ را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مرود نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زن‌ها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِلَهِ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، أَللَّهُمَّ أَغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَتَجَاوِرْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفْهُ لِي وَتَقْبِلْهُ مِنِّي، أَللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقْبَلْ مِنِّي عَمَلي يَا مَنْ يَقْبِلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:
«يَا ذَا الْمَنْ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مرود رسید برود بالای آن و بهجا آورد آنچه را که در صفا بهجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:
«أَللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه و ادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ حُسْنَ الظُّنُونِ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَةِ فِي التَّوْكِيلِ عَلَيْكَ».

قصیر یا حلق

[۵۵۳] م- واجب است بعد از آنکه سعی کرد^۱ تقصیر کند، یعنی قدری از ناخن‌ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند^۲، و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.^۳ (مناسک محسنی، م ۸۸۸)

[۵۵۴] م- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریاکند موجب باطل شدن عمره اش می‌شود مگر آنکه جبران کند. (مناسک محسنی، م ۸۸۹)

[۵۵۵] م- بعد از آنکه شخص محروم تقصیر کرد یا سر تراشید هر چه به واسطه

۱. آیة الله خامنه‌ای: لازم نیست بلا فاصله پس از سعی تقصیر کند. (مناسک حج، م ۳۱۸)

۲. آیة الله بهجت: این قید را ندارند.

آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند. و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیة الله مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

۳. تذکر: از جمله (و تراشیدن سر...) مربوط به عمره تمتع است؛ زیرا که در عمره مفرده تخيیر است بین تقصیر و بین تراشیدن سر.



احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود، به جز زن بر مرد و مرد بر زن و همچنین
بنابر احتیاط واجب آن چه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن
و شاهد شدن^۱ که پس از انجام طواف نساء و نماز آن حلال خواهد شد.

[۵۵۶] م- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر
وسیله‌ای باشد و اكتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و
احوط^۲ در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.^۳

(مناسک محشی، م ۸۹۴)

استفتائات تقصیر

[۵۵۷] س- آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات
احرام را به جا آورده و جاہل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟ (مناسک محشی، م ۸۹۵)
ج- با جهل کفاره ندارد مگر در صید به تفصیلی که در کتب ذکر شده
است.^۴

۱. آیة الله سیستانی: تنها حلیت استمتعان متوقف بر طواف نساء است.

۲. آیة الله خامنه‌ای: این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: اقوی است. (آداب و احکام حج ص ۲۷۵)

آیة الله فاضل: ظاهر آن است که تحقق تقصیر با گرفتن ناخن....

۳. به مسأله ۵۵۲ مراجعه شود.

آیة الله بهجت، آیة الله سیستانی: متعرض موی زیر بغل نشده‌اند.

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: گرفتن ناخن به تنها ی کافی نیست بنا بر
احتیاط واجب.

۴. آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: هر عملی غیر از صید که از محروم از روی جهل و
نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:
آن که طواف فریضه حج یا عمره را فراموش نموده و باعیال خود نزدیکی نماید ←

[۵۵۸] س- اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟ (مناسک محشی، م ۸۹۸)

ج- تقصیر را در هرجا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء^۱ را اعاده کند. و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

[۵۵۹] س- هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟ (مناسک محشی، م ۸۹۹)

ج- اشکال ندارد.

[۵۶۰] س- شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را

→ یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده و از احرام درآمد به اعتقاد این که فارغ شده است از سعی و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

کسی که دست خود را بخود بر سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مو از آن بیفتد. آن که بدن خود را روغنمایی کند از روی نادانی. حکم تمام اینها در جای خود ذکر خواهد شد ان شاء الله تعالى. آیة الله سیستانی: با حاشیه مذکور موافقاند با این فرق که ایشان مورد نزدیکی بین سعی و تقصیر را ذکر نفرموده‌اند و در مورد آخر روغنمایی به روغن خوشبو را موجب دانسته‌اند.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: و بعض موارد دیگر که در مناسک مذکور است.
۱. آیة الله بهجهت: اکنون که قبل از تقصیر متذکر شده است تقصیر می‌کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می‌نماید بنابر احوط و مقدم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی. (مناسک شیخ س ۱۱۸ و ۱۶۶)

آیة الله تبریزی: احتیاط واجب در صورت امکان تقصیر در مکه است.
آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.



به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه اش چیست؟ (مناسک محسنی، م ۹۰۱)

ج - اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.^۱

[۵۶۱] س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است،

وظیفه اش چیست؟ (مناسک محسنی، م ۹۰۴)

ج - مانع ندارد.

[۵۶۲] س - در عمره مفردہ اگر کسی تقصیر را عمدآً یا از روی جهل و نسیان

ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟ (مناسک محسنی، م ۹۰۸)

ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید^۲، و فرقی بین صور

عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.

[۵۶۳] س - اگر تقصیر را در عمره مفردہ جهلاً یا نسیاناً به جای اورد و طواف

نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم

شده و عمره تمتع را به جا آورد و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف

این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

(مناسک محسنی، م ۱۹۶)

ج - در فرض مرقوم چنانچه عمره مفردہ را در آشُهر حج به جا آورد و

می خواهد حج مستحبی^۳ به جا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند چه

۱. آیة الله سیستانی: اگر در عمره تمتع سعی را فراموش کند و پس از نماز طواف

قصیر کند بنابر احتیاط یک گاو کفاره بدهد و در غیر این دو صورت چیزی بر او

نیست. مستفاد از این عبارت این است که در عمره مفردہ چیزی نیست.

۲. آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: (با اختلاف در تعبیر): در تبدّل عمره

مفردہ به عمره تمتع فرقی بین حج واجب و مستحب نیست. البته اگر آن شخص

تا ایام حج در مکّه باقی باشد.

وقت برای اعاده عمره تمنع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی‌کند علی الاحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمره تمنع مجدداً محرم شود.

→ آیة الله تبریزی: در فرض مرقوم بعد از تقصیر به نیت مافی الذمه به میقات برود و برای عمره تمنع مجدداً محرم شود و اگر ممکن نشد از هر کجا که ممکن بود محرم شود و بنابر احتیاط واجب عمره تمنع را اعاده کند.

طواف نساء و نماز آن

[۵۶۴] م- پس از تقصیر یا حلق، باید هفت دور به نیت طواف نساء به دور کعبه بگردد و پس از آن دور کعت نماز، پشت مقام ابراهیم -ع- به نیت نماز طواف نساء به جا می آورد.

[۵۶۵] م- طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، به جز نیت، پس این طواف نیز باید از حجرالاسود آغاز شود و به همان جا ختم گردد و هنگام طواف، شانه چپ به سمت کعبه باشد و سایر شرایطی که برای طواف عمره گفته شد مراعات شود.

[۵۶۶] م- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خشی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی، او را محروم کرد باید او را به احتیاط واجب^۱ طواف نساء بدهد تابعه از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.^۲ (مناسک محسی، م ۱۱۸۱)

۱. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: واجب است

۲. آیة الله اراکی: فقط متعرض حکم زن و مرد شده‌اند.

آیة الله تبریزی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می شود، ←



[۵۶۷] **م-**اگر شخص، چندین عمره مفردہ به جای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.^۱

(مناسک محشی، م ۱۲۰۳)

استفتائات طواف نساء

[۵۶۸] **س-**کسی که عمره مفردہ انجام می‌داد بدون اینکه تقصیر کند طواف نساء را به جا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟ (مناسک محشی، م ۱۲۰۹)

→ ولکن بنابر احتیاط استمتاعات جایز نمی‌شود، گرچه اظهر اختصاص حرمت به جماع است.

آیة الله خوبی: حکم صبی ممیز مانند حکم مرد است. (مستفاد از المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳) ولی راجع به صبی غیر ممیز که او را به حج می‌برند فتوای ایشان در دست نیست.

آیة الله سیستانی: همانگونه که گذشت با حلق یا تقصیر عقد حلال می‌شود و اما حلیت استمتاع در صبی ممیز حاصل می‌شود با اتمام اعمال و در مورد غیر ممیز نظر ایشان در دست نیست.

آیة الله فاضل: مجنون و مغمی علیه رانیز اگر محرم کرده‌اند طواف نساء بددهد تا در صورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیة الله گلپایگانی: متعرض خصی و خنثی نشده‌اند ولیکن در مورد مجنونی که ولیش او را محرم کرده طواف نساء را لازم می‌دانند.

۱. آیات عظام تبریزی، خوبی، صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد. (مستفاد از مسأله ۶۸ استفتایات). آیة الله تبریزی اضافه کرده: احتیاط این است تا طواف عمره مفردہ را انجام نداده محرم به احرام جدید نشود.

آیة الله خامنه‌ای: واجب است برای هر عمره مفردہ جداگانه طواف نساء به جا آورد اگرچه تحلل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیة الله سیستانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنابر احتیاط واجب.

ج - عمره باطل نمی شود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده^۱ نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

[۵۶۹] س - شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرد را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟ (مناسک محسنی، م ۱۲۱۰)

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد^۲، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

[۵۷۰] س - شخصی طواف نساء عمره مفرد را فراموش کرده و بعد برای عمره تمنع محروم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمنع، به جا آورد یا قبل از آن؟ (مناسک محسنی، م ۱۲۱۶)

ج - می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمنع به جا آورد، و اگر تأخیر

۱. آیة الله بهجت: به حاشیه مسأله ۵۵۷ مراجعه شود.

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲. آیة الله بهجت: اگر توانست خودش به جا آورد والا نایب بگیرد.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: اگر شک بعد از عمل موقعه با زوجه برایش حاصل شد به آن اعتمنا ننموده و بنابر انجام آن گذارد.

آیة الله سیستانی: باید طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است یا مشقت دارد نایب بگیرد.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: ولی اگر التفات به وجوب آن داشته و شک دارد که انجام داده یا نه بعید نیست انجام آن واجب نباشد، اگر چه احتیاط خوبست (آداب و احکام حج، مسأله ۹۱۵).

آیة الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب در صورت اول ولی در صورت بعد طواف نساء لازم نیست.



بیندازد، طواف نساء حج کفایت از آن می‌کند.^۱

[۵۷۱] س- کسی که طواف نساء عمره مفردہ را به جانیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می‌آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می‌کند؟ (مناسک محسنی، م (۱۲۱۷

ج - کفایت می‌کند.^۲

[۵۷۲] س- کسی عمره مفردہ به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً می‌خواهد برای عمره تمنع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمنع، طواف نساء را به جا آورد؟ (مناسک محسنی، م (۱۸۵

ج - مانع ندارد.^۳

۱. آیات عظام خامنه‌ای، خویی، صافی: کفایت نمی‌کند.

آیة الله سیستانی: کفایت نمی‌کند بنابر احتیاط.

آیة الله فاضل: کفایت نمی‌کند و برای عمره مفردہ بنابر احتیاط واجب یک طواف نساء دیگر به جا آورد.

آیة الله تبریزی: صحّت احرام جدید قبل از طواف نساء عمره مفردہ محل اشکال است.

آیة الله بهجت: در این مسأله و مسأله بعدی به ذیل مسأله ۵۶۶ مراجعه شود.
۲. مانند سؤال قبل است.

۳. آیات عظام اراکی، فاضل، نوری: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمنع طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفردہ محرم شود.

آیة الله فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفردہ یا حج تمنع را انجام نداده، برای عمره تمنع یا عمره مفردہ محرم نشود هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آنها طواف نساء را بنابر احتیاط انجام دهد.

محصور و مصدود^۱

[۵۷۳] م- مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید. و محصور آن است که به واسطه مرض^۲ منوع شود از عمره یا حج. (مناسک محسی، م ۱۳۷۰)

[۵۷۴] م- کسی که محروم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.^۳ (مناسک محسی، م ۱۳۷۱)

-
۱. آیة الله خامنه‌ای: احکام محصور و مصدود را متعرض نشده‌اند.
 ۲. آیة الله بهجت: در اثر بیماری و مانند آن.

آیة الله سیستانی: مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

- آیة الله مکارم: یا شکستگی اعضاء یا مجروح شدن و مانند آن.
۳. آیة الله تبریزی: بقاء احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیة الله خویی: بقای احرام در بعض صور محل منع است.

آیة الله سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می شود.

آیة الله فاضل: همان‌گونه که گذشت ظاهراً در بعضی موارد احرام خود به خود باطل می شود.



[۵۷۵] م-اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته^۱ باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند^۲ و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند^۳، و بنابر احتیاط واجب^۴

۱. آیة الله اراکی: و نتواند نایب بگیرد و اگر توانست نایب بگیرد، احوط جمع بین استنبابه و تحلل به قربانی است.

۲. آیة الله سیستانی: و به احتیاط واجب بدون آن محل نمی شود و اگر نتواند قربانی تهیه کند به احتیاط واجب ده روز روزه بگیرد.

آیة الله مکارم: ... و اگر قربانی میسر نشد نیت خروج از احرام می کند و احتیاطاً به جای قربانی ۱۰ روز روزه می گیرد مطابق آنچه در بحث قربانی در مناسک آورده ایم عمل کند.

۳. آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، متعرض قید نیت تحلیل نشده اند.

۴. آیة الله بهجت: احتیاط این است که حلق یا تقصیر را به آن (قربانی) ضمیمه نماید.

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: احتیاط این است که حلق یا تقصیر را به آن (قربانی) ضمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفردہ. (مناسک، مسأله ۴۴۴).

آیة الله صافی، آیة الله کلپایگانی: و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید، و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر، و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۸۴).

آیة الله فاضل: ... و یا به جای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

قدرتی از مو یا ناخن^۱ خود را بگیرد^۲، و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی زن. (مناسک محسنی، م ۱۳۷۲)

[۵۷۶] م- اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعد نیست^۳ که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد. (مناسک محسنی، م ۱۳۷۳)

[۵۷۷] م- کسی را که بواسطه بدھکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد. (مناسک محسنی، م ۱۳۷۴)

[۵۷۸] م- اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد. (مناسک محسنی، م ۱۳۷۵)

[۵۷۹] م- کسی که مصدود است اگر امید بر طرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته شد از

۱. آیة الله سیستانی: گرفتن ناخن بنابر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.

آیة الله مکارم: ناخن به تنها ی کفایت نمی کند.

۲. آیة الله فاضل: و جایز است حلق به جای تقصیر.

۳. آیة الله بهجت: معتمر به عمره تمتع مصدود می شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلل به هدی می شود و در صورت عدم امکان استنبابه در همان سال اگرچه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نسae بعد از اتیان به سائر اعمال و تقصیر. (مناسک شیخ ص ۱۰۲ و ۱۰۳)

آیة الله مکارم: محل تأمل است.

ساخر آیات عظام متعرض این فرع نشده اند.

احرام خارج شود.^۱ (مناسک محسنی، م ۱۳۸۰)

[۵۸۰] م- کسی که احرام عمره بست^۲ و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد محل شود باید هدی کند، و به احتیاط واجب^۳ هدی یا پول آن

۱. آیة الله بهجت: احوط تأخیر احلال است برای کسی که امید زوال صد و عذر را دارد و به خوف فوات متحلل نمی شود بنابر احوط. (مناسک شیخ ص ۹۹
آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: اگر امید به برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کنند.

آیة الله فاضل: اگر امید یا گمان به برطرف شدن مانع را داشته باشد نمی تواند در ابتدا به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

آیة الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۲. آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد به جا می آورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند، بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محل می شود - حتی نسبت به زن - و شخص محصوری که حج قرآن به جا می آورد به مجرد فرستادن قربانی به منی محل می شود، و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست. (آداب و احکام حج، مسائله ۹۸۸).

۳. آیة الله بهجت: اگر در عمره مفردہ محصور شده بنابر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند... و بعد از این کار تمامی محرمات احرام بر او به جز زن حلال می شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد حکم‌ش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می شود. (مناسک، مسائله ۴۵۴).

آیة الله تبریزی: اگر در عمره مفردہ محصور شد وظیفه‌اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می شود، و برای چنین شخصی بخصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید، و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می شود به جز زن و زن بر او حلال نمی شود مگر بعد از آنکه خوب شد و عمره مفردہ را به جا آورد و این در ←

را بفرستد^۱ بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعد رسید تقصیر کند، پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر^۲ زن، و احتیاط آن است

→ صورتی است که محصور در مکان خودش ذبح یا نحر نماید، و اما اگر هدی را بفرستد پس برای خروجش از احرام وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد، و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکم‌سابق حکم‌شده است با این فرق که فرستادن قربانی بر او تعیین دارد و چنانچه آنچه گفته شد عمل کند زن هم بر این شخص حلال می‌شود. (مناسک، مسأله ۴۵۳).

آیة الله خویی: وظیفه چنین کسی این است که مخیر است بین فرستادن قربانی و یا قیمت آن توسط فردی به مکه و یا بین اینکه در محل خودش قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید. با این فرق که اگر این شخص که محصور از عمره مفرد بوده با قربانی کردن، تمامی محرمات احرام به جز زن بر او حلال خواهد شد و اگر محصور در عمره تمتع باشد زن هم بر او حلال خواهد شد.

آیة الله سیستانی: اگر در عمره تمتع یا عمره مفرد محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این راه نتواند، ده روز روزه بگیرد و در این موارد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن. (مناسک، مسأله ۴۴۶ و ۴۵۲).

آیة الله فاضل: اما در عمره مفرد مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محل حصر. و در عمره تمتع به احتیاط واجب....

۱. آیة الله خویی: اگر عمره مفرد باشد فرستادن تعیین ندارد بلکه می‌تواند در مکان خودش هدی را ذبح کرده و محل شود. (مناسک عربی، مسأله ۴۴۸).

۲. آیة الله بهجت: قبل‌آگذشت که در عمره تمتع از زن هم محل می‌شود.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: متعرض مسأله محصور در عمره نشده‌اند.

آیة الله مکارم: زن هم بر او حلال می‌شود.



که^۱ در ذبح، قصد تحلیل منوب عنہ کند.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۳۸۱)

[۵۸۱] م - تحقق محصور بودن مثل تحقق مصید و دبودن است که گذشت.

(مناسک محسنی، م ۱۳۸۵)

۱. آیة الله فاضل: نایب.

۲. آیة الله سیستانی متعرض این احتیاط نشده‌اند.

طواف وداع

[۵۸۲] م- برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلًا برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذِي فِي جَنِيْكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِيْنُ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجِابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبید و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

مسائل متفرقه

[۵۸۳] م - وقتی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.^۱ (مناسک محسنی، م ۱۳۱۳)

۱. آية الله بهجت: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند. آية الله تبریزی، آية الله خویی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود برای خود آهسته انجام دهد، و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن با آنها نماز ظهر را اعاده کند.

آیة الله سیستانی: جایز است که نماز پشت سر آنها خوانده شود ولی باید اگر مأمور می تواند بصورت آهسته برای خود قرائت کند و الا در ذهن و نفس خود بخواند و اگر نماز جمعه باشد بعد از آن ظهر را بخواند.

آیة الله صافی: نماز با عame در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تأليف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگر چه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد در هنگام اقامه جماعات و با ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد. آداب و احکام حج.

آیة الله کلپایکانی: نماز با عame در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است لکن با تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند. (آداب و احکام حج، مسئله ۲۵).



[۵۸۴] م- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگ‌ها چه مرمر باشد یا سنگ‌های سیاه معدنی یا سنگ‌گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود جایز است.^۱ و سنگ‌هایی که در «مسجدالحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله ﷺ». (مناسک محسنی، م ۱۳۱۴)

[۵۸۵] م- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید^۲ نماز رابه جماعت بخوانند^۳ و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. (مناسک محسنی، م ۱۳۱۵)

[۵۸۶] م- تغییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص^۴ به مسجد الحرام

۱. آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد.

آیة الله سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.

۲. آیة الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی است نماز را به جماعت نخواند.

۳. آیات عظام اراکی، صافی، کلپاگانی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیة الله بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتل‌ها و مسافرخانه‌ها در مکه و مدینه مانع ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیة الله سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

آیة الله مکارم: نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

۴. آیة الله بهجت: مسافر می‌تواند در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزو این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

آیة الله تبریزی: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند. (استفتائات، س ۱۲۹).

و مسجدالنبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاط اقتصار بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند. (مناسک محسنی، م ۱۳۱۶)

[۵۸۷] م- کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضاء می کرد محروم شد نمی تواند احرام خود را بهم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش بهم نمی خورد، و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد. (مناسک محسنی، م ۱۳۱۸)

[۵۸۸] م- اگر بواسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لیکن بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامعه دوخته را بکند، و اگر

→ آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری: می تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

آیة الله خامنه‌ای: اگرچه احتیاط استحبابی در اختصاص به تخيير به محله‌های قدیمی دو شهری که در اختصاص به دو مسجد است. (مناسک حج مسائل متفرقه س ۵)

آیة الله خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. (منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵). [قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است].
نظر سایر آیات در مناسک نیست. به رسائل عملیه آنان مراجعه شود.



لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن

لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی^۱ کند. (مناسک محشی، م ۱۳۱۹)

[۵۸۹] م - کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.^۲ (مناسک محشی، م ۱۳۳۰)

[۵۹۰] م - در هر یک از اعمال عمره اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتنا نکند، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد. (مناسک محشی، م ۱۳۲۴)

۱. نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۱۱۶ گذشت.

۲. آیة الله بهجت: نسبت به موارد فوق در مورد اول بعد از اینکه مقداری از سعی را در عمره تمنع فراموش نموده این اضافه را دارند: یاناخن‌های خود را بگیرد به خیال اینکه احرامش تمام شده. (مناسک، مسأله ۲۲۵).

آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: هر عملی غیر از صید که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

آن که طوف فریضه حج یا عمره را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید یا مقداری از سعی را در عمره تمنع فراموش نموده و از احرام درآمد به اعتقاد این که فارغ شده است از سعی و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

کسی که دست خود را بیخود بر سر یاریش خود بکشد و یک یا دو مواز آن بیفتد. آن که بدن خود را روغنمایی کند از روی نادانی. آیة الله سیستانی: با این حاشیه موافق‌اند با این فرق که ایشان مورد نزدیکی بین سعی و تقصیر را ذکر نفرموده‌اند و در مورد آخر روغن مالی به روغن خوشبو را موجب دانسته‌اند.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: و بعض موارد دیگر که در چاپ اخیر مناسک مذکور است.

- [۵۹۱] م- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.^۱ (مناسک محسنی، م ۱۳۲۷)
- [۵۹۲] م- مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۳۲۹)
- [۵۹۳] م- اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراحت شدید دارد، بلکه احتیاط^۳ در برنداشتن است.^۴ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۰)
- [۵۹۴] م- اگر (لقطه) حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می تواند قصد تملک آن را بکند^۵ و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبیش نیست، و

۱. آیة الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.
 ۲. آیة الله اراکی: بنابر احتیاط، فقرای مؤمن غیر سید می باشند.
 - آیة الله تبریزی، آیة الله خویی: باید مؤمن باشند.
 - آیة الله سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می توان به ضعفای غیر ناصبی داد.
 - آیة الله فاضل: مصرف کفاره فقیر مؤمن غیر سید است بلی اگر دهنده آن سید باشد می تواند کفاره خود را به فقیر سید بدهد.
 - آیة الله گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است.
 - آیة الله مکارم: احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.
 ۳. آیات عظام اراکی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.
 ۴. برای شناخت نظر آیات عظام نسبت به حکم لقطه در حرم به توضیح المسائل آنان مراجعه شود. و همچنین نسبت به دو مسئله بعد.
 - آیة الله خویی، آیة الله فاضل: بنابر احتیاط باید عوض صاحبیش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۴۶).
 ۵. آیة الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید از طرف صاحبیش صدقه بدهد و هر وقت صاحبیش پیدا شد چنانچه به قدره دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد.
- (توضیح المسائل م ۲۵۷۴)



چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است^۱، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.^۲ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۱)

[۵۹۵] م- اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت^۳ باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر:^۴ یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد^۵، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود. (مناسک محسنی، م ۱۳۳۲)

[۵۹۶] م- در مسجد النبی ﷺ سجده کردن روی فرش های مسجد مانع ندارد

۱. آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲. آیة الله گلپایگانی: باید به صاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد. (وسیله النجاة، ج ۲، ص ۳۲۶)

۳. آیة الله سیستانی و آیة الله صافی: به احتیاط واجب باید صدقه بدهد.

۴. آیة الله خویی: بنابر احتیاط باید عوض صاحبش صدقه بدهد و حق تملک ندارد. (مناج الصالحین، ج ۲ ص ۶۴۶)

آیة الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی دهد صدقه بدهد.

۵. آیة الله گلپایگانی: و همچنین می تواند آن را تحويل حاکم شرع بدهد. (وسیله النجاة ج ۲، ص ۳۲۶)

آیة الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

و مهرگداشتن جاييز نیست، و لازم نیست^۱ در جايي که سنگ است نماز بخواند،

۱. آية الله بهجت: در صورت امكان سجده بر مايصح السجود عليه، اكتفا بغیر آن خلاف احتياط است. (استفتائات ويزه حج). و در پرسش های جديد حج، ص ۳۰، س ۱۲۷ می فرماید: اعتبار عدم مندوحه در مال عمل یقینی است واما مندوحه مکانی و یازمانی پس اعتبار آن موافق با احتياط است و در سوره سجده بر مهر و یا حصیر و بادبزن در مساجد مگه و مدینه در صورتی که موجب وهن و انگشت نماشدن باشد. در پرسش های جديد حج ص ۳۱ ش ۱۳۰ می فرماید: در فرض سؤال جاييز نیست و حكم در صورت وجود مندوحه در مسئله قبل بيان شد.

آية الله تبريزی: در صورت تمکن لازم است....

آية الله خامنه‌ای: جايي که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند بنابر احتياط واجب باید بر این اشياء سجده نماید. (بخشی از رساله علمیه م ۳۰۷)

آية الله خویی: اگر در آن مکان تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جاييز است ندارد سجده صحیح است.

آية الله فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتك و انگشت نماشدن نشود باید در محل که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگ های مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آية الله سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مايصح السجود عليه نباشد سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آية الله صافی، آية الله گلپایگانی: اگر فرادی می خواند و ضرورتی نباشد باید به فرش سجده کند، و اگر به جماعت می خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسئله اول گذشت.

آية الله گلپایگانی: سجده روی فرش های مسجد در صورت تقیه مانع ندارد. (استفتائات ويزه حج، ص ۳۰، مسئله ۵۲).

و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشت نمایشدن باشد اجتناب نمایند. (مناسک محسنی، م ۱۳۳۴)

استفتائات مسائل متفرقه

[۵۹۷] س- در مسجد النبی ﷺ بعد از اتمام نماز جماعت آیامی توان روی فرش های مسجد سجده نمود و یا اینکه باید بروود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۵)

ج- لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود.^۱

[۵۹۸] س- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رود روى امام جماعت و یا طرفين او ايستاده بوده است، آيا اين نماز احتیاج به اعاده دارد؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۶)

ج- با وضع فعلی نياز به اعاده ندارد.^۲

۱. به حواشی مسئله قبل مراجعه شود.

آيات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: با وجود مکان سنگ فرش، باید به آنجا برود. آیة الله سیستانی اضافه فرمودند: بلی نماز مستحب را می تواند رجاء در روضه مقدسه بخواند.

۲. آیة الله اراکی: در صورت تأخیر مأمور در مواضع سجود و اقرب نبودن به کعبه از امام به حسب دائره.

آیة الله تبریزی، آیة الله سیستانی: در هر صورت باید قرائت را خود - ولو به نحو حدیث نفس - بخواند.

آیة الله خامنه‌ای: نماز کسی پشت سر امام یا دریکی از دو طرف او باشد صحیح است و بنابراین احتیاط مستحب کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله میان ←

[۵۹۹] س- در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکهٔ معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فرادی بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۷)

ج- می‌تواند در همانجا و بر طبق نماز آنان به جا آورد.^۱

→ امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک تر نباشد، امام نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابله امام باشد صحیح نیست (مناسک حجج مسائل متفرقه س ۲) آیة الله خویی: جایز نیست، ولی بهر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و یا اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیة الله صافی، آیة الله گلپایگانی: نماز به نحو استداره مانع ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دائره مقدم بر امام نباشد، و همچنین بنابر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیک تر از امام به کعبه هم نباشد. (العروة الوثقی ۷۸۳/۱ مسأله ۲۵ شرایط الجماعة).

آیة الله فاضل: اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست.

آیة الله مکارم: احتیاط آن است که امام به حسب دایره و از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

آیة الله نوری: با حفظ نسبت در تمام دایره صحیح است.

۱. مراجعه شود به مسأله ۵۹۶.

آیة الله تبریزی: با وجود مکان سنگ فرش در مسجد، باید در آنجا نماز بخواند و در غیر این صورت اگر روی فرش‌ها هم سجده کند مجزی است.

آیة الله فاضل: باید در منزل بارعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقیه اقتضای غیر آن را داشته باشد.

آیة الله مکارم: یعنی برای سجده مهر نگذارد.



[۶۰۰] س- حصیرهایی که در حجراز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور باخ مخلوط است؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۸)

ج- اگر عرفًا روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.^۱

[۶۰۱] س- اگر انعام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صفات جلو، و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۳۹)

ج- اعاده دارد.

[۶۰۲] س- آیا حاضر و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ عبور کنند یا خیر؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۰)

ج- نمی توانند.^۲

[۶۰۳] س- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلا فاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۱)

ج- مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.^۳

۱. آیة الله بهجت: اگر مجموع آنچه سجده بر آن صحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد.

آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: سجده بر این حصیرها مانع ندارد.

۲. آیة الله بهجت: احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند. آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط باید عبور ترک شود.

۳. آیة الله بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استثار قرص کافی است.

آیة الله خویی: اگر نماز مغرب قبل از زوال حمره مشرقیه باشد فتوای ایشان ←

[۶۰۴] س - کسی خیال می‌کرد که بر سنگ‌های فرش شده در مسجد الحرام زاده الله شرفاند. سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می‌کرده است، آیا نماز‌هایی که این نحو خوانده چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۲) ج - صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.^۱

[۶۰۵] س - قرآن‌هایی که در مسجد الحرام است، بر بعضی نوشته شده که وقف است. ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احياناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۶) ج - برداشتن آنها بدون اینکه از متصلی ذیربط اجازه بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

[۶۰۶] س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می‌شود با خود آورد یا نه؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۷) ج - از صفا و مروه جایز نیست^۲، و از مشعر مانع ندارد.

→ به صحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.

آیة الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.
آیة الله مکارم: وقت وارد شده است.

۱. آیة الله بهجت: نماز‌هایش را قضا کند و نماز طواف را خود یا نایبیش اعاده نماید.
آیة الله تبریزی: نماز‌هایی که به این صورت خوانده، باطل است و باید اعاده کند، و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری است، چنانچه ممکن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر ممکن نیست می‌تواند در جای خود اعاده کند.

آیة الله خویی: حتی اگر جاهل قاصر باشد نماز صحیح نیست.

آیة الله صافی، آیة الله کلپایکانی: جاهل قاصر مُستثنی نشده است.
۲. آیة الله اراکی، آیة الله تبریزی: بنابر احتیاط.



[۶۰۷] س - در تطهیر مسجدالحرام به نحوی که عین نجاست را بر طرف می‌کنند و بعد با ظرف آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ‌ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۴۹)

ج - علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود.^۱

[۶۰۸] س - آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقسیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۵۳)

ج - برای کسانی که نفقة آنان بر او واجب است نمی‌شود صرف نمود.

[۶۰۹] س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی‌داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۵۵)

ج - با یأس از پیدا شدن صاحب‌ش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.^۲

[۶۱۰] س - اگر شخصی مبلغی از ز به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی یا آزاد - پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟ (مناسک محسنی، م ۱۳۶۳)

→ آیة الله خویی: نظر ایشان راجع به برداشتن سنگ از صفا و مروه بدست نیامد.

آیة الله سیستانی: شکستن سنگ‌های صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانع ندارد.

آیة الله گلپایگانی: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی الاحوط.

(آراء المراجع، ص ۴۳۴).

۱. آیة الله گلپایگانی: کتبًا فرموده: و با فرض یقین طواف و نماز از جهت تقيیه محکوم به صحت است، و شفاهًا فرموده: در وقت طواف نعلین بپا کند. (آراء المراجع، ص ۴۱۸).

۲. برای به دست آوردن نظریه مراجع به ذیل مسئله ۵۹۳ الی ۵۹۵ مراجعه شود.

ج - در تبدیل پول باید باهم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

[۱۶] س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟ (مناسک محشی، م ۱۳۶۹)

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد^۱، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد^۲ و احتمال بدھنده که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.^۳

والحمد لله اوّلاً و آخرًا و ظاهرًا وباطناً

والسلام على محمد وآلـه الطـيـبـيـن والـلـعـن عـلـى أـعـدـائـهـمـ أـجـمـعـيـنـ

۱. آیة الله سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.
- آیة الله فاضل: چنانچه احراز شود از نوع ماهی فلس داراست و احراز شود زنده و توسط انسان از آب خارج شده یا در تور ماهی گیری افتاده است مصرف آن مانع ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشنده مسلمان باشد و احتمال بدھنده که احراز تزکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می‌کند.
۲. آیة الله سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس از صید در تور ماهی گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس دار باشد حلال است.
۳. آیة الله خویی: اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد خوردن آن جایز نیست.